

تحریف امروز برای جبران شکست در دفاع مقدس است



فرارسیدن اربعین حسینی را تسلیت می‌گوییم

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیستم | شماره ۹۷۰ | دوشنبه ۱۴ مهر ۱۳۹۹ | ۱۷ صفر ۱۴۴۲ | ۵ اکتبر ۲۰۲۰ | ۱۶ صفحه

دکتر یدالله جوانی



مناظره یا نشانه افول

فتح‌الله پریشان



کار کنید فرافکنی نکنید!

میشم رشیدی مهرآبادی



ظلم به بچه‌های اصیل جنگ

با ماسک از خانه بیرون بیاییم

صادق

اربعین رسانه پر قدرت عاشورا

علی حیدری

سر دبیر



«اربعین» یکی از نقاط عطف تاریخ اسلام است که در طول نزدیک به ۱۴۰۰ سال گذشته نماد عشق و ارادت عملی شیعه به امام مظلومش بوده و به جرئت می‌توان گفت اهتمام شیعیان به پیاده‌روی اربعین رمز ماندگاری عاشورا در طول اعصار و قرون بوده است. اگرچه با وجود محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی که حکام جور برای حرکت دلدادگان کوی حسینی ایجاد می‌کردند، اما همت و غیرت دینی شیعیان هیچ‌گاه نگذاشت تا شعله این چراغ رو به خاموشی بگذارد، اما در سال‌های اخیر و با فراهم شدن فضا، پیاده‌روی اربعین به یک حماسه بزرگ و تابلویی عظیم از عشق و ارادت مسلمانان و دلباختگان عزت و شرف به راه سرخ حسینی تبدیل شده است. اربعین در کنار عشق و شور و دلدادگی کارکردهای دیگری در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دارد که شناخت و ژرف‌اندیشی درباره کارکردهای آن اهمیت فراوانی دارد. اگرچه امسال به جز شیعیان عراق، ملت‌های دیگر از فیض حضور در این اجتماع عظیم محروم هستند؛ اما نگاهی به کارکردهای سیاسی اربعین به امید تکرار پرشورتر آن در سال‌های آینده خالی از لطف نیست.

اول اینکه، اجتماع بزرگ و منحصر به فرد اربعین نماد وحدت جهان اسلام است. پیاده‌روی اربعین از آن دسته آیین‌های مذهبی و دینی است که با توجه به ماهیت قیام عاشورا ظرفیت بالایی برای بسترسازی تحقق امت واحد دارد.

دوم جنبه اقتدارآفرینی اربعین است که در وضعیت کنونی و با توجه به گسترش گروه‌های انحرافی، بسیج سیاسی عبادی اربعین نمادی از قدرت سیاسی شیعه را به منصفه ظهور در می‌آورد. حضور بی‌مانند شیعیان از قومیت‌ها و ملیت‌های مختلف و از اقصا نقاط جهان در اربعین نشان می‌دهد، مکتب حسینی، قابلیت و قدرت بسیاری برای بسیج کردن ملت‌ها دارد.

نکته سوم پاسداشت عملی و تلاش برای زنده نگه داشتن یاد و نام سیدالشهداء به منزله نماد ظلم‌ستیزی و آزادی خواهی است و از این رو اربعین مبدأ حرکت ماندگار برای تبلیغ و ترویج فرهنگ حسینی بوده، هست و خواهد بود.

چهارمین نکته توجه به جریان‌سازی است. اجتماع عظیم اربعین مانند رودخانه‌ای پرخروش و جوشان نگاه‌ها و احساس‌های عاشورایی را به هم نزدیک و به یکدیگر ضمیمه می‌کند و از دل آن هم‌هدفی و اشتراکات روحی، اخلاقی و اعتقادی پدید می‌آید که می‌تواند جریان‌ساز باشد.

پنجمین مسئله نمادسازی است. عاشورا مضامین بلندی دارد که قابلیت بازنمایی و نمادسازی دارند. حضور سلاطین و باورهای مختلف تحت پرچم شیعه در اربعین این فرصت را ایجاد می‌کند تا با الگوسازی از فرهنگ عاشورا برای شرایط امروز ملت‌ها مدل حرکتی متناسب طراحی و عملیاتی شود.

البته عاشورا همچون اقیانوس بیکرانی است که در همه عرصه‌ها می‌تواند حرکت آفرین، اثربخش و ثمربخش باشد و اربعین خود به تنهایی یک رسانه است؛ چرا که از چهارم آن واقعه بزرگ تا به امروز، پیام‌رسان عاشورا و کریلاست. همانطور که رهبر فرزانه انقلاب یک سال پیش در مراسم دانش‌آموزی دانشجویان دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) فرمودند: «اهمیت اربعین اول این بود که رسانه پر قدرت عاشورا است. از روز عاشورا تا روز اربعین - بنا بر یک روایت روزی است که اهل بیت برگشتند به کربلا - این چهل روز، چهل روز فرمانروایی منطق حق در میان دنیای ظلمانی حاکمیت بنی‌امیه و سفیانی‌ها بود. رسانه حقیقی [یعنی] فریاد زینب کبری، فریاد حضرت سجاد؛ در کجا؟ در کوفه، در شام، در آنجایی که ظلمات محض بود؛ اینها بزرگ‌ترین رسانه بود. همین‌ها بود که عاشورا را نگه داشت، همین‌ها بود که عاشورا را به امروز رساند.»

در آیین تجلیل از جانبازان نمایندگی ولی فقیه در سپاه عنوان شد

عقب راندن دشمن با قدرت درونی

بنیان خانواده را چگونه تحکیم ببخشیم؟

خانواده

بازنگاهی به جایگاه خانواده و راه‌های تحکیم بنیان آن

یادداشت

مناظره یا نشانه افول

دکتر یدالله جوانی

مدیر مسئول

اولین مناظره و رویارویی دوریقب دموکرات و جمهوری خواه در آستانه پنجاه و نهمین انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، از جنبه های گوناگون قابل تحلیل و ارزیابی است؛ از جمله این زوایا و جنبه ها نقش این مناظره در پرده برداری از واقعیات آمریکاست. به تعبیر زیبایی برخی کارشناسان، این مناظره خود به تهنایی یک دوره آمریکاشناسی است. مردم جهان و آمریکا در این مناظره، با چهره های بدون روتوش رهبران برجسته سیاسی ایالات متحده بیش از پیش آشنا شدند؛ به همین دلیل آقای «ریچارد هاس» رئیس شورای روابط خارجی آمریکا می گوید: «دعا می کنم مارشال لوهان (فیلسوف کانادایی- اشاره به نظریه دهکده جهانی) اشتباه کرده باشد و کل جهان نظاره گر این مناظره نباشند، در غیر این صورت این مناظره باقی مانده نفوذ آمریکا را در جهان تضعیف می کند و آرزمان دموکراسی را با مشکل جدی مواجه می سازد.»

پرسش اصلی آن است که چرا شخصیت صاحب نظری چون ریچارد هاس، این مناظره را یک خطر و تهدید جدی برای «آرمان دموکراسی» ارزیابی می کند؟ پاسخ آن است که وضع کنونی آمریکای به نمایش گذاشته شده در این مناظره، محصول تفکر و اندیشه لیبرال دموکراسی و نظام سرمایه داری است. آرزوی «ریچارد هاس» مبتنی بر اینکه، دعا می کنم مردم جهان نظاره گر این مناظره نباشند، به آن جهت است که مردم جهان با دیدن این مناظره، با ماهیت نظام لیبرال دموکراسی و نظام سرمایه داری، بیش از پیش آشنا می شوند. این مناظره، خط بطلانی بود بر تمامی ادعاهای حقوق بشری آمریکا و فرهنگ پیشرو این کشور، که می تواند الگو برای دیگر ملت ها و کشورها باشد. در این مناظره، ترامپ و بایسن هر یک بدهن تر از دیگری ظاهر شدند؛ به همین دلیل با قاطعیت می توان گفت، این مناظره خود به تهنایی از نشانه های انحطاط اخلاقی و افول قدرت آمریکاست. این مناظره سرعت افول را هم نشان می دهد. آمریکایی ها تاکنون، میلیاردها دلار در جهان هزینه کرده اند تا چهره مثبتی از خود به نمایش بگذارند، اما این مناظره به شکل طبیعی چهره واقعی آمریکا را به مردم جهان نشان داد.

نظام سیاسی حاکم بر آمریکا با ماهیت لیبرال دموکراسی که دارد، کارش به جایی رسیده که مردم تحت سیطره این نظام در کشور خودشان شعار «مرگ بر آمریکا» گفته و «پرچم» ایالات متحده را آتش می زنند! این واقعیات برای کسانی که از بیرون و از جمله از ایران به آمریکا نگاه می کنند، باید درس آموز و مایه عبرت باشد. کسانی که همچنان در دانشگاه های کشور و رسانه ها به طرق مختلف، در باب مزایا و محاسن «نظام سیاسی لیبرال دموکرات» سخن می گویند، کسانی که به دامن آمریکا و کشورهای اروپایی پناه برده و با حمایت بیگانه، به زعم خود می خواهند برای رسیدن به آزادی؛ در ایران یک نظام «لیبرال دموکراسی» برقرار کنند!

درباره واقعیات آمریکا روزنامه لیبراسیون فرانسه به قلم «فردریک اوتران» و به نقل از «سلسیا پلین» محقق و کارشناس فرانسوی امور آمریکا، با اشاره به نخستین دونل آشفته تلویزیونی میان دونالد ترامپ و جوایدن می نویسد: «مناظره ترامپ و بایدن این ایده را که ایالات متحده دوره تاریکی را پشت سر می گذارد، تقویت می کند.»



مهدی سعیدی

کارشناس سیاسی

این روزها مهم ترین مسئله کشور چگونگی مواجهه با مشکلات اقتصادی است. نوسانات غیرمعمول ارز و مسکن و بورس و دیگر بازارهای مؤثر در اقتصاد کشور، مردم را سخت درگیر خود کرده است. وضعیت کنونی ناشی از سوء تدبیرهای دولتی است که سال پایانی خود را می گذراند و هم به دلیل کرونایی است که اقتصاد جهان را تحت تأثیر خود قرار داده است و هم برآمده از تحریم ظالمانه ای است که برای مقابله با آن باید بیش از این تدبیر کرد.

اما در وری این مسئله که به گفت و گوی همه محافل خصوصی و عمومی جامعه بدل شده است، روند شکل گیری رقابت های انتخاباتی سال ۱۴۰۰ ریاست جمهوری در حال رقم خوردن است و احزاب، گروه ها و فعالان سیاسی مشغول آن شده اند. یکی از مهم ترین مسائل انتخابات توجه به همین اوضاع اقتصادی است که آثار آن می تواند موجب کم رونقی انتخابات شود. این کم رونقی را از کم توجهی این روزهای مردم به اخبار انتخابات هم می توان مشاهده کرد.

با این حال جریان های سیاسی در تلاشند تا هم خود را سامان بخشند و هم با ارائه برنامه ها

و گزینه های جذاب برای جامعه، هواداران را به شرکت در انتخابات ترغیب کنند و هم وعده تغییر و تحول دهند. در این میان اوضاع خاصی بر اردوگاه اصلاح طلبان حاکم است. اصلاح طلبان از یک سو میراث دار دولت روحانی شده اند؛ دولتی که در نگاه عموم جامعه مسئول اوضاع امروز کشور است! تلاش آنان برای جدایی سبد اردوگانشان از اعتدالیون مسورد قبول افکار عمومی قرار نگرفته است. از طرفی راهکار مشخصی نیز برای خروج از وضعیت کنونی ندارند. حداکثر منتظرند تا انتخابات آبان ماه آمریکا رقم بخورد تا شاید دموکرات ها با محوریت بایدن به قدرت برسند و همین را بهانه ای برای تداوم سیاست شکست خورده خود قرار دهند!

در کنار این قصه از لحاظ تشکیلاتی نیز اوضاع به شدت آشفته است. شورای عالی سیاست گذاری که در چند انتخابات گذشته نقش کلیدی در ایجاد انسجام انتخاباتی را بر عهده داشته، ماهه است که بدون رئیس رها شده است و کسی داوطلب پذیرش مسئولیت و ساماندهی به امور نیست. فراتر از آن حتی اعتبار این تشکیلات نیز زیر سؤال رفته و بخشی از اصلاح طلبان از ضرورت انحلال کامل این شورا و شکل دهی به پارلمان اصلاحات سخن می گویند. تشکیلاتی نوین که شکل دادن به آن نیز خود با مشکلات متعددی همراه است و به این سادگی اجماع شکل نخواهد گرفت.

شخصیت های کلیدی چون رئیس دولت

تشتت در اردوگاه

بررسی چند دستگی اصلاح طلبان در آستانه انتخابات ۱۴۰۰

اصلاحات و... نیز این روزها کم اعتبارتر از آن هستند که بتوانند در لحظات حساس با پیامی کوتاه همه اصلاح این اردوگاه را گرد هم جمع کنند! اجازه طرح چهره های جدیدتر برای محوریت یافتن در این اردوگاه نیز وجود ندارد. به زعم برخی فعالان سیاسی، نامگذاری های موسوی خوینگی ها در این روزها با هدف محوریت یافتن در این اردوگاه دنبال می شود؛ اقدامی که با واکنش تند بخشی از فعالان سیاسی اصلاح طلبان رویه رو بوده است. صادق زیباکلام به تازگی گفته است: «آقای موسوی خوینگی ها به هیچ وجه نمی تواند در جایگاه رهبری اصلاحات قرار بگیرد و اگر صد بار دیگر نامه بنویسد، در این اصل تغییری ایجاد نمی شود و آقای خوینگی ها اگر قرار است با اطلاع آقای خاتمی یا بدون اطلاع او، سخنگو یا لیدر جنبش اصلاحات باشد، یک فاجعه برای اصلاحات رقم خورده و عقبگردی بزرگ برای این جریان است و به نوعی لیدری موسوی خوینگی ها تیر خلاص به شقیقه جنبش اصلاحات است.»

در مورد چگونگی مواجهه با انتخابات ۱۴۰۰ نیز اختلافات بسیار است. برخی از ضرورت حضور حداکثری در انتخابات و تلاش برای کسب قدرت سخن می گویند و معتقدند پس از واگذاری مجلس، باید تلاش کرد تا قدرت در دستگاه اجرایی را در اختیار گرفت، وگرنه جریان اصلاح طلبی دچار انحلال و فروپاشی خواهد شد. نامه موسوی خوینگی ها و دعوت به حضور حداکثری در انتخابات

را در این راستا می توان تحلیل کرد. از سویی دیگر بخش رادیکال اصلاح طلب به نحوی خروج از حاکمیت را در دستور کار خود قرار داده و رفتارهای ساختارشکنانه خود را دنبال می کند. اینان معتقدند اوضاع به گونه ای است که مانند در حاکمیت منافع اصلاح طلبان را تأمین نخواهد کرد. حضور هفت ساله در قدرت دستاوردی برای شان نداشته و موجب ریزش هواداران شده است. بیرون ماندن از قدرت و اتخاذ رویکرد اپوزیسیونی، گویا برای شان منفعت بیشتری دارد در این مسیر حتی پیشنهادهای عجیب و غریبی هم مطرح می شود. برای نمونه، عباس عدی آقای روحانی را به استعفا و کناره گیری دعوت می کند یا تاج زاده از حذف ریاست جمهوری و ادغام آن با رهبری سخن می گوید!

البته این اظهارات بدون پاسخ نمانده است. برای نمونه، محمد هاشمی از اعضای حزب کارگزاران می گوید: «شخصی این درخواست را مطرح می کند که ارزش عکس العمل نشان دادن هم ندارد. آقای عدی از چه موضعی چنین سخنی را می گوید. او کیست که از رئیس جمهور درخواست استعفا می کند یا دستور می دهد.»

همه این اظهارات به خوبی از آشفستگی تشتت در این اردوگاه حکایت دارد و نشان می دهد اصلاح طلبان تا رسیدن به انسجام و وحدت فاصله بسیار دارند؛ وضعیتی که تداوم آن می تواند به ناکامی در انتخابات ۱۴۰۰ منجر شود.

پیام های مناظره فیل و الاغ

و چین مشکلات جدی پیدا کرده و حتی به دنبال کشیدن حصار در اطراف خود است. ترامپ در این مناظره با افتخار اعلام می کند: «من مرزها را بستم و گفتند که این تبعیض زادی است.» کسی که به دنبال بستن مرزهاست، قطعاً نمی تواند در جامعه جهانی نقش رهبری خود را ایفا کند.

۴ **هژمونی آمریکا:** طبق نظریه ثبات هژمونیکی، یک مکتب فکری پیشرو در شرایطی می تواند بر جهان حکمرانی داشته باشد که خود ظرفیت های ساختارهای خود را اصلاح کند؛ بلکه درصدد شکل دهی و ساختارسازی برای جهان باشد؛ از زمانی که کرنا در جهان شناسایی شده است، ضعف هژمونیکی آمریکا در پدافند غیر عامل از شهروندان خود بیشتر از سایر کشورها نمود داشته است، علاوه بر آن، سرعت ماسک و واکسن از سایر کشورها را نیز دنبال کرده است. در مناظره انتخاباتی موضوع سلامت مردم آمریکا به مثابه یک موضوع ابتدایی مورد بحث قرار می گیرد و بایدن به ترامپ می گوید: «۲۰۰ هزار نفر تحت کووید-۱۹ جان خود را از دست دادند.» ترامپ هم می گوید: «۴۷ سال زمام امور را داشتید و هیچ کاری نکردید.» و بایدن می گوید: «این همان آدمی است که گفت تا عید از بین می رود، حتی گفته بود که وایتکس تزریق کنید. ما برای یک لحظه حرف او را باور نمی کنیم، آیا شما با همه دروغ هایی که گفته است، باور می کنید؟»

و مردم آمریکا را برانگیخت. همان موقع رهبر معظم انقلاب فرمودند: «این چهره واقعی آمریکا است. این چیزی است که همیشه این کشور در سراسر جهان انجام داده است، در افغانستان، عراق، سوریه و دیگر کشورها و قبل از آن نیز در ویتنام. این کارهای عادی آمریکا و چهره واقعی رژیم آنهاست.» اکنون دهکده جهانی که واقعیت های درون آمریکا را بروز می دهد، به وسیله ای علیه آمریکا بدل شده است و واقعیت های زشت و ناجور داخل آمریکا را بازتاب می دهد. بایدن در این مناظره گفت: «یک بی عدالتی نظام مند در اجرای قانون در نیروی پلیس وجود دارد. اگر افراد بدی در نیروی پلیس باشند، باید آنها را مجازات کرد.» در دهکده جهانی در روزهای آینده شاهد نکات جذاب تری از انتخابات و رفتار سیاستمداران آمریکا خواهیم بود.

۳ **جهانی شدن:** تعبیر جهانی شدن یکی از اصطلاحاتی است که آمریکا از حدود دهه ۱۹۶۰ تمام تلاش خود را برای تحقق آن گذاشته است. بر اساس این نظریه «وابستگی به سرزمین» به عنوان یک اصل وحدت بخش در زندگی اجتماعی و فرهنگی از بین خواهد رفت و جامعه ای مستقر خواهد شد که حدود و ثغور جغرافیایی به معنای امروزی آن- از بین خواهد رفت و عمدتاً یک جامعه و یک فرهنگ در سراسر سیاره زمین مستقر خواهد شد. اکنون آمریکای ترامپ خود را از بسیاری از توافق نامه ها و قوانین جهانی به بیرون انداخته است، با کشورهای اروپایی آمریکایی



فرهاد مهدوی

کارشناس رسانه

مناظره فیل و الاغ بهتر از این هم نمی شود، اینکه برخی آمریکایی ها از این مناظره ابراز ناراحتی کرده اند جای تعجب دارد؛ زیرا آنها سالهاست به همه ملت های جهان گفته اند که خفه شو! حال اکنون به خودشان می گویند و سخن بسیار عجیبی نیست. اما نمایش همین دعوای لفظی برخی از واقعیت های فعلی و آینده جامعه و ساختار سیاسی آمریکا را نشان می دهد.

۱ **قدرت نبرم:** هنگامی که قدرت نظامی آمریکا (قدرت سخت) دچار فرسودگی و کهنگی شده بود، اندیشمندی به نام «جوزف نای» در سال ۱۹۹۰ در کتابی با عنوان «تغییر ماهیت قدرت آمریکایی» شعبه ای دیگر از قدرت را به روی چشم آمریکایی ها کشود و آن هم قدرت فرهنگی (قدرت نرم) بود و آمریکا چون رسانه های قدرتمندی داشت، به سرعت به تولید ساختارها، تصمیمات و فعالیت های مرتبط با قدرت نرم پرداخت و قرار بر این شد که قدرت نرم هویت بخش و مشروعیت آفرین قدرت سخت باشد و این تعریف را از قدرت نرم ارائه دادند که «قدرت نرم توانایی تأثیر گذاری بر دیگران برای کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار یا تطمیع

شهید باهنر کرمان است، استانداری کرمان و خراسان رضوی در دولت های یازدهم و دوازدهم را در کارنامه مدیریتی خود دارد.

رئیس جمهور نیز در پیوست حکم انتصاب رزم حسینی به عنوان وزیر جدید صمت، ۳۵ اولویت عمومی و اختصاصی این وزارتخانه را به وی ابلاغ کرد. روحانی در این پیوست و در تعیین اولویت های تخصصی وزارت صنعت، معدن و تجارت در آخرین سال فعالیت دولت دوازدهم، برنامه ریزی برای توسعه اشتغال مولد در بخش های تولیدی و خدماتی، توانمندسازی بخش خصوصی و ارتقای فضای رقابتی و امنیت سرمایه گذاری در محیط کسب و کار و همچنین مقررات زدایی به منظور تسهیل شروع و فعالیت کسب و کارهای خصوصی را از جمله اولویت های اصلی این وزارتخانه تعیین کرد.

کارشناسان حوزه صنعت، معدن و تجارت و کسانی که دستی بر آتش تحلیل های اقتصادی دارند،



حسین چخماکی

خبرنگار

وزارت صنعت، معدن و تجارت یا همان وزارت «صمت» در روز هشتم مهر امسال، سکان دار خود را شناخت تا این وزارتخانه سرانجام بعد از ۱۴۱ روز، روی «وزیر» به خود ببیند. در جلسه رأی اعتماد هشتم مهر که رئیس جمهور به دلیل رعایت پروتکل های بهداشتی در آن شرکت نکرده بود و معاون اول خود را به مجلس فرستاده بود، علیرضا رزم حسینی با ۱۷۵ رأی موافق، ۸۰ رأی مخالف و ۹ رأی ممتنع نمایندگان مجلس به عنوان سومین وزیر صمت در دولت دوازدهم معرفی شد. رزم حسینی که ۵۹ سال دارد و تحصیل کرده مقطع کارشناسی علوم اقتصادی و بازرگانی از دانشگاه

فرصت کم وزیر صمت!

اولویت اقدامات وزیر جدید صمت را این گونه برشمرده اند: جلوگیری از واردات غیر ضرور، تأمین کالا های اساسی مورد نیاز مردم، تنظیم بازار با مدیریت همراه با نظارت و مشارکت اصناف و اتحادیه ها، اصلاح سیاست های تنظیم بازار از طریق توزیع شبکه ای کارآمد کالاها، حذف دلالات و واسطه ها، پرهیز از التهاب در بازار و استفاده از شناسه کالا برای جلوگیری از قاچاق، استفاده از ظرفیت خالی واحدهای صنعتی، احیای واحدهای تعطیل شده یا راکد در شهرک های صنعتی، تثبیت و حتی کاهش قیمت انواع خودرو، تأمین به موقع مواد اولیه واحدهای صنعتی، افزایش بهره وری از معادن موجود در کشور و پشتیبانی از شرکت های فناورانه و دانش بنیان.

در همین زمینه «عبدالحسین روح الامینی» نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس به صبح صادق گفت: «تمرکززدایی و مبارزه با امضا های طلایی، باید اولویت اصلی رزم حسینی

در صندلی وزارت و وزارتخانه صمت باشد.» وی با بیان اینکه فرصت خدمت در وزارت صمت برای رزم حسینی بسیار کم است، اما او این فرصت را دارد که در همین مدت کمتر از یک سال، نام نیکی از خود به جای بگذارد و رضایت اقدشار مختلف مردم را به دست بیاورد، عنوان کرد: «در سال جهش تولید حداقل انتظار این است که وزارت صنعت، معدن و تجارت، با اقدامات انقلابی و جهادی خود، گام های بلندی را برای حل مشکلات کشور بردارد.»

حال باید منتظر ماند و دید که برنامه های وزیر جدید صمت برای سامان بخشیدن به وضعیت این حوزه، بر روی چه مداری حرکت می کند! آیا قرار است همچنان زور واردات کالا های غیر ضرور بر استفاده از توانمندی های داخلی بچرید یا اینکه قرار است با فرصت دادن به ظرفیت های موجود در کشور، خونی تازه در رگ های بخش صنعت، معدن و تجارت به جریان بیفتد.

تحریف امروز برای جبران شکست در دفاع مقدس است



علیرضا جلالیان
کارشناس دفاعی

از ماجرای روایت بی‌بی‌سی شروع کنیم، چقدرش درست است؟

موضوعی که بی‌بی‌سی به تازگی بعد از ۳۷ سال آمده و به آن پرداخته و با تصویر اینکه یک کار ششگانه است و نوارهای چند جلسه را باز نشر داده، ارزش چندانی ندارد. احتمالاً برخی از عوامل داخلی هم پشت این ماجرا برای خط دهی ساخت این مستند بودند. ماجرای اختلافات در دفاع مقدس نه فقط در تهران، بلکه در خیلی جاهای دیگر هم بوده است. من خودم شاهد کامل این ماجرا در تهران بودم. ممکن است در اصفهان و شیراز و جاهای دیگر هم برخی نمونه‌ها را در تاریخ دفاع مقدس پیدا کنید؛ اسناد همه این نمونه‌ها هم موجود است و اتفاقاً دقیق‌ترین اسناد از دفاع مقدس هم که سپاه جمع‌آوری کرده، به بهترین شکل در حال انتشار است.

اساساً اختلاف بر سر چه بود؟

ماجرای سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ در سپاه تهران از یادگان ابوذر در سرریل ذهاب شروع شد. آقا محسن (سرلشکر رضایی) بازدید از یادگان داشت و بچه‌های تهران در همان جا انتقاداتی به ایشان درباره عملکرد شخص ایشان و برخی فرماندهان داشتند. برخی هم تحت جو آن جلسه قرار گرفتند و سوالات و مسائل‌شان هم تند شد. بعد مسائل به تهران و سپاه تهران در محل فعلی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی کشیده شد.

شما آن زمان چه مسئولیتی داشتید؟

در کشاکش عملیات والفجر ۱ مجروح شده بودم و می‌خواستم بعد از درمان و بهبودی به منطقه برگردم که قرار شد بشوم جانشین عملیات و بعد مسئول عملیات که مجموعه بسیاری از واحدهای سپاه را باید مدیریت می‌کردم. از این رو در سپاه شاهد کل ماجرا بودم و عوامل را هم می‌شناختم. یک اعتراض بچه‌های تهران نسبت به پیگیری نکردن وضعیت حاج احمد متوسلیمان بود. حتی برخی مانند برادر کوچک محسنی نقل قولی از آقای ششمخانی داشتند که در مورد حاج احمد خیلی مناسب نبود. البته من خودم چیزی از آقای ششمخانی نشنیدم، ولی افرادی این را نقل می‌کردند. این بچه‌ها را بدین کرده بود. از طرفی بعد از چهار عملیات بزرگ و پیروزمندانه و عدم موفقیت در تعقیب متجاوز در عملیات‌های سال ۱۳۶۲ برخی بچه‌ها از این وضعیت ناراحت بودند. همینجا بگویم که احمد

متوسلیان از نگاه آقا محسن یک فرد خاص بود و ما می‌دانیم که آقا محسن نسبت به او بی‌تفاوت نبود. حاج احمد اینقدر برایش مهم بود که شخصاً به غرب رفت و بعد از صحبت با محمد پروجرئی، احمد متوسلیان، ابراهیم همت و محمود شهبازی را برای تشکیل تیپ بچه‌های تهران به جنوب آورد. لذا بحث‌هایی صورت می‌گرفت. من خودم در اوایل تشکیل سپاه یکی از همین بحث‌ها را دیدم که نیرهای ستاد مرکزی سپاه در محل فعلی وزارت اطلاعات با نیرهای سپاه تهران در یادگان ولی عصر به اختلاف خوردند؛ حتی کار به اینجا کشید که همدیگر را در یادگان‌های هم راه نمی‌دادند، دعوا هم بر سر بنی صدر بود. در جلسه‌ای که شهید آیت الله محلاتی و شهید کلاهدوز بودند، می‌خواستند این مسائل را حل کنند که جلسه با اشتباه یک نفر و شعار دادن او به هم ریخت. وضعیت در سپاه این‌گونه بود. برای نمونه، ما ۱۰ روز آموزش دیدیم و بعد به سرعت وارد عملیات شدیم. از مبارزه با ضد انقلاب تا مقابله با گروه‌های جدایی طلب در مناطق مختلف. کسی به عنوان شغل در سپاه حاضر نبود. متوسط عمر پاسداری خیلی از بچه‌ها شاید چهار پنج ماه بیشتر نبود. اختلافات بر سر کارهای بنی صدر و مخالفت با او عامل اختلاف در نیرهای سپاه می‌شد.

اختلافات مشکل ساز بود؟

این اختلافات سبب می‌شد کارها خیلی خوب پیش برود و جنگ اقتاعی مدیریت می‌شد. در عملیات والفجر ۸ یادم هست که برخی فرماندهان لشکرها مجاب نبودند در انجام کار که آقا محسن گفتند این لشکرها در موج دوم حمله وارد شوند که با قایق باید به خط بزنند و غواص نداشته باشند. شهدایی مثل حاج احمد کاظمی و حاج حسین خراسانی از این جمله بودند. حتی برادر عزیزمان سردار جعفری هم مخالف بود و قرار شد ایشان عملیات فریب را انجام دهد و در اصل عملیات حضور نداشته باشد. این اختلافات طبیعی بود و خوب هم مدیریت می‌شد و برای بهبود طراحی‌ها کمک می‌کرد. انگیزه همه الهی و برای انجام تکلیف بود. درست چیزی که امام را احل برای مان ترسیم کرده بود. این اختلاف در خود لشکرها هم بود. اختلاف حاج سعید قاسمی و حاج ابراهیم همت بر سر عملیات در ارتفاعات بمو در غرب را یادم هست. یک نظرانی هم از سوی آقا که رئیس جمهور بودند و آقای هاشمی که فرمانده جنگ بودند، وجود

داشت و وقتی خیر این اختلافات به این دو عزیز می‌رسید، هر کدام یک مدل رفتار خاص داشتند. آقای هاشمی از فرمانده سپاه بازخواست می‌کرد و حضرت آقا معتقد بود اینها حاشیه است و باید فرمانده سپاه به اصل وظیفه‌اش بپردازد.

برگردیم به اصل ماجرا، از معترضان بفرمایید.

برخی مثل اکبر گنجی را در سپاه تهران داشتیم که شیطان صفت بودند. او در بخش سیاسی سپاه تهران بود و ارتباطی هم با یادگان امام حسین داشت. با سازمان مجاهدین انقلاب و هم با بیت مرحوم منتظری هم ارتباط داشت. البته مانند او چندتای دیگر هم بودند. آقای محسن انصاری که جانشین سردار دهقان در سپاه تهران بود، بر این تعریف می‌کرد که اکبر گنجی وسط جنگ به جای اینکه بخواهد برود منطقه، دنبال مجوز ادامه تحصیل بود. یک روز هم جبهه نرفت. در نهایت مأمور شد به وزارت ارشاد دوران آقای خاتمی و بعد ریزن فرهنگی در ترکیه شد و مابقی ماجراها. اینها هم پشت ماجرا بودند. در آن جلسه که صوتش را منتشر کردند، بحث زیاد بود؛ ولی باید بدانیم که سه مدل معترض در سپاه تهران وجود داشت. یک عده مانند همین اکبر گنجی‌ها و نیرهای سازمان مجاهدین و افراد متصل به قم و دفتر آقای منتظری مخصوصاً مهدی هاشمی که از سپاه کنار گذاشته شده بود، یک مدل بچه‌های عملیاتی درگیر در دفاع مقدس و جبهه از مجموعه فرماندهان که دغدغه جنگ را داشتند و خیلی از اینها هم شهید و سعادتمند شدند، یک عده هم دوستانی بودند که به دلیل فشار جنگ و شهادت دوستان و مجروحیت خودشان و مسائل معیشتی مشکل داشتند و معترض بودند. آقا محسن دائم می‌آمد و با صبوری و صبر بالا چندین جلسه می‌نشست و حرف‌های این عزیزان را گوش می‌کرد. در آن جلسه که منتشر شده، عده‌ای شعارهای خیلی تندی دادند که از همان بخش اول یعنی اکبر گنجی‌ها بودند. دسته دیگر بچه‌های عملیاتی هستند مثل حسین بهمنی، کاظم رستگار، احمد غلامی، حسین الله کرم و... اینها بودند و اعتراض‌شان این بود که جنوب قفل شده و از غرب عملیات کنیم. آقا محسن هم ساعت‌ها با اینها جلسه گذاشت و توجیه کرد. اینکه توانایی و لجسنتیک چگونه است، تصمیم‌گیران اصلی چه کسانی هستند

و امکان عملیات در غرب هست یا نه یعنی یا باید روی تصرف بصره متمرکز می‌شدیم یا تصرف بغداد، که بصره ممکن بود؛ اما بغداد با امکانات و شرایط ما ممکن نبود. عدم موفقیت‌ها هم مورد اعتراض بچه‌ها بود و در آن شرایط عملیات از هور به صورت خیلی محرمانه از سوی شهید علی هاشمی داشت بررسی می‌شد. مهدی مبلغ فرمانده سپاه تهران بود. آقا محسن بارها آمد و جلسه گذاشت و حتی در پاگرد پله‌ها نشستند و چندین ساعت صحبت کرد. خیلی از این معترضان نیرهای تحت امر خود من در واحد عملیات بودند و لذا من کامل در جریان بودم. دودسته دیگر که عرض کردم هم وضعیت‌شان طور دیگر بود. آذر ماه سال ۱۳۶۲ قضایا بالا گرفت. شهید محلاتی خدمت امام(ره) رفتند و ایشان پیام دادند. من در یادگان ولی عصر بودم، آقا محسن که وارد یادگان شد برخی آمدند می‌گویند روی کاپوت ماشین و شعار می‌دادند و می‌گفتند «خمینی بت شکن بت جدید را بشکن»، آقا محسن با خونسردی آمد و پیام حضرت امام(ره) را رساند که مضمون آن این است که اگر رزمندهای در صحنه نبرد بیاید اسبش را وسط جنگ عوض کند من هم فرماندهام را عوض می‌کنم. آن دسته از معترضان که عملیاتی بودند تکلیف خود را دانستند و جنگ را ادامه دادند. شهید هم شدند. بعد کار به تغییر فرمانده سپاه منطقه ۱۰ کشید و سردار حسین دهقان، فرمانده سپاه تهران و محسن انصاری هم جانشین وی شدند. من و حاج علی فضل‌ی هم فرمانده لشکرهای تهران بودیم. دقیقاً خرداد سال ۱۳۶۳ ما با هم حکم فرماندهی لشکرها را گرفتیم. ورود حاج علی به لشکر ۱۰ باعث آن تحولات و افتخارآفرینی‌ها شد. بنده هم در این مدت لشکر ۲۷ را فرماندهی کردم. در این مدت هم به نظر بنده آقا محسن خیلی موفق عمل کرد. در خیلی از جلسات ما با فرماندهان دیگر اختلافات شدیدی داشتیم حتی سر هم دادیم؛ اما در وادی برادری مثل برادران واقعی بودیم، خیلی جاها خود آقا محسن دعوای طراحی و تصمیم‌گیری فرماندهان را ختم به خیر می‌کرد. به طور کل بعد از آن ماجرا وضعیت سپاه تهران تا پایان جنگ و بعد از آن عادی شد. حالا دشمن شکست خورده در دفاع مقدس می‌خواهد با ابزار تحریف و بازخوانی ناقص جنگ ما را در این جبهه شکست دهد که نمی‌تواند.

عکس و مکت



ریختت رو هم نمی‌خواه ببینم دیگه! / این تصویر رو یک شهروند آمریکایی منتشر کرده و نوشته است: «شبهوهایی که من منظره رو نگاه کردم!» او جوانی بر روی بخشی که تصویر ترامپ است، انداخته و او را کاملاً پوشانده تا تصویرش را نبیند! دور اول منظره‌های انتخاباتی آمریکا با آپروریزهای بسیاری همراه بود، منظره‌هایی که ادامه آن با ابتدای ترامپ به کرونا، در حال‌های از ابهام قرار دارد.



غرب وحشی! / این قفسه‌های فروشگاه‌های آمریکاست، اما قفسه‌های مواد غذایی نیست که به دلیل کرونا خالی شده باشد. اینها قفسه‌های فروش اسلحه و لوازم جانبی آن است که این روزها کاملاً خالی شده و تنها چند بسته تیر باقی مانده است. کارشناسان معتقدند با نزدیک شدن به انتخابات آمریکا، این کشور انبار باروت شده است و هر لحظه امکان جنگ داخلی وجود دارد.



برسان سلام ما را / شهادت، مردان خدا را جاودانه می‌کند. اگرچه ایرانی‌ها سعادت حضور در راهپیمایی اربعین امسال را نداشتند، اما حاج قاسم سلیمانی به نیابت از ما در همه جای مسیر بین مردم است و از کودک و بزرگ به او و دوست شهیدش ابومهدی اقبال ارادت می‌کنند. به امید روزی که ما به نیابت از حاج قاسم چند قدمی در راهپیمایی اربعین برداریم و حرم امام حسین(ع) را زیارت کنیم. ان‌شاء‌الله



مکه فیلمه؟ / مثل اینکه واقعا فیلمه! این هموطنان برای تماشای درگیری‌های بین آذربایجان و ارمنستان به مرز ایلاندوز آمده‌اند تا رد و بدل شدن موشک‌ها و آتش بین دو کشور را مشاهده کنند! تو دعوا جلو خیرات نمی‌کنی؛ در این مدت چند راکت به اشتباه داخل مرزهای ایران افتاده و وزارت امور خارجه به طرفین درگیری هشدار داده است که مراقب رفتارهای خود باشند.

روزنه

زیارت اربعین و چرایی شهادت امام حسین(ع)

حجت‌الاسلام علی معبودی



مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه قزوین

شیخ‌عباس قمی(ره) در مفاتیح روایتی از امام حسین(ع) نقل می‌کنند مبنی بر اینکه شیعه پنج علامت دارد. از جمله زیارت امام حسین(ع) در روز اربعین؛ زیارتی که صفوان جمال از امام صادق(ع) روایت می‌کنند و زیارت اربعین که فرزان‌هایی دارد که علاوه بر معرفی امام حسین(ع) وارث تمام انبیاء نجات مردم از جهل و سرگردانی دلایل شهادت حضرت به دست مردم را بیان می‌کنند و می‌توان آنها را در چند بخش خلاصه کرد.

فریب‌خوردگان دنیا؛ فریب‌خوردگان دنیا چنان چشم و گوش‌شان کور و کر شده بود که ندای امام خود را درک نمی‌کردند و به همین دلیل امام(ع) در سخنرانی روز عاشورا آنها را از دنیا برحذر می‌داشت و می‌فرمود اگر دنیا ماندگار بود، پیامبران در اولویت بودند و حتی بعضی را به اسم صدا کردند یا به شخصه دعوت کردند؛ ولی مردمان گرفتار در ویرانه دنیا حاضر نشدند بندگی و بردگی دنیا را رها کنند و بالعکس ریختن خون امام را مباح دانستند.

قومی که امام حسین(ع) و یارانش را به شهادت رساند؛ کسانی که امام حسین(ع) و یارانش را به شهادت رسانده و اهل بیت(علیهم‌السلام) او را به اسارت بردند، معامله زشت کردند. آنها برای زندگی دلیله چند روز دنیا انسانیت و شرافت خود را به حراج گذاشتند و برای دست‌یابی به غنایم خیمه‌های حجت‌الهی را آتش زدند و حتی لباس تن آن حضرت را به غارت بردند.

هوایپرستی؛ خداوند در آیه ۷۰ سوره مانده می‌فرماید: «ما از بنی اسرائیل بر اطاعت از خداوند و پیروی از موسی پیمان گرفتیم و پیامبران به سوی ایشان فرستادیم.» هرگاه پیامبری احکام و قوانینی برای آنان می‌آورد که مطابق هوای نفس‌شان نبود برخی از پیامبران را تکذیب می‌کردند و برخی را می‌کشتند. همان هوایپرستی که مایه هلاکت بسیاری از ملت‌ها شده، دامن کوفیان و شامیان را گرفت و آن جنایت بی‌نظیر رقم خورد و خود را مشمول غضب الهی و نفرین عالمیان کردند.

تبعیت از گمراهان و منافقان؛ در جامعه نبوی با انحرافی که پس از ارتحال رسول اکرم(ص) رخ داد و جماعت منافق و گمراهان بر مسند نشستند و کاری کردند آنها را که آب وضوی پیامبر(ص) را تبرک می‌بردند حاضر شدند فرزند عزیزش و امام بحق را با آن وضعیت زیر پرچم منافقان به شهادت برسانند؛ منافقانی که در طول تاریخ اسلام ضربه‌های سنگینی بر جامعه دینی وارد کردند، توانستند مردمان عاشق پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) را زیر پرچم شخصی مانند یزید جمع کنند، در مقابل امام شمشیر بکشند. در حقیقت زیارت اربعین معیاری را ذکر می‌کنند که اگر جامعه دچار چنین بلایای چهارگانه شدند، محصول‌شان شبیه عصر امام حسین(ع) خواهد شد و تلاش بی‌وقفه دشمنان انقلاب تحقق علل چهارگانه در میان ملت ایران هستند که البته ملت رشید و با بصیرت ایران بسا عبرت‌گیری از نهضت ابعبدالله(ع) تا به امروز اهداف آنها را ناکام گذاشتند و البته در آینده هم بسا هدایت رهبر حکیم و باتدبیرمان آرزوی تکرار کربلایی دیگر را با خود به جهنم خواهند برد. ان‌شاء‌الله

انعکاس

مروری تحلیلی بر کتاب جان بولتون-۱۳

گودنای ناگام در ونزولا

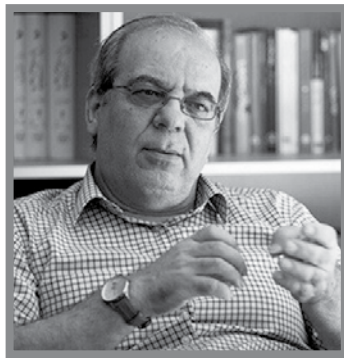
ثمانه اکوان

کارشناس بین‌الملل



بولتون در کتاب خاطرات خود به وضوح اشاره می‌کند که دولت آمریکا چه اهدافی در ایجاد کودتا در ونزولا داشته است و چگونه تلاش‌های بی‌وقفه دولت ترامپ برای ساقط کردن نظام موجود در این کشور به شکست انجامید. مشاور امنیت ملی سابق ترامپ در فصل نهم کتاب خود به ماجرای اعتراضات خیابانی بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در ونزولا در سال ۲۰۱۸ اشاره کرده و بیان می‌کند، ترامپ از همان ابتدا خواستار پایان دادن به ریاست‌جمهوری مادورو در ونزولا بود و بارها از مشاوران امنیت ملی و دفاعی اش خواسته بود کار «رژیم مادورو» در ونزولا را یکسره کنند. بولتون در این زمینه می‌نویسد: «ترامپ با تأکید به من گفت: «انجامش بده» و معنایش این بود که از سر رژیم مادورو خلاص شو. ترامپ اصرار داشت که گزینه نظامی در برابر ونزولا را می‌خواهد و ادامه دارد به این دلیل که «این واقعاً بخشی از ایالات متحده است.» اما بولتون شخصاً اعتقاد داشت که استفاده از نیروی نظامی نمی‌تواند موجب ساقط کردن نظام در ونزولا شود و بیشتر، طرفدار روش تحریم‌های فزاینده بین‌المللی علیه این کشور بود. «اما شروع به تدوین گام‌هایی کردیم که سریع علیه رژیم مادورو و همچنین کوبا، حامیان آنها و کنترل‌کنندگان احتمالی‌شان مانند نیکاراگوئه انجام دهیم. چرا نباید دنبال هر سه کشور با هم می‌رفتیم؟ انتخاب طبیعی، تحریم نفتی بود اما چرا نباید ونزولا را «دولت حامی تروریسم» اعلام می‌کردیم؟ ایسن اولین چیزی بود که روز اول اکتبر سال ۲۰۱۸ پیشنهاد دادم و چرا نباید کوبا را که در زمان اواما از این لیست بیرون آمده بود، دوباره به آن بازمی‌گردانیم؟ درآمدهای مرتبط با صادرات محصولات نفتی ونزولا تحت حاکمیت جاوز و حالا، مادورو، به طرز چشمگیری کاهش یافته بود و تولیدات‌شان نیز از حدود ۳/۳ میلیون بشکه در روز به ۱/۱ میلیون بشکه در روز رسیده بود. این کاهش چشمگیر، میزان تولیدات ونزولا را به حدی کاهش داد که از دهه ۱۹۴۰ تاکنون دیده نشده است و به طور قابل ملاحظه‌ای این کشور را فقیر کرد.» اما علت شکست سیاست‌های بولتون در قبال ونزولا چه بود؟ فوراً مشخص شد که همه به دنبال انجام اقدامات قاطع هستند، به غیر از استیو منوچین و وزارت خزانه‌داری. او می‌خواست یا کاری انجام نشود یا خیلی کم باشد و استدلال می‌کرد که اگر ما این کار را انجام دهیم، بسا خطر ملی کردن بخش‌هایی از سرمایه‌گذاری‌های ایالات متحده در بخش نفت ونزولا شده و قیمت‌های جهانی نفت را بالا می‌برد. منوچین در اصل از ما تضمین می‌خواست که اقدامات موفق می‌شود و در صورتی که تحریم‌ها را اعمال کنیم، مادورو برکنار می‌شود. البته که این تضمین غیر ممکن بود. اگر فقط یک خاطره از منوچین در دولت داشته باشم که البته بسیاری از این خاطرات به صورت نوشته موجود است و البته با توجه به مخالفت‌های او با اقدامات قاطعانه و سخت به خصوص در مقابل چین- این خاطره، تنها چیزی است که به یادم می‌ماند. چرا تحریم‌های ما در اکثر مواقع به اندازه‌ای که باید گسترده و مؤثر نبوده‌اند.

کار کنید فرافکنی نکنید!



فرافکنی مشکلات، حق ندارد فرار از مسئولیت آنها خالی کردن و پشت دولت در این شرایط حساس را بفهمد؟ رفیق دیگر آنها نیز با اتهام به دولت سابق و فعلی به دروغ‌گویی، این دروغ را ناشی از «دروغ بالادستی» دانست. آقای حجازیان منظور روشن‌تر از روز شما از «دروغ بالادستی» کیست و چیست؟ آیا راهی که امروز شما و دولت مورد حمایت شما به انتهای بی‌نتیجه آن رسیده‌اید، از سوی همان بالادست روشن‌بین نهی نشده بود؟! چرا گوش نکردید؟ چرا دیروز حل مشکلات از طریق سازش با غرب را در بوق و کرنا کردید و رأی گرفتید، ولی امروز جسارت قبول اشتباه محاسباتی خود را ندارید؟ این است فرهنگ سیاست‌ورزی شما؟

تتیجه

روند رو به تصاعد و افزایش فشارهای اقتصادی و معیشتی به مردم عزیز ایران، امروز گزاره‌ای انکارناپذیر در کشور است؛ اما نحوه تحلیل آن و بررسی علت‌شناسی مسائل اخیر کشور در این حوزه اگر همراه با تأمل و دقت نظر نباشد و صرفاً با قصد و منظور مقصرتراشی باشد که به تبع آن، اختلافات جناحی سر برآورد و این روند دومی‌نوی در کشور کشدار شده روی اعصاب مردم خسته از مشکلات رژه رود، زود باشد به معضل ثانویه‌ای منتهی شود که تبعات و آثار سوء آن به مراتب بیشتر و عمیق‌تر از مشکلات خواهد بود. آن خطر در همین چیزی جز سایش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی نیست! به عبارت دیگر، پینگ‌پنگ‌نقدها و طعنه‌های عاری از ذره‌ای عمل و حل میدانی مشکلات بین دولت و جریان‌های سیاسی همسو و منتقد، نه تنها گرهی از مشکلات نخواهد گشود که بر گره‌ها خواهد افزود و آنچه در این میان با سایش و کاهش مواجه خواهد شد، اعتماد مردم به دولت و وهله اول و نظام اسلامی در مرحله غایبی است. امروز چاره‌ای نداریم جز ایستادگی و کار برای حل مشکلات مردم و ما می‌توانیم اگر دست روی زانوی خود بگذاریم و متحد و منسجم ذیل ولایت و رهبری حکیم انقلاب کار کنیم و به دولت با تمام نقدهایی که وارد است کمک کنیم، از این مرحله خطیر هم به فضل الهی عبور خواهیم کرد. ان‌شاءالله

دولت و قوای دیگر برای برون‌رفت از مشکلات، با ارائه تصویری مشوش و برهم‌ریخته، سمت و سوی پیکان مشکلات را به سمت حاکمیت و نظام دینی شیفت می‌دهند تا به زعم خود هم دامن خویش را از مشکلات مظهر کنند و هم حساب سیاسی و انتقام از موفقیات رویکرد و الگوی حکومت دینی بر مدل سکولار پیشنهادی خود را با نگاه انقلابی تسویه کنند! البته نتیجه کار آنها امروز مشخص است؛ آنها در این راه، دانسته و نادانسته آب به آسیاب دشمن می‌ریزند!!

این خط سیاسی تحریف‌آمیز در تحلیل وضعیت کشور را می‌توان در نامه سرگشاده جدید آقای موسوی‌خویني‌ها، مصاحبه حجازیان با سایت انصاف‌نیوز (با عنوان حق بی‌اعتمادی مردم، ۲ مهر ۱۳۹۹) و یادداشت عباس عسدی در روزنامه اعتماد (به صورت تیتیر یک با عنوان «پیشنهاد کناره‌گیری رئیس‌جمهوری»، ۶ مهر ۱۳۹۹) مشاهده کرد. هر سه اینها به گونه‌ای مطالب‌شان را با عناوین مختلف پردازش کرده‌اند که مدیریت و هماهنگی رسانه‌ای و بازگشت عنوان «روزنامه‌های زنجیره‌ای» دهه ۷۰ را تداعی می‌کنند. مضاف بر یک‌دستی شکلی، اینها در یک نقطه به تلاقی مشترک می‌رسند و آن، احاله مشکلات و آدرس غلط دادن به سمت رهبری و نظام اسلامی است. البته در کلام سران اصلی دولت و به ویژه مردم شریف ایران چیزی نمی‌توان در این باره دید.

اتفاقاً روی سخن تفکر انقلابی با همین جریانی است که همواره با استانداردهای دوگانه رفتار کرده است. آقای موسوی‌خویني‌ها که معتقد است کسانی که مانع اصلاحات شدند و نگذاشتند مشکلات حل شود، باید در دادگاه و جلدان مردم و تاریخ به این پرسش جواب دهد که مگر اصلاحات ادعایی شما چیزی جز وابستگی کامل و حاکم کردن تفکر غربی بر این کشور بود که مردم آن در ۱۳۵۷ بیرون کرده بودند؟ یا باید از کسی که پیشنهاد کناره‌گیری رئیس‌جمهوری را در این شرایط می‌دهد تا در انتهای یادداشت خود در پاسخ گویی ضمنی به جرایبی این پیشنهاد بی‌وجه این گزاره را محکم کند که «چون نمی‌گذارند رئیس‌جمهور کار کند!!» آیا اینها از این دلیل تراشی خنما خسته نشده‌اند و ملت آگاه از لایه درونی این

ناجانمردانه‌تر از امروز تحت تحریم غرب و شرق بود، با همین نگاه گره زدن حل مشکلات به زلف تحولات خارجی و مذاکره با آمریکا می‌خواستیم از نهال نارس انقلاب صیانت کنیم، چه می‌شد؟! اما امام و مردم ایران راه ایستادگی و مقاومت را برگزیدند و فتح‌الفتح‌ها در عرصه‌های مختلف از انسان‌سازی تا مهندسی‌سازی، از ایثار و ترجیح برادر مؤمن بر خود در برخورداری از ارزاق و کالاها در جامعه جنگ‌زده دیروز تا جان بر کفی در جبهه‌ها و صدها ارزش دیگر آفریدند و از این منظر جنگ ما به تعبیر رهبر عزیزمان، گنجی تمام‌نشدنی است.

بازتاب و بازیگران خط تحریف

مردم اصل آدرس دهی رئیس‌جمهور به دشمنی آمریکا را قبول دارند؛ اما به دلیل استشمام بوی مسئولیت‌گریزی از آن نگرانند. مسئولان محترم دولت تا لحظه آخر موظفند همانند سال‌های آغازین کار دولت با شور و شوق و میدان دادن به استعداد‌های درونی کار کنند و پای کرده و ناکرده خود بایستند. مردم ایران ریشه مشکلات را می‌فهمند و فراتر از اثرگذاری ۳۰ تا ۴۰ درصدی مرتبط با تحریم و شرایط رکود کرونایی، با تمام وجود تعطیلی و توقف نظارت‌ها و کاهش اقتدار دولت‌سازمان‌های مسئول در برخورد با مشکلات و مسببان آنها را حس می‌کنند و به آن معترض هستند. البته بدتر از آن، از تحلیل و تفسیرهای افراد و جریان‌هایی که به دنبال صید ماهی مقصود سیاسی خود از آب‌گل آلود هستند و اتفاقاً آنها آدرس غلط در راستای اهداف و انگیزه‌های جناحی و سیاسی خود می‌دهند، عصبانی و ناراحتند. این افراد و جریان‌ها که دیروز سینه چاک دولت بودند و صدای حمایت‌شان گوش فلک را کر کرده بود، امروز نه تنها به دولت متبوع یا اجاره‌ای خود کمک نمی‌کنند، بلکه حساب خود را از دولت جدا کرده‌اند تا کلاه‌هی از این نم‌برای انتخابات ۱۴۰۰ برای جریان و هم‌کیشان خود بدوزند. حتی در گامی فراتر از نقد و نامطلوب خواندن عملکرد دولت، به نقد عاری از سنجه انصاف نظام و رهبری نظام اسلامی روی آورده‌اند. این صدهای نامبارک در شرایط جنگ تمام عیار اقتصادی دشمنی غدار به جای ایستادن در صف خودی و مساعدت به

فتح‌الله پریشان

کارشناسی سیاسی



دکتر روحانی رئیس‌جمهور کشورمان روز شنبه (۱۳۹۹/۷/۵) در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا گفت: «یک عده‌ای به خاطر منافع غلط گروهی و بانندی به مردم آدرس غلط ندهند. آدرس صحیح تمام جنایات و فشار بر مردم عزیز ایران و شکنجتن دی سی کاخ سفید است و آنهایی که داخل این ساختمان هستند، این همه جنایات علیه ملت ایران روا داشته‌اند.»

این سخن غلط نیست اما...

این سخن، سخن غلطی نیست؛ اما در زمانه و زمینه و از سوی کسی گفته می‌شود که تا دیروز تنها راه حل مشکلات ایران را تعامل با غرب و دیدن کدخدای دهکده جهانی می‌دانست و امروز خود و دولتش به گونه‌ای عمل می‌کنند یا به تعبیر بهتر با گونه‌ای از بی‌عملی در مواجهه با مشکلات عدیده مردم در حوزه اقتصاد و مسائل معیشتی رویه‌رو هستند که گویی اساساً مسئولیتی متوجه آنها نیست! بله این سخن غلط نیست و هیچ‌گاه در طول چهار دهه از انقلاب غلط نبوده است؛ چرا که ملت ایران با تمام تار و پود جانش دشمنی و نامردی آمریکا و اندیشه را حس کرده و به این بیان امامراحل که «تمام بدبختی‌های ما زیر سر آمریکاست» اعتقاد داشته و دارد. البته علاج کار را نیز منطبق بر کلام امام و رهبری عزیز «روی پای خود ایستادن و مردانه به مصاف دشمن غدار رفتن» می‌دانست و می‌داند؛ از این رو ملت ایران هیچ‌گاه متوقف نشد و به راه‌ها و ظرفیت‌های بومی و ملی در تقویت مؤلفه‌های قدرت ملی اندیشید و پیش‌رفت تا این پیش‌بین‌ندگی در حوزه ساخت صنایع دفاعی خود به مسئله و مستمسک تازه دشمنان علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد.

اما چرا این بازخوانی واقعیت دشمنی آمریکا از سوی دولتمردان با نقد مواجه می‌شود؟ تصور کنید در ایام دفاع مقدس که جمهوری اسلامی نوپا به دلیل ایدئولوژی اسلامی و انقلابی‌اش شدیدتر و

همکاری مشترک

به نقل از «اولیل پرایس»، با بسته شدن قرارداد ۲۵ ساله با چین، ایران برای تمام نفت خود یک مشتری دائم خواهد داشت. بنابراین تهران به سرعت در حال توسعه میادین نفتی خود است.

این توسعه نه تنها شامل میادین اصلی در غرب کارون می‌شود؛ بلکه میادین نفتی چالش‌برانگیزتر مانند میادین مشترک با عراق را هم در برمی‌گیرد.

چین متعهد شده است، طی دو سال آینده تولید در میادین نفتی غرب کارون را حداقل ۵۰۰ هزار بشکه در روز افزایش دهد.



زبان زور می‌فهمند

کاردار سفارت فلسطین در تهران درباره عادی‌سازی روابط برخی از دولت‌های مرتجع منطقه برخی کشورهای منطقه با رژیم غاصب صهیونیستی گفت: «عادی‌سازی کنونی زاید و وضعیت کنونی جهان است.»

تا ما فلسطینی‌ها با هم متحد نباشیم، تا اعراب‌ها هم متحد نباشند نمی‌توانیم فلسطین را آزاد کنیم. ما نمی‌خواهیم کسی فلسطین را برای ما آزاد کند. ما خود نوک پیکان و سر نیزه مبارزه با صهیونیست‌ها خواهیم بود؛ ما خواستار اتحاد جهان اسلام و جهان عرب هستیم تا بتوانیم فلسطین را آزاد کنیم.»



بازگشت در کار نیست

«واسیلی نینزیا» نماینده دائم روسیه در سازمان ملل درباره دستور کار روسیه در دوره ریاست دوره‌ای خود در شورای امنیت، تأکید کرد: «آنچه به طور قطع اتفاق نخواهد افتاد، بررسی موضوع به اصطلاح «مکانیسم ماشه» یا همان روش بازگشت تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران است.»

نمایندگان دائمی کشورهای عضو شورای امنیت و همچنین ریاست قبلی شورا، به صراحت غیرقانونی بودن هرگونه تماس آمریکایی‌ها در این زمینه را اعلام کرده و با درخواست مقامات واشنگتن در این زمینه مخالفت کرده‌اند و مسلماً این مسئله در شورای امنیت مطرح نخواهد شد.»



نبرد منجمد

در قره‌باغ چه می‌گذرد؟



برسام محمدی

کارشناس روابط بین‌الملل



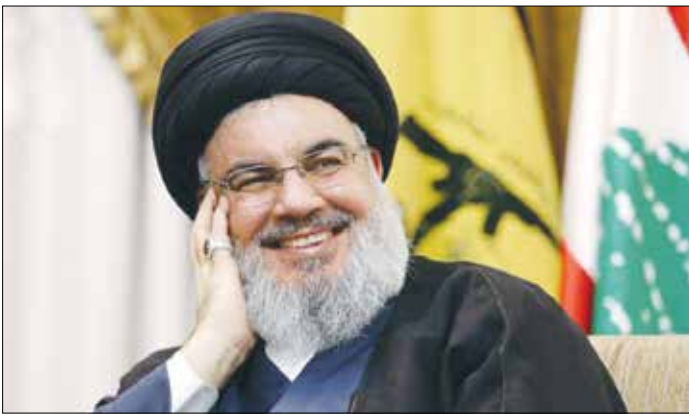
«قره‌باغ» که از اولین و طولانی‌ترین جنگ‌های قومی در اتحاد جماهیر شوروی به شمار می‌آید، همچنان یکی از کانون‌های مهم مناقشه در منطقه قفقاز است که لاینحل باقی مانده است. در روزهای گذشته یک بار دیگر شعله‌های نزاع و درگیری و آتش قره‌باغ، سومین تبادل آتش در این منطقه بعد از جنگ طولانی مدت سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۳ شمسی (۱۹۸۸ تا ۱۹۹۴ میلادی) است. پیش از این، قره‌باغ دو بار یعنی در ۱ فروردین ۱۳۹۵ (به مدت چهار روز) و در ۲۲ تیر ۱۳۹۹ (به مدت چهار روز) شاهد درگیری شدید بین نیروهای ارمنی و آذربایجانی بعد از آتش‌بس بیشکک بوده است.

تحلیل درگیری‌های اخیر قره‌باغ و درک ابعاد و زوایای گوناگون آن با توجه به اینکه مناقشه در این نقطه مهم ریشه‌های «تاریخی» و «روندی» خاص داشته و مسیر مشخصی را پیموده است، ساده بوده و تنها مستلزم شناخت ابعاد تاریخی و سیاسی و طرف‌های درگیر در آن است؛ چرا که مناقشه قره‌باغ، موضوعی نیست که یک شبه ایجاد شده باشد تا بتوان آن را با توجه به مسائل امروزی تحلیل کرد؛ بلکه قره‌باغ طی دهه‌های گذشته به مثابه «استخوانی لای زخم» در منطقه قفقاز جنوبی با پیشینه تاریخی یک بحران قومیتی-سرزمینی بوده که ریشه آن به دهه‌ها و قرن‌های گذشته می‌رسد. قره‌باغ آتش زیر خاکستر است که همواره مستعد درگیری و زد و بند است.

در کنار علل متعدد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی که سبب بروز درگیری‌های مقطعی پیرامون قره‌باغ بین باکو و ایروان می‌شود، یک علت مهم وجود دارد و آن، «وضعیت» ناپایدار و شکننده‌ای است که تحت عنوان «توافق نامه آتش‌بس» بیشکک در سال ۱۳۷۳ به جنگ چندساله قره‌باغ پایان داده است. این توافق‌نامه که فاقد عناصر حقوقی و سیاسی متضمن فیصله دادن به اختلافات مرزی و ارضی و جنگ و درگیری است، بیش از ۲۶ سال است که قره‌باغ را در وضعیت «نه صلح، نه جنگ»-که در ادبیات روابط بین‌الملل «نبرد منجمد» هم نام دارد-نگه داشته است. به این معنا که درگیری مسلحانه فعال بین آذربایجان و ارمنستان که به مدت شش سال جریان داشت، در سال ۱۳۷۳ شمسی (۱۹۹۴ میلادی) بدون اینکه «پیمان صلح» بر آن مترتب باشد، تنها با «قرارداد آتش‌بس» که هیچ تضمینی بر پابندی نسبت به آن وجود ندارد، پایان یافته است. ضمن اینکه نبردهایی هم که با قرارداد آتش‌بس پایان یابند، بر اساس تجارب متعددی که در روابط بین‌الملل وجود دارد، در بیشتر موارد از استعداد بالایی برای شعله‌ور شدن زبانه‌های جنگ و خشونت برخوردار بوده‌اند؛ البته در کنار این عامل بنیادین، عوامل و محرک‌های متعدد دیگری نیز وجود دارد که به ویژه در تابستان سال جاری و در روزهای گذشته سبب تبادل آتش بعضاً سنگین در قره‌باغ شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: ۱- تحولات سیاسی اعتراضی فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۵ در ارمنستان به ویژه به قدرت رسیدن «نیکول پاشینیان» و کنار رفتن طیف قره‌باغی‌ها پس از ۲۰ سال از صحنه سیاسی ارمنستان؛ ۲- اختلافات دولت ارمنستان و منطقه قره‌باغ به واسطه بازداشت و محاکمه چهره‌های شاخص طیف قره‌باغی، از جمله «روبرت کوچاریان» و «سرژ سارگسیان» رؤسای سابق ارمنستان و ژنرال «مانوئل گریگوریان» از فرماندهان جنگ قره‌باغ در جریان کمپین مبارزه با فساد از سوی دولت پاشینیان؛ ۳- انباشت خریدهای تسلیحاتی دو کشور در سال‌های اخیر؛ ۴- منافع برخی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه از جمله رژیم صهیونیستی و آمریکا که از طریق بی‌ثباتی و ناامن‌سازی منطقه قفقاز تأمین می‌شود. باید توجه داشت منافع آمریکا و برخی کشورهای غربی و حتی گروه مینسک در زنده نگه داشتن شعله‌های آتش در قره‌باغ است.

پاتک به نتانیاهاو

دعوت ویژه سید حسن نصرالله از رسانه‌ها



محمدحسن سجادی

کارشناس مطالعات منطقه‌ای

همچون سال‌های گذشته، امسال نیز سخنرانی «نتانیاهاو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در سازمان ملل متحد که به صورت ویدئویی انجام شد، مملو از نفرت‌پرانی، گزافه‌گویی، دروغ‌پردازی و فرافکنی بود. در سال‌های اخیر و متعاقب گسترش قدرت و حضور کمی و کیفی جبهه مقاومت اسلامی در اطراف مرزهای سرزمین‌های اشغالی، کمتر پیش آمده است که نتانیاهاو در سازمان ملل سخنرانی داشته باشد و بسا ادا و اطوارهایی که در می‌آورد و نقاشی‌ها و تصاویری که نشان می‌دهد، مطالبی علیه ایران، حزب‌الله لبنان و سایر گروه‌های مقاومت اسلامی بر زبان نراند. تقریباً همه جهان هم به این مترسک‌بازی‌های نتانیاهاو عادت کرده و بیشتر اعضای سازمان ملل متحد هم آن را چندان جدی نمی‌گیرند. امسال نیز به سبب سال‌های گذشته، این سگ‌ها صهیونیستی در سخنرانی خود که به دلیل شیوع ویروس کرونا به صورت ویدئویی انجام شد، ضمن اتهام‌زنی به ایران، تصاویر و نقشه‌هایی از لبنان از جمله محل انفجار بندر بیروت را به نمایش گذاشت. نتانیاهاو در حالی که رژیم صهیونیستی یکی از متهمان درجه یک انفجار بیروت است، با نشان دادن تصویری از یک منطقه در ضاحیه جنوبی بیروت موسوم به «الجناح-الوزاعی» گفت، ممکن است انفجار دیگری در این منطقه که در کنار فرودگاه بین‌المللی است و حزب‌الله در آنجا انباری سری از سلاح و موشک در اختیار دارد، رخ دهد. وی با این ادعا که «انبار تسلیحاتی حزب‌الله در کنار یک شرکت توزیع گاز است و خانه‌های مسکونی در اطراف آن قرار دارند» از مردم بیروت خواست تا علیه حزب‌الله تظاهرات کنند. نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با بیان اینکه «اگر این منطقه منفجر شود، تراژدی دیگری رخ خواهد داد» خطاب به مردم لبنان گفت، اکنون زمان عمل و وقت اعتراض علیه حزب‌الله است. نتانیاهاو دستش تا مرقع به خون ملت‌های مسلمان و ملت مظلوم فلسطین

جهان

شماره ۱۹۷۰ | دوشنبه ۱۴ مهر ۱۳۹۹

صداقت

یادداشت

نقشه‌ای برای سازش!

محمد رضا فرهادی

کارشناس مسائل منطقه



مقامات آمریکایی اعلام کرده‌اند در آینده نزدیک سفارت این کشور را در بغداد تعطیل خواهند کرد. چند مسدت پیش نیز «برهم صالح» رئیس‌جمهور عراق اعلام کرد پیامی از آمریکایی‌ها دریافت کرده‌اند که قصد دارند سفارت آمریکا را در بغداد تعطیل کنند؛ چندی پیش نیز آمریکایی‌ها اعلام کرده بودند تعداد نیروهای خود در عراق را کاهش خواهند داد؛ در این باره چند فرضیه را به ذهن متبادر می‌کنند:

۱- این اقدام آمریکا حالت بازدارندگی دارد. یک فرضیه این مسئله را مطرح کرده است که واشنگتن قصد دارد با تعطیلی سفارت خود حمله متقابلی را به گروه‌های مقاومت صورت دهد. با حمله متقابل مطمئناً گروه‌های مقاومت نیز پاسخ خواهند داد؛ به همین دلیل واشنگتن برای کاهش هزینه‌های خود تصمیم به تعطیلی سفارت گرفته است. در ابعاد زمانی نیز بسیاری معتقدند، ترامپ قبل از انتخابات ریاست جمهوری به این اقدام دست خواهد زد؛ زیرا ترامپ برای نشان دادن خود به عنوان حافظ جان سربازان آمریکایی به چنین دستاوردی تا برگزاری انتخابات احتیاج دارد.

۲- آمریکا قصد دارد با این اقدام خود فشارهای داخلی را بر گروه‌های مقاومت مضاعف کند. این سناریو این گونه طراحی شده که هر اتفاقی در داخل عراق به این گروه‌ها نسبت داده شود و سپس یک فشار داخلی نسبت به آنها ایجاد شود تا ضربه‌پذیری آنها از بیرون تسهیل شود. برخی اقدامات داخلی همچون تعطیل کردن دفاتر وابسته به حشد‌الشعبی در فرودگاه بغداد و دور کردن حشد‌الشعبی از فرودگاه، در چارچوب تسنگ کردن میدان حضور آنها در پایگاه‌های مهم عراق است. در نتیجه بر اساس این سناریو ابتدا باید یک جوتضادگونه‌ای علیه این گروه‌ها ایجاد شود و سپس در یک سناریوی بیرونی به آنها ضربه وارد شود.

۳- آمریکا با این اقدام قصد دارد حضور و نفوذ خود را گسترش دهد. آمریکایی‌ها از یک سو قصد دارند سفارت خود را به اربیل منتقل کنند و از سوی دیگر قصد تعطیلی کامل سفارت خود را ندارند. این امر یک دوگانگی کامل در رفتار آمریکایی‌ها با دولت عراق است. از یک طرف این پیام را به دولت عراق می‌دهند که قصد ادامه همکاری با بغداد را نخواهند داشت و از سوی دیگر تحکیم روابط خود را با کردها نشان می‌دهند. در واقع آمریکایی‌ها به دنبال القای این پیام هستند که این سناریو در حالت اجرا در هر صورت برای دولت عراق دوسر‌بخت خواهد بود.

۴- آمریکا سعی دارد با این اقدام، فشار خود را بر دولت عراق در جهت ایجاد سازش با رژیم صهیونیستی قرار دهد. به تازگی فشارهایی از سوی آمریکا به عراق وارد شده که باید روابط خود را با رژیم صهیونیستی عادی کند.

در مجموع منطقه طی ماه‌های آینده دست‌خوش تحولات مهمی خواهد بود و این تحولات و اقدامات نشان‌دهنده چالش‌های امنیتی و نظامی برای منطقه است که قبل از وقوع هر اتفاقی باید واکنش متناسب با آن صورت گیرد.

تحقیر آمریکا

باج‌خواهی جدید!

رأی الیوم: بگذارید سفارت آمریکا بسته شود، هیچ جای تأسفی ندارد. این سفارتخانه کانون توطئه و لانه جاسوس‌ها بوده و یادآور شهادت میلیون‌ها عراقی است. ما به حفظ امنیت این سفارتخانه احترام می‌گذاریم اما به شرط پابندی آن به کنوانسیون وین، اما آیا سفارت آمریکا به این کنوانسیون پایبند بوده است؟ بعید نیست که تهدید به بستن آن صرفاً یک تلاش جدید برای

باج‌خواهی از دولت عراق و یک طرح برای ایجاد فتنه فرقه‌ای جدید میان سنی‌ها و شیعیان عرب و این‌دو با کردها در کردستان عراق باشد.



استمرار سیاست کویت

عربی ۲۱: پس از درگذشت «صبح الاحمد الجابر الصباح»، امیر سابق کویت این سؤال مطرح است که آیا سیاست خارجی این کشور تغییر خواهد کرد؟ باید گفت سیاست خارجی کویت در طول دهه‌ها ثابت بوده و در گذشته میانه و متعادل بوده و به همین شکل باقی خواهد ماند. دلیل استمرار این سیاست اتکالی آن بر ستون‌های ثابتی است که در طول دهه‌های گذشته در برابر فشارهای بسیاری مقاومت کرده‌اند و مهم‌ترین آنها حمایت از قومیت عربی بدون هیچ تعصبی، تلاش برای انسان‌سازی، طرح مسائل توسعه‌ای و دوری از مسائل مورد اختلاف است. سیاست خارجی کشور کویت متعادل بوده و بر اساس مبارزه با بحران‌ها و یافتن نقاط مشترک است؛ به همین دلیل این سیاست به مثابه دیپلماسی میانجی شناخته می‌شود و این رویکرد بیان‌کننده رویکرد کل کشور کویت است.

روای مضحک

نیویورک تایمز: شکی نیست که بحرین در عادی‌سازی روابط با اسرائیل پس از امارات متحده عربی، ابتدا موافقت سعودی‌ها را جلب کرده است. ترامپ پیشتر گفته انتظار دارد عربستان هم در عادی‌سازی روابط مسیر دو پادشاهی کوچک سنی در حاشیه خلیج فارس را در پیش بگیرد. همه کارهای محمدبن‌سلیمان به اختلال ختم می‌شود و عادی‌سازی روابط عربستان با اسرائیل نهایت اختلال در خاورمیانه است. شاید محمدبن‌سلیمان در تلاش است تا پدرش، ملک سلمان را متقاعد کند که ماه آینده این کار را تحت برنامہ «طلوع خاورمیانه جدید» ترامپ انجام دهد: «زود باش پدر! زمانه عوض شده! ترامپ، مرد مورد نظر ماست، می‌خواهید ۴ سال دموکرات‌ها خاشقچی و جنگ یمن را به خورد ما دهند؟» ملک سلمان امارات و بحرین نگران افکار عمومی نیستند؛ اما عربستان به عنوان حافظ مقدس‌ترین اماکن اسلامی مجبور است به دیدگاه حدود ۱/۸ میلیارد مسلمان توجه کند.

یادداشت

ایده‌های که شکست خورد!

مهدی موحدی بک نظر

کارشناس اقتصادی



اگر بخواهیم عملکرد اقتصادی کشور پس از انقلاب اسلامی را بررسی کنیم، قطعاً همه دولت‌ها به اشکال گوناگون قابل نقد هستند؛ اما اگر بخواهیم عملکرد دو دوره دولت آقای روحانی طی سال‌های ۱۳۹۲ تا کنون را ارزیابی کنیم، می‌توان گفت دولت آقای روحانی بر مبنای یک ایده مرکزی تحت عنوان «گسترش روابط با غرب» وارد کارزار انتخابات شد. به عبارت دیگر، رئیس‌جمهور شدن آقای روحانی چه در سال ۱۳۹۲ و چه در سال ۱۳۹۶ با این ایده اتفاق افتاد که من تمام مشکلات کشور را به واسطه پیوندی که با دنیا برقرار می‌کنم حل خواهم کرد. عمده کسانی که به آقای روحانی رأی دادند با این نیست، وی را برای اداره دولت برگزیدند؛ چرا که گمان می‌کردند یا از آقای روحانی توقع داشتند با برقراری ارتباط با خارج و جهان بین‌الملل، این ارتباط در نهایت فضای با ثبات سیاسی را ایجاد کرده و به تبع فضای با ثبات سیاسی، فضای اقتصادی نیز بهره‌مند شده و به نسبت قابل توجهی بهبود یابد. این در حالی بود که این استدلال از همان ابتدا ایراد داشت و کاملاً مشخص بود که به سرعت با شکست مواجه می‌شود.

وقتی شما به عنوان یک دولت مستقر، اصل فعالیت خود را بر ثبات سیاسی می‌گذارید، زمانی که با قدرت برتر از خود که دست بالاتری نسبت به موقعیت شما دارد وارد معامله می‌شوید و برای گرفتن موافقت، حاضرید هر آنچه دارید را در معامله سیاسی بدهید تا چیزی به دست بیاورید، در واقع با این کار به دشمن این گرا را می‌دهید که من در موضع ضعف قرار دارم و از آنجایی که قدرت چانه‌زنی بالایی ندارم، پس هر آنچه بر من تحمیل شود چاره‌ای جز پذیرش آن نخواهم داشت. در حقیقت، از همان ابتدای کار، مشخص بود دولت کاری برای اقتصاد از پیش نخواهد برد. البته آقای رئیس‌جمهور سال گذشته به صراحت خطاب به منتقدان خود گفت کسانی که از من انتظار دارند کشور را بدون ارتباط با خارج اداره کنم، به آنها می‌گویم که من بدون ارتباط با دنیا که البته منظور آقای روحانی دنیای غرب بود، بلد نیستم کشور را اداره کنم. آقای روحانی به صراحت به این موضوع اشاره داشتند که از نظر ایشان اداره کشور بدون رابطه با غرب امکان ندارد؛ بنابراین می‌توان گفت ایده مرکزی دولت برای حضور در ساختمان پاستور به ثمر نرسید.

البته این موضوع از زمانی آغاز شد که دولت‌های مستقر به مطالبات رهبر معظم انقلاب در باره نفروختن نفت بی‌توجهی کردند. از سال ۱۳۷۲ که رهبر معظم انقلاب به این موضوع اشاره کرده‌اند که مقوله نفت و درآمدهای نفتی باید از بودجه جدا شود تا بودجه مستقل از درآمدهای نفتی تدوین شود، ما روز به روز بیشتر به درآمدهای خام‌فروشی نفت وابسته شده‌ایم. وقتی وابستگی به نفت افزایش یابد، با هر شوک اقتصادی یا سیاسی از جمله کاهش قیمت نفت، خلل در عرضه یا تحریم و عدم فروش نفت و... اقتصاد ملی به شدت به هم می‌ریزد.

افروز بهرامی، مدیرعامل صندوق ضمانت صادرات ایران در گفت‌وگو با صبح صادق

وظیفه ما، ایمن سازی صادرات است

اگرچه تحریم‌ها آسیب‌هایی را به اقتصاد ایران وارد کرده است؛ اما هر کجا که به فکر مقابله با این تحریم‌ها و پیامدهای آن بوده‌ایم، توانسته‌ایم ضمن انجام اقدامات مثبت، از برنامه‌های پیش‌بینی شده نیز پیشی بگیریم. یکی از این موضوعات عملکرد صندوق ضمانت صادرات ایران به عنوان یک صندوق دولتی با هدف تقویت صادرات غیرنفتی از طریق ضمانت صادرات یا به عبارتی پوشش ریسک صادرکنندگان ایرانی است. طی سال‌های اخیر، با توجه به تشدید تحریم‌ها و افزایش ریسک‌های صادراتی برای اقتصاد ایران جایگاه این صندوق نیز با رشد قابل توجهی همراه بوده است. این موضوع سبب شده است در حالی که بر اساس پیش‌بینی برنامه ششم توسعه ضریب نفوذ خدمات صندوق باید در انتهای این برنامه به ۱۰ درصد می‌رسید، در حال حاضر سه سال زودتر از پایان برنامه ششم این موضوع محقق شده است. صبح صادق در گفت‌وگویی با «افروز بهرامی» رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل صندوق ضمانت صادرات ایران عملکرد و اقدامات این صندوق را برای توسعه صادرات غیرنفتی ایران بررسی کرده است.

میثم مهرپور

دبیر گروه اقتصاد



که صندوق ضمانت صادرات ایران اگر به صورت مستقیم هم ضمانت‌نامه صادر کند.

طبیعتاً افزایش سرمایه صندوق موضوع مهمی است که می‌تواند توان صندوق برای حمایت از صادرات را افزایش دهد. امکان اینکه بخشی از سهام صندوق در بازار سرمایه عرضه شود تا از این طریق افزایش سرمایه دهد وجود ندارد؟

خیر، در اساسنامه صندوق آمده است که صندوق ضمانت صادرات ایران یک صندوق کاملاً دولتی است. علاوه بر آن، در سراسر جهان اساساً صندوق‌های ضمانت صادرات به پشتوانه دولت ایجاد می‌شوند و اگر وارد بورس شوند و به قول معروف عمومی شوند، اگرچه ممکن است سرمایه‌شان افزایش پیدا کند، اما بدون شک اعتبارشان افت خواهد کرد. در واقع دیگر کارانتی حکومتی و دولتی نخواهند داشت. البته به دلیل اینکه امسال سال «جش تولید» نام دارد، تلاش داریم میزان ظرفیت خود برای پوشش ریسک صادرات را افزایش دهیم. به هر حال، ما منابعی در بانک داریم که اگر خسارتی پیش آمد بتوانیم این خسارت را با این منابع پوشش دهیم. از سال گذشته نیز در حالی که تمام این منابع در بازار پولی بود ما با توجه به رشد شاخص بورس بخشی از منابع مان را به سمت بازار سرمایه بردیم و سعی کردیم در بازار سرمایه هم فعال باشیم.

طبق آمار منتشرشده از میزان صادرات طی دو سال ۱۳۹۹، صادرات غیر نفتی ما نسبت به مدت مشابه سال گذشته کاهش داشته است. به نظر تان دلیل عمده این موضوع چیست؟

عمله دلیل این موضوع مسائلی چون کرونا، تحریم و بسته شدن مرزها بود. این مسئله در همه کشورها، از فرانسه تا ترکیه و... هم دیده می‌شود. طبیعتاً فلسفه وجودی ما به صادرات وابسته است و وقتی صادراتی رخ ندهد، ضمانت‌نامه یا بیمه‌نامه‌ای هم نخواهد بود. وظیفه ما در این شرایط کمک به تأمین مالی بنگاه‌هاست. در حال حاضر، فرانشیزها را کاهش داده‌ایم. یا مثلاً در حالی که در گذشته ریسک‌های سیاسی را تا ۹۵ درصد پوشش می‌دادیم، اما بعد از شیوع کرونا این عدد را به ۱۰۰ درصد افزایش دادیم. همچنین میزان پوشش ریسک‌های تجاری را از ۹۰ درصد به ۹۵ درصد افزایش دادیم بدون اینکه کارمزدمان کاهش یابد. به بهرکارانمان نیز بین سه تا شش ماه استمهال دادیم تا کشور از شرایط کرونایی عبور کند.



حاضر این محصول صندوق مشتریان زیادی دارد. **خب ضمانت‌نامه‌های صندوق چه تفاوتی با وثیقه بانکی دارد؟** ما بروکر اسی خیلی کمتری داریم و وثیقه کمتری نسبت به بانک طلب می‌کنیم؛ چرا که ما و ضمانت‌های ما بر اساس اعتبار تولیدکننده و وام‌گیرنده است؛ یعنی در گام اول صورت‌های مالی تولیدکننده داخلی را بررسی می‌کنیم. ممکن است این ارزیابی را از طریق صورت‌های مالی و میزان صادرات در گذشته، گردش مالی و سرمایه‌های موجود و... انجام دهیم. حتی ممکن است بعد از بررسی همه این موارد بگوییم فقط ۳۰ درصد وثیقه می‌خواهیم و صادرکننده می‌تواند مابقی را چک و سفته بگذارد. ضمن اینکه هر صادرکننده‌ای بیشتر با صندوق کار کند و بدحسابی نکند طبیعی است که اعتبارش نزد صندوق افزایش می‌یابد. از طرفی با توجه به مصوبه شورای پول و اعتبار، بانک‌ها موظفند ضمانت‌نامه صندوق را به عنوان وثیقه نوع اول قبول کنند؛ ضمن اینکه نرخ بهره تسهیلاتی که با استفاده از ضمانت‌نامه صندوق دریافت می‌شود، دو درصد پایین‌تر از نرخ معمول خواهد بود.

فعالیت‌های صندوق در حوزه حمایت از صادرات خدمات فنی مهندسی چگونه است؟ با توجه به شرایط منطقه ایران ظرفیت بالایی در صادرات این نوع خدمات دارد؟

توجه داشته باشید که صندوق توسعه صادرات در ایران صندوق جوانی است. سرمایه صندوق ضمانت صادرات کشوری، مانند شرکت ۲ میلیارد دلار و عربستان ۴ میلیارد دلار است. از طرفی از آنجا که ریسک‌های صادراتی در بسیاری از کشورها از جمله

صندوق ضمانت صادرات در سال گذشته حدود ۳ میلیارد دلار از صادرات را تحت پوشش قرار داد. عددی که البته فراتر از سقف پوشش ریسک شما نیز بود. به عنوان اولین سؤال می‌خواستم بدانم آیا درخواست دیگری نیز در این زمینه داشتید که نتوانستید پوشش دهید یا به تمام درخواست‌های صادرکنندگان پاسخ مثبت دادید؟

به نظر من نباید به ماجرا اینطور نگاه کرد. واقعیت این است که ما در سال گذشته تا حدود ۱/۵ میلیارد دلار اجازه پوشش ریسک برای صادرات داشتیم؛ اما درخواست‌های فراوانی بالاتر از این سقف به صندوق ارسال شد که ما توانستیم همه این درخواست‌ها را تا سه میلیارد دلار پوشش دهیم. مطمئن هستیم امسال همانطور که در شش ماه اول سال شاهد بودیم، درخواست‌های بیشتری خواهیم داشت؛ چرا که بسیاری از صادرکنندگان هنوز صندوق را نمی‌شناسند و برای معرفی صندوق به آنها اقداماتی را شروع کرده‌ایم.

روند حمایت یا پوشش ریسک شما برای صادرکنندگان بزرگ این است که خریداران خارجی این محصولات را اعتبارسنجی می‌کنید و بر اساس اعتبار طرف خارجی به صادرکننده ایرانی اطمینان می‌دهید که خریدار محصولات شرکت مورد اعتمادی است یا نه. روش حمایت صندوق از شرکت‌های کوچک چگونه است؟

ما به غیر از بیمه‌نامه‌ها که مربوط به شرکت‌های خارجی و اعتبارسنجی آنهاست، محصولات دیگری هم داریم که شرکت‌های کوچک صادراتی از این محصول ما استفاده می‌کنند. ما دو نوع ضمانت‌نامه داریم که خیلی مهم هستند. ضمانت‌نامه‌های ما این‌گونه است که یک صادرکننده ایرانی که حالا یا واحد تولیدی دارد و کالاهای تولید خود را صادر می‌کند یا واحد تولیدی نداشته و فقط تجارت می‌کند، می‌کند یا واحد تولیدی نداشته و فقط تجارت می‌کند، اگر بخواهد برای صادرات خود سرمایه در گردش مورد نیاز را تأمین کند و برای تأمین این سرمایه مثلاً نیازمند ۱۰ میلیارد تومان باشد، در گام اول برای تأمین این مبلغ به بانک مراجعه می‌کند و اگر همه مدارک وی کامل باشد، بانک برایش ۱۰ میلیارد تومان افزایش سرمایه مصوب می‌کند و بعد می‌گوید وثیقه مورد نیاز باید تأمین شود. اینجا صادرکننده‌ها می‌توانند به جای وثیقه ضمانت‌نامه صندوق را ارائه دهند. در حال

شاخص

تبعات کرونا

به گزارش «اراشاتودی»، مؤسسه اعتبارسنجی اس اندپی گلوبال هشدار داد هندوستان در سال مالی ۲۰۲۱ به دنبال بحران کرونا با انبوهی از بدهی و کسری بودجه روبه‌رو خواهد شد. با این حال این مؤسسه رتبه اعتباری هند را به پایین‌ترین سطح قابل سرمایه‌گذاری ارتقا داد. در پیش‌بینی اس اندپی گلوبال که در هفته گذشته منتشر شد، آمده است نسبت بدهی به جی‌دی‌پی هند در سال مالی ۲۰۲۱ با جهشی ۱۷ درصدی نسبت به سال گذشته به ۹۰/۶ درصد خواهد رسید. همچنین مؤسسه «فتیج» پیش‌بینی کرد، سطح بدهی هند به ۴۸/۵ درصد تولید ناخالص داخلی برسد و مؤسسه «مودیز» پیش‌بینی کرد، این مقدار بالغ بر ۹۰/۱ درصد برسد.



منهای نفت

بودجه غیرنفتی

یکی از راه‌های تحقق ایران بدون نفت را می‌توان استفاده نکردن از درآمدهای نفتی در هزینه‌های بودجه‌ای کشور دانست. برای تحقق این فرض، حتی به شرط برداشته شدن تحریم‌ها و آزاد شدن صادرات نفت ایران یا افزایش قیمت جهانی نفت باید همه برنامه‌ها با فرض تداوم تحریم‌ها تدوین شود؛ یعنی در بهترین وضعیت اقتصادی به لحاظ درآمدهای نفتی باید فرض بر حداقل فروش نفت با حداقل قیمت آن باشد. در واقع، از این طریق می‌توان هر سال نقش درآمدهای نفتی در بودجه را کاهش داد و طی چند سال شاهد تحقق ایران بدون نفت خواهیم بود.



افزوده

اقسام بیکاری

به نرخ بیکاری در شرایط تعادل نرخ طبیعی بیکاری می‌گویند. به عبارت دیگر، مصداق آن زمانی است که تعادل تقریبی بین مشاغل خالی و تعداد افرادی که در جست‌وجوی کارند، برقرار باشد. بیکاری ادواری، بیکاری ارادی، بیکاری فصلی و بیکاری ساختاری را می‌توان از انواع بیکاری‌ها دانست. برای نمونه، بیکاری ادواری، در وضعیت رکود اقتصادی بروز می‌کند. در چنین مواقعی استخدام متوقف و حتی عده‌ای از کارگران از کار اخراج می‌شوند. در بیکاری ساختاری نیز عامل اصلی این بیکاری را می‌توان از میان رفتن تدریجی یک صنعت دانست و کارگران مشغول در این نوع صنایع بیکار می‌شوند.



سرمایه‌گذاری نهایی برای نجات بندگان

گفتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد حاج‌علی اکبری

زیارت اربعین از امام صادق(ع) روایت شده، متن متفاوت و فوق‌العاده‌ای در بین زیارت‌نامه‌هاست. کوتاه، نغز، دقیق و مشتتمل بر تمام معارف مربوط به عاشورای حسینی است. حضرت در یک صفحه همه حرف‌ها را جمع کرده و گفته است. فلسفه قیام حسینی چیست؟ دو جمله در زیارت اربعین در پاسخ به این پرسش وجود دارد. یکی مربوط به باطن و یکی مربوط به ظاهر این ماجراست؛ منتها چیزی که به ظاهر مربوط است، ظاهر بیان شده، اما چیزی که به باطن مربوط است، لطیف و رمزی بیان شده است. اما چیزی که مربوط به ظاهر ماجراست، این جمله است: «وَيَذَلُّ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسَتْ تَقِيْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الصَّلَاةِ». این جمله زیارت اربعین، خیلی جمله عجیبی



و حَبِيْبِيَّة»، کار تو کار عشق بود، حسین جان؛ سلام بر دوست مخصوص خدا: «السَّلَامُ عَلٰی خَلِيْلِ اللّٰهِ وَ نَجِيْبِهِ» تعبیرهای خیلی قشنگی است. مگر می‌شود این ماجرا را بدون استفاده از کلمات مقدس حب و عشق و ولایت تشریح کرد؟ اصلاً مقام عشق حضرت سیدالشهداء(ع) قابل بیان نیست. از خدای متعال بخواهید به حق سیدالشهداء محبت روزافزون خودش و اولیانش را نصیب شما کند. این را از خدای متعال در حرم بخواهید. یک نفر از من پرسید: در حرم امام حسین(ع) چه بخواهیم؟ گفتم: لابد منظورت بعد از طلب فرج است؟ تو که آدم با معرفتی هستی، آنکه نیاز به گفتن ندارد. اما بعد از درخواست فرج، از خدای متعال محبت به خودش، به اولیاء خودش، صدرش هم سیدالشهداء(ع) را بخواه. تجلی این محبت، یک کلمه است: شهادت در راهش.

دین

شماره ۱۹۷۰ | دوشنبه ۱۴ مهر ۱۳۹۹

صداق

آیه

اولین قربانیان تحریف

محمد رضا قضایی

کارشناس علوم اسلامی



خداوند در قرآن به تحریف‌کنندگان وعده عذاب داده است. تحریف‌کنندگان کسانی هستند که منافقند، دروغگویند و ایمان ندارند، حتی اگر به زبان خود را اهل ایمان معرفی کنند. جالب است که بدانیم هیچ کس در دنیا تحریف را بهتر از تحریف‌کننده نمی‌شناسد. آن کسی که در دنیا خودش را هم فریب می‌دهد، در آخرت نیز دست از این کردار بر نمی‌دارد و بسا لجابت و سرسختی در کفر باقی می‌ماند، مستحق عذاب است و خداوند در دنیا و عقباً آنان را با تفکرات و اعمال‌شان تنها می‌گذارد. در قرآن کلامی از خداوند وجود دارد که خصوصیت تحریف‌گران را برمی‌شمارد و به آنها وعده عذاب می‌دهد.

«يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ لَا يَعْزُبَنَّكَ الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَقْوَابِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنُ قُلُوبُهُمْ؛ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا؛ سَسَاءَ عَمَلِهِمْ لِكَلِمَاتٍ سَمِعُوا مِنْ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُواكَ، يَعْزِفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مُوَاضِعِهِ...»؛ ای پیغمبر اکرم(ص) محزون نکند تو را جماعتی از منافقین که در رسیدن به کفر سرعت دارند و به زبان می‌گویند: ما ایمان آوردیم ولی در دل ایمان نیاوردند و (محزون نکند تو را) جماعتی از یهود که می‌شوند برای دروغ و می‌شوند سخنان تو را تا برای گروهی که نزد تو نیامده‌اند آن را تحریف کنند. (آنها می‌گویند که اگر پیغمبر(ص) موافق کلام ما بود قبول کنید و اگر بر خلاف آن فرمود قبول نکنید و (محزون نشو برای) کسی که خداوند اراده فرموده او را در عقوبت و شدت و عذاب بیندازد... (مانده ۴۱) شأن نزول این آیه جریان نزاعی میان یهودیان است که در آن یکی از علمای یهود به نام «عبدالله بن صویرا» اقرار می‌کند: «ما احکامی را که در تورات دستور داده شده بود، به نفع اشراف و بزرگانمان تحریف و کم و زیاد کردیم». خداوند در این آیه از منافقان، دروغگوینان و تحریف‌کنندگانی می‌گوید که در میدان از یکدیگر برای رسیدن به کفر سبقت می‌گیرند! در واقع این سبقت‌جویی و این رفتار ناپسند است که پیامبر(ص) را محزون کرده و خداوند از او می‌خواهد که از دیدن این رفتار محزون نباشد. دلیل دیگر حزن رسول خدا(ص) این بود که وقتی دو نفر از یهودیان نزد او آمدند تا در نزاع دو گروه از ایشان کمک بخواهند، او را به دروغ و تحریف احکام خداوند دعوت کردند. این دعوت به تحریف و کتمان واقعیت پیامبر اسلام(ص) را به شدت آزرده خاطر کرد. در واقع با این سخن از ایشان خواستند که مرتکب گناهی بزرگ شوند. در نزد اولیای خدا، تحریف و واقعیت و تحریف قوانین الهی از جمله بزرگ‌ترین گناهان است که می‌تواند انسان‌های بی‌شماری را به ورطه نابودی بکشد و آسایش و آرامش را از انسان‌ها در این دنیا بگیرد. در واقع‌های که در میان یهودیان رخ داد، آن عالم یهودی گفت: «تغییر احکام توسط ما باعث فراگیری فساد و گناه میان اشراف و بزرگانمان شد، در حالی که ما ضعیفان یهود را به خاطر همان گناهان مجازات می‌کردیم». نتیجه آنکه تحریف همیشه به نفع یک گروه و جریان خاص صورت می‌گیرد و اتفاقاً دام‌گیر همان گروه و جریان است و همین تحریفات است که سبب نابودی‌شان می‌شود و نه بقا و سعادت‌شان.

می‌کنند کسی که توانسته از عمل به وعده خود فرار کند، فردی قابل است. این جاهلان به عهدشکنی‌ها اعتبار می‌دهند و منافع خود را در آن جست‌وجو می‌کنند. شاید بتوان گفت این نحوه برخورد عده‌ای از مردم آنان را در گناه عهدشکنان شریک می‌کند. به عبارتی کسانی که خلف وعده فردی را به چشم خود می‌بینند، اما آن را انکار نمی‌کنند و حتی حمایت کورکورانه می‌کنند هم در گناه عهدشکن شریک هستند و باید پاسخگوی اعمال خود و او باشند. این حمایت، هم به ضرر عهدشکن است و هم به ضرر حامیان آن. زیرا این حمایت‌ها سبب می‌شود عهدشکن خود را در هاله‌ای از عصمت و در حصاری از امنیت ببیند؛ در حالی که می‌داند عهدشکنسته و سخنان و وعده‌های خود را فراموش کرده و زیر پا گذاشته است.

خلف وعده خشم برانگیز هم هست؛ یعنی وقتی مردم از مسئولی خلف وعده می‌بینند خشمگین می‌شوند و شاید این خشم به ضرر همه آنها تمام شود و غیر قابل کنترل باشد، که عهدشکن هم از عهدشکنی خود در آزار است و هم گناه خشم مردم را به دوش می‌کشد. امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: «خلف وعده و نقض پیمان باعث خشم خداوند و مردم است. بدون تردید عهدشکنی شخصیت آدمی را در هم می‌شکند.» (الحديث، ج ۲، ص ۲۹۳)

از چنین شخصی حرام است و مروتش تمام و عدالتش هویداست. باید او را برادر دینی دانست و حقوق برادری او را رعایت کرد. پس کسی که ظالم یا دروغ‌گو یا پیمان‌شکن باشد، جایز الغیبه و فاسق است. (اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۹) حضرت امیرالمؤمنین(ع) نقض عهد و خلف وعده را از شعبه‌های کفر می‌دانند و می‌فرمایند: «به خدا سوگند که معاویه از من زیرک‌تر نیست. لیکن او پیمان می‌شکند و از حق منحرف می‌شود و از عقوبت خدا نمی‌ترسد و اگر بدی پیمان‌شکنی نبود من از همه زیرک‌تر و به روش نیرنگ‌بازی دانایان بودم، ولی هر نیرنگ و بی‌وفایی، بیرون رفتن از فرمان خداست و هر نافرمانی خدا کافر شدن به معبود مطلق است و هر نیرنگ‌باز و بی‌وفایی را پرچمی است که به آن در روز قیامت شناخته می‌شود.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۰)

در میان روایات نکته‌ای نیز وجود دارد که از آن می‌توانیم به اقسام متفاوت وفای به عهد پی ببریم. اینکه کسی بیاید وعده‌ای به فرد یا افرادی بدهد و بعد با نیرنگ‌بازی از عمل به آن فرار کند و یا بهانه‌جویی کند، مصداق بارز یک عهدشکن است و همه نکاتی که درباره عهدشکنان گفته شده شامل او نیز می‌شود. (نهج‌البلاغه، خطبه ۴۳) این در حالی است که جاهلان، آنان را زرنگ و باهوش و باکیاست می‌پندارند و فکر

اول مخالفت خدا را کرده و خود را در معرض خشم او قرار داده است.» (وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۶۵) همان‌طور که گفته شد، بسیاری از وعده‌ها درباره دیگر انسان‌ها استفاده می‌شود. کسانی که خود را شایسته قبول مسئولیت می‌بینند، باید به این موضوع توجه داشته باشند که وفای به عهد و عمل به وعده‌هایی که می‌دهد، هم نشانه ایمان است و هم نشانه مسئولیت‌پذیری. خداوند این جهان را به شوخی و بی‌هدف نیافریده است که هر کسی آن را به شوخی بگیرد و مسئولیت رفتارها و گفتارهای خود را برعهده نگیرد. پیغمبر اکرم(ص) می‌فرماید: «من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلیف اذا وعد؛ کسی که به خدا و روز جزا ایمان آورده، وقتی وعده‌ای می‌دهد باید وفا کند.» (اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۴) مفسران خلف وعده را دارای ارحمی مستقل و عقابی مطمئن می‌دانند و آن را جزء گناهان کبیره قرار می‌دهند.

حضرت صادق(ع) می‌فرماید: «من عامل الناس و لم یظلمهم و حدتهم فلم یكذبهم و عدتهم فلم یخلفهم فهو ممن کملت مروته و حرمت غیبه و ظهر عدله و وجبت اخوته»؛ کسی که در معاملاتش با مردم ستم نکند و در سخن گفتن دروغ نگوید و در وعده‌هایی که به آنها می‌دهد خلف وعده نکند، غیبت‌کردن

سیدحسین

خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف



از جمله اوامر قرآن که جنبه اجتماعی مهم و وسیعی دارد، وفای به عهد و مسئولیت‌پذیری در برابر دیگر انسان‌هاست. دستورات قرآن معطوف به روابط الهی و انسانی است که به نظم و آرامش منتج می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا» (بقره/ ۱۷۷)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده/ ۱)، «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ، إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء/ ۳۴) و... در این زمینه روایات بسیاری داریم که به اهمیت وفای به عهد اشاره دارد. وفای به عهد و خلف وعده نداشتن همانند امانتداری در روایات مورد تأکید است و آنقدر مهم است که فقدان آن را مساوی با فسق می‌شمارند. جالب آنکه وفای به عهد هم مانند امانتداری فقط درباره مؤمنان لازم نیست، بلکه درباره همه انسان‌ها باید رعایت شود. در تفسیر این آیه شریفه از حضرت صادق(ع) مروی است که فرمود: «وعده‌ای که مؤمن به برادر دینی خود می‌دهد، مانند نذر است. یعنی باید حتماً وفا شود، لیکن در مخالفت آن کفار نیست. پس کسی که با مؤمنی خلف وعده کند،

سلوک

جریان الحاق رأس امام حسین(ع) به بدن مطهر ایشان

صدوق (متوفای ۳۸۱ق)، سیدمرضی (متوفای ۴۳۶ق)، قتال نیشابوری (متوفای ۵۰۸ق)، شیخ طبرسی (متوفای ۵۴۸ق)، ابن‌نما حلی، سیدبن طاووس (متوفای ۶۶۴ق)، شیخ بهایی و مجلسی این قول را بیان کرده‌اند. از علمای اهل سنت هم ابوریحان بیرونی (متوفای ۴۴۰ق)، قرطبی (متوفای ۶۷۱ق)، زکریای قزوینی (متوفای ۶۸۲ق) و منسوی (متوفای ۱۰۳۱ق) نوشته‌اند: «پس از چهل روز از شهادت، در کربلا، سر به بدن بازگردانده شد.»

برخی روایان نیز احادیثی ذکر کرده‌اند که در آن امام صادق(ع) درباره دفن رأس نورانی امام حسین(ع) در کنار قبر شریف امیرالمؤمنین(ع) به دست برخی اصحاب سخنانی داشته است؛ اما خود این روایات گاهی دفن را ذکر کرده‌اند و گاهی محل قرار دادن را. ضمن آنکه این احادیث باید بررسی‌سنجی و قولی شود و باید دانست که قبر امیرالمؤمنین(ع) در زمان شهادت امام حسین(ع) بر کسی معلوم نبود و جز فرزندان ایشان کسی از محل دفن ایشان خبر نداشت.

این روایات را از عمر بن طلحه، ابان تغلب و یونس بن ظبیران ذکر کرده‌اند که میان این دو، یونس تضعیف شده است و برخی او را غلوکننده می‌دانند. البته شیخ حر عاملی گفته است، منافاتی ندارد که سر در کنار قبر مطهر امیرالمؤمنین(ع) دفن شده باشد و پس از مدتی یکی از ائمه یا اصحاب آن را به کربلا منتقل کرده باشد. چنانچه در نقل یونس هم همین آمده است. محدث قمی (ره) در «منتهی‌الآمال» گفته است، فردی از یاران امام(ع) سر مبارک را از کاخ یزید به طور مخفیانه خارج کرده و به نجف برده است. این قول هم با بیان سیدبن طاووس در «الهلوهف» منافات دارد که تصریح کرده است، امام سجاده(ع) سر مبارک را با سرهای سایر شهدا از یزید گرفت و به کربلا آورد.

سبطن جوزی (متوفای ۶۵۴ق) و علامه سیدمحمدسن امین (متوفای ۱۳۷۱ق) و برخی دیگر از اهل سنت گفته‌اند، سر مطهر در دمشق دفن شده است. برخی دیگر گفته‌اند خلفای فاطمیان آن را به عسقلان و از آنجا به

سید مرتضی رضایی

کارشناس علوم اسلامی



یکی از سؤالات جریان شهادت امام حسین(ع) که جواب‌های متعددی برای آن ذکر شده است، محل دفن رأس حضرت اباعبدالله(ع) است. اقوال متعددی در این مورد وجود دارد که به بررسی جلدی تاریخ‌شناسان مسلمان نیاز دارد. اما آنچه اهمیت دارد، علاقه همه محبان به وجود مبارک و مقدس حضرت است که قصد دارند به انحاء گوناگون و در مکان‌های مختلف ارادت خود را به حضرت سیدالشهداء(ع) نشان دهند و از ایشان توفیق ایمانی راسخ و قلبی مطمئن طلب کنند. در نقل‌های تاریخی و حتی روایات در این زمینه به چند مورد اشاره می‌کنیم. اولین و معتبرترین قول الحاق رأس مبارک به بدن مطهر امام(ع) است. قولی که میان شیعه و سنی مشترک است. علمای شیعه، از جمله شیخ

تقویم انقلاب

ناکامی در طرح فشار بر نجف

سیدمهدی حسینی مورخ و پژوهشگر



تقویم تاریخی انقلاب اسلامی روزهای تلخی را به ثبت رسانده است؛ یکی از بارزترین آنها طرح فشار و ایجاد محدودیت در محل اقامت امام(ره) بود، به گونه‌ای که جلوی هر گونه رفت‌وآمد، سخنرانی، صدور پیام و بیانیه از منزل امام(ره) در نجف ممنوع شده بود. محل اقامت امام(ره) در محاصره کامل قرار داده شد تا جلوی فعالیت انقلاب گرفته شود. اوج این واقعه از ۷ تا ۱۴ مهر ماه بود و با مراجعه به جلد سوم صحیفه امام(ره) دیده می‌شود که در این مقطع هیچ‌گونه مطلبی از ایشان درج نشده است. تسلط و دستگاه‌های امنیت که در بن‌بست و مخممه گیر کرده بودند، در نهایت به این گزینه می‌رسند که باید اهرم‌های فشار را بر نجف شدت بیشتری بدهند که در این مسیر از سه اهرم به کار گرفته شد:

۱- پایان منازعات با رژیم بعث؛ رژیم پهلوی از در آشتی با رژیم صدام وارد شد تا تردد ایرانیان به عراق و بالعکس را کنترل کنند و یعنی‌ها متعهد شوند که عرصه فعالیت سیاسی مبارزان ایرانی را تنگ می‌کنند؛ به گونه‌ای که از دوم مهر ماه بیت امام(ره) در نجف در محاصره قرار گرفت. مرحوم فردوسی‌پور یکی از همراهران امام(ره) در خاطراتش آورده است: «بعد از آشتی ایران و عراق و امضای قرارداد، بلافاصله استاندار نجف اینجاب را که واسطه و رابط بودم احضار کرد و گفت که اگر چه به انقلاب شما علاقه‌مندیم، ولی پس از انعقاد قرارداد نمی‌توانیم به شما اجازه فعالیت سیاسی بدهیم و تهدید کرد که از این پس اگر یک خط علیه ایران چاپ کردید، انگشت‌تان را قطع می‌کنم.»

۲- دستگاه‌های اطلاعاتی، امنیتی و سیاسی حاکم بر عراق؛ آنها تمام امکانات خود را به کار گرفتند تا جلوی فعالیت‌های فرهنگی-تبلیغی امام(ره) در نجف گرفته شود، حتی چاپ توضیح‌المسائل حضرت امام(ره) توقیف شد. مرحوم فردوسی‌پور در خاطرات خود می‌نویسد: «دو نفر از شخصیت‌های بغداد، یکی رئیس سازمان امنیت وقت عراق و دیگری یکی از وزرای رژیم بعث خدمت امام رسیدند و گفتند ما با دولت ایران قرارداد امضا کرده‌ایم که فعالیت سیاسی علیه رژیم ایران نکنیم؛ بنابراین شما [یعنی حضرت امام] هم فعالیت سیاسی علیه ایران نداشته باشید امام‌را حل هم پاسخ قاطعی دادند و فرمودند: «اگر شما با دولت ایران قرارداد دارید که فعالیت سیاسی نداشته باشید، من با ملت ایران قرارداد دارم که فعالیت سیاسی داشته باشم.»

۳- جریان مدعی مذهب و مرجعیت تقلید به نام «سیدکاظم شریعتمداری»؛ وی از نفوذ خود استفاده می‌کرد و فعالیت‌های تبلیغی‌اش را روی نجف برده بود تا مردم و ملت ایران از انقلاب فاصله بگیرند. حتی او در چندین مصاحبه با مواضع امام(ره) صریح برخورد می‌کرد و از شاه امتیاز می‌گرفت و به صراحت در مصاحبه‌اش می‌گفت: «تمام تلاش من برای حفظ مقام سلطنت است. من برای حفظ تاج و تخت و رژیم متکی به قانون اساسی شده‌ام... یکی از پایگاه‌های مخالف رژیم سلطنتی ایران نجف است که من صد درصد با این پایگاه مخالفم... [امام] خمینی با رژیم ایران مخالف است و نجف پایگاه موج‌براندازی علیه ایران می‌باشد و...»

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

جنگ ایران و عراق را می‌توان طولانی‌ترین جنگ کلاسیک در قرن بیستم دانست که حدود هشت سال به طول انجامید. حال این سؤال همواره مطرح می‌شود که آیا امکان نداشت جنگ تحمیلی، در مدت زمان کوتاه‌تری خاتمه یابد؟ به عبارت دیگر، در بعضی از زمان‌ها که موازنه نظامی و سیاسی به نفع ایران بود، چرا دولت ایران جنگ را به پایان نرساند؟ یکی از مقاطعی که می‌توانست به پایان جنگ بینجامد، پس از فتح عملیات بیت‌المقدس و فتح خرمشهر و رسیدن به مرزهای بین‌المللی بود؛ اما به دلایلی این امر محقق نشد و جنگ تا سال ۱۳۶۷ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ادامه یافت. به گفته «محمد درودیان» پرسش درباره علت ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر برای نخستین بار از سوی نهضت آزادی و ماه‌ها پس از اتخاذ این تصمیم و اجرای عملیات‌های گوناگون، شامل رمضان، محرم، مسلم‌بن‌عقیل و... مطرح شد. بعدها نقد و بررسی این موضوع در جزوه جنگ و صلح در سال ۱۳۶۳ منتشر شد. علت مطرح کردن این سؤال ظاهراً طولانی شدن جنگ و ناکامی در برخی از عملیات‌ها بود. حال آنکه در واقع نهضت آزادی و بسیاری از گروه‌های سیاسی ادامه جنگ را عامل مؤثری در انسداد سیاسی ارزیابی می‌کردند و از این منظر پایان دادن به جنگ را ضروری می‌دانستند و مسئولان و تصمیم‌گیرندگان و نیز تصمیمات اتخاذشده را نقد می‌کردند. پس از فتح خرمشهر، برای نخستین بار، در جلسه مسئولان و فرماندهان با امام(ره)، اتمام یا ادامه جنگ مورد بحث و بررسی قرار گرفت. دو ایده متفاوت وجود داشت: براساس رویکرد اول چنین تصور می‌شد که با شکست عراق و آزادسازی مناطق اشغالی دیگر ادامه جنگ ضرورتی ندارد. در رویکرد دوم، چنین استدلال می‌شد که ایران باید منطقه‌ای مهم از خاک عراق را اختیار بگیرد تا از موضع برتر عراق و حمایتش را برای تأمین خواسته‌های ایران متقاعد کند. رفتار عراق و آمریکا پس از پیروزی انقلاب و شروع جنگ ذهنیت و تصویری را در مردم و مسئولان به وجود آورده بود که آثار زیادی در نحوه مقاومت در برابر تجاوز عراق و پس از آن، آزادسازی مناطق اشغالی و سپس در تصمیم‌گیری پس از فتح خرمشهر بر جای نهاد. در حالی که موجودیت نظام و انقلاب بر اثر

چرا دفاع مقدس هشت ساله شد؟

هیئت‌های صلح یا سربازان صدام



جنگ تهدید شده بود، سازمان ملل در واکنش به تجاوز عراق از این کشور حمایت کرد و همین امر اعتماد ایرانیان را به این سازمان سلب کرد. پس از فتح خرمشهر، این باور و اعتماد وجود نداشت که حقوق ایران، که شامل محکوم کردن صدام به عنوان متجاوز، پرداخت غرامت و عقب‌نشینی کامل عراق بود، تأمین شود. در نتیجه، هنگام تصمیم‌گیری مسئولان نظام این نگرانی وجود داشت که خواسته‌های ایران نادیده گرفته شود. با این برداشت، این نظریه شکل گرفت که با توجه به برتری ایران بر عراق یک منطقه مهم از خاک عراق تصرف شود تا با اتکا بر آن، خواسته‌های ایران از موضع برتر تأمین شود. امام خمینی(ره) پرسش‌هایی را مطرح کردند که سرانجام با ارائه دلایل نظامی و سیاسی توافق و اجماع لازم برای تصرف منطقه شرق بصره حاصل شد. جمهوری اسلامی ایران بلافاصله، پس از تجاوز عراق و تردد هیئت‌های صلح، خواسته‌های خود را مطرح کرد؛ این خواسته‌ها به منزله پیش‌شرط‌های خاتمه جنگ شامل عقب‌نشینی عراق از مناطق اشغالی، اعلام متجاوز بودن عراق و پرداخت غرامت بود. مجامع بین‌المللی و هیئت‌های صلح به طرز عجیبی، به جای توجه کردن به عامل تجاوز و ضرورت عقب‌نشینی، بر اجرای آتش‌بس تأکید می‌کردند! تجربه جنگ اعراب با رژیم صهیونیستی و پیامدهای مخاطره‌آمیز پذیرش آتش‌بس، جمهوری اسلامی را وادار کرد که همچنان بر خواسته و شرایط خود تأکید کند. به

تدریج برتری توان نظامی ایران و در هم شکستن ماشین‌های نظامی ارتش اشغالگر و آزادسازی مناطق اشغالی مسئله آتش‌بس و عقب‌نشینی را کم‌رنگ کرد؛ در مرحله جدید، محکوم کردن عراق که متجاوز بود و پرداخت غرامت اهمیت بیشتری داشت. با این توضیحات، در واقع، با فتح خرمشهر، هنوز اوضاع به وضع قبل از تجاوز بازنگشته بود؛ زیرا عراق ۵ هزار کیلومتر مربع از خاک ایران را در اشغال داشت. این کشور همچنان تهدیدی برای ایران بود و ایران صدها میلیارد دلار خسارت دیده بود. حال باید پرسید ایران در چنین وضعیتی برای حل مسأله چگونه باید تصمیم می‌گرفت؟ آقای هاشمی، در کتاب «حقیقت‌ها و مصلحت‌ها» می‌گوید: «وقتی خرمشهر فتح شد، شیاعی در مورد پیغام صلح یا دادن پول در کشور مطرح بود؛ ولی ما که مسئول بودیم، می‌دانستیم این شیاعیات دروغ است.» همچنین فرمانده وقت سپاه در سخنانی می‌گوید: «اینکه گفته می‌شود بعد از آزادی خرمشهر چرا صلح نکردید، باید بگویم که هیچ پیشنهاد صلحی تا چهار سال بعد از آزادی خرمشهر به ایران نشد و فقط چند طرح آتش‌بس ارائه شد که اگر قبول می‌کردیم جنگ ۵۰ سال به درازا می‌کشید.» مسئله مهم برای ایران در زمان تصمیم‌گیری، دفع تهدیدات احتمالی عراق و پرداخت غرامت بود و این مهم با عقب‌نشینی کامل عراق از خاک ایران و اعلام متجاوز بودن عراق و پرداخت غرامت به ایران تأمین می‌شد. حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی عراق،

حافظه

توجه ویژه انگلیسی‌ها برای سلطه بر بوشهر

قلب تجارت خلیج فارس

در بندر لنگه است... در این زمان اغلب اهالی عجم و تاجر از بلاد ایران آنجا ساکن هستند و بسیاری از تجارشان را سرمایه به یک کرور می‌رسد و هندو الحال در بندر لنگه منزل و بازار مخصوص دارند... قونسل‌خانه انگلیس نسبت به باقی از ابنیه عالیه محسوب می‌شود و امتعه که از هندوستان و چین به بوشهر می‌آیند عمده شکر و ادویه‌جات و چسای معروف به چای بندری و شال کشمیری و قلمکار هندی و ظروف کار انگلیس است و اسب‌هایی که از ایران به هندوستان می‌برند از بوشهر حمل می‌کنند. پنجه و ابریشم و بعضی امتعه دیگر مال ایران نیز از بوشهر به هندوستان حمل می‌شود. در اواخر دهه ۱۷۸۰، از طریق بندر بوشهر سالیانه معادل



در میان بنادر جنوبی کشور بندر «بوشهر» در قرن هجدهم و دوران اوج‌گیری حضور استعمارگران انگلیسی در خلیج فارس، از جایگاه ممتازی برخوردار بود. بسا افول بندر عباس از اوایل دهه ۱۷۶۰ میلادی، بندر بوشهر به مهم‌ترین بندر تجاری ایران بدل شد. «الکساندر داکلاس» سرپرست دفتر شرکت هندشرقی بریتانیا در بندر عباس، در ۱۹ آوریل ۱۷۶۲ به لندن گزارش داد: «در وضع فعلی، بوشهر تنها بندر خلیج فارس است که در آن تجارت قابل توجهی جریان دارد.» او شش سال بعد (۱۷۶۸ م.) مرکز فعالیت شرکت را به بوشهر منتقل کرد. چند عامل سبب این تحول شد: اول، ناآرامی‌ها و فشار حکومت در بندر بصره از اواخر دهه ۱۷۴۰؛ دوم، عوارض سنگین گمرکی در بندر عباس که سبب انتقال تجار خارجی به بندر دارای عوارض کمتر می‌شد؛ سوم، دوران آرامشی که از سال ۱۷۴۷ در منطقه شیراز آغاز شد؛ چهارم، ناآرامی و آشوب در منطقه‌ای که از بندر کنگان تا بندر عباس امتداد می‌یافت در دهه ۱۷۵۰. در سال ۱۸۸۷ م. «محمدتقی خان حکیم» درباره بوشهر نوشت: «اعظم بنادر فارس در خلیج عجم... تجارت هندوستان به ایران و از ایران به هندوستان بیشتر در این بندر و بندرعباسی و قدری هم

دهلیز

مروری بر عهدنامه مرزی ایران و عراق در دوران رضاخان

خیانت در اروند

دوران رضاشاه علیه حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران شکل گرفت. وی در بخشی از اثر خود در این باره می‌نویسد: «تا آن زمان در هیچ یک از عهدنامه‌های مرزی منعقد میان ایران و عثمانی موضوع حاکمیت و تعیین خط مرزی بین دو کشور در اروندرود (شط‌العرب) تصریح نشده بود، ولی دو دولت عملاً به طور مشترک در این آبراه اعمال حاکمیت می‌نمودند. در سال ۱۳۱۳ دولت عراق به منظور جلوگیری از اعمال حاکمیت ایران در اروندرود با پشتیبانی انگلستان به جامعه ملل شکایت کرد. جامعه ملل طرفین را به مذاکرات مستقیم دعوت نمود و سرانجام بر اثر اصرار و فشار انگلیسی‌ها که علاقه داشتند پیمان منطقه‌ای هرچه زودتر منعقد شود، در ۱۳ تیر ۱۳۱۶ قرارداد مربوطه به امضا رسید. قبل از انعقاد قرارداد، وزارت خارجه بریتانیا از وزارت دربار ایران آن کشور نظرخواهی کرده و وزارت درباری پاسخ داده بود که نظر به اینکه ایرانیان مردمانی قابل اعتماد نیستند بهتر است با توجه به جنگی که در پیش است و اهمیت استراتژیکی منطقه، شط‌العرب در اختیار عراقی‌ها قرار گیرد. لذا در قرارداد تحمیلی ۱۳۱۶ حق کشتیرانی در سراسر شط‌العرب به استثنای پنج کیلومتر آب‌های مقابل آبادان تا خط تالوک به دولت عراق واگذار شد.»

مسئله اختلاف درباره اروندرود، یکی از منازعاتی بود که در آغاز جنگ ایران و عراق مؤثر بود. عراق که مهم‌ترین دسترسی خود به آب‌های آزاد را در اروندرود می‌دید، همواره نسبت به این رودخانه و ابره‌ری نگاه سهم‌خواهانه داشته است. اوج این زیاده‌خواهی را می‌توان در ماجرای حمله رژیم بعث به جمهوری اسلامی مشاهده کرد که در ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ آغاز شد؛ تهاجمی که حداقل خواست آن جدایی اروند از ایران زمین و الصاق آن به عراق بود. سرنوشت اروند در طول سده اخیر با تنظیم قراردادهایی همراه بوده است. یکی از پیمان‌های مهمی که در دوران رضاشاه میان ایران و عراق به امضا رسید، پیمان تعیین حدود اختیارات دو کشور درباره آبراه اروندرود (شط‌العرب) بود. به موجب این پیمان که روز ۱۳ تیر ۱۳۱۶ متعاقب «پیمان سعدآباد» در تهران به امضا رسید، حکومت تحت فرمان رضاشاه به صلاح‌دید انگلیسی‌ها گردن نهاد و با واگذاری آبراه اروندرود (منهای پنج کیلومتر مربع از آبهای آبادان) به عراق موافقت کرد! «عبدالرضا هوشنگ مهدوی» نویسنده کتاب «سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی» که نشر پیکان آن را منتشر کرده، معتقد است: «پیمان شط‌العرب یکی از خیانت‌هایی بود که در



حکمرانی شفاف

امیرقلی زاده

پژوهشگر علوم جوزوی

«شفافیت» مفهوم سیاسی و حقوقی متمایز و مشخصی در ادبیات سیاسی و رسانه‌ای امروز دنیاست و همگان برداشتی از شفافیت در امر حکومت‌داری به مثابه حقوق شهروندی مردم دارند. بر خلاف پندار غالب که آن را همانند بسیاری از مفاهیم مرتبط با حوزه سیاسی و حکمرانی دارای خاستگاهی غربی می‌دانند، کلید طلایی شفافیت که سابقه مشخصی در تجربیات بین‌الملل دارد، جایگاه ویژه‌تری در ادبیات حکومت دینی دارد تا آنجا که امیرالمؤمنین (ع) در نامه ۵۰ نهج البلاغه می‌فرماید: «بدانید حق شمار بر من آن است که چیزی را جز اسرار جنگی از شما پنهان ندارم.»

شفافیت حکومت‌داری

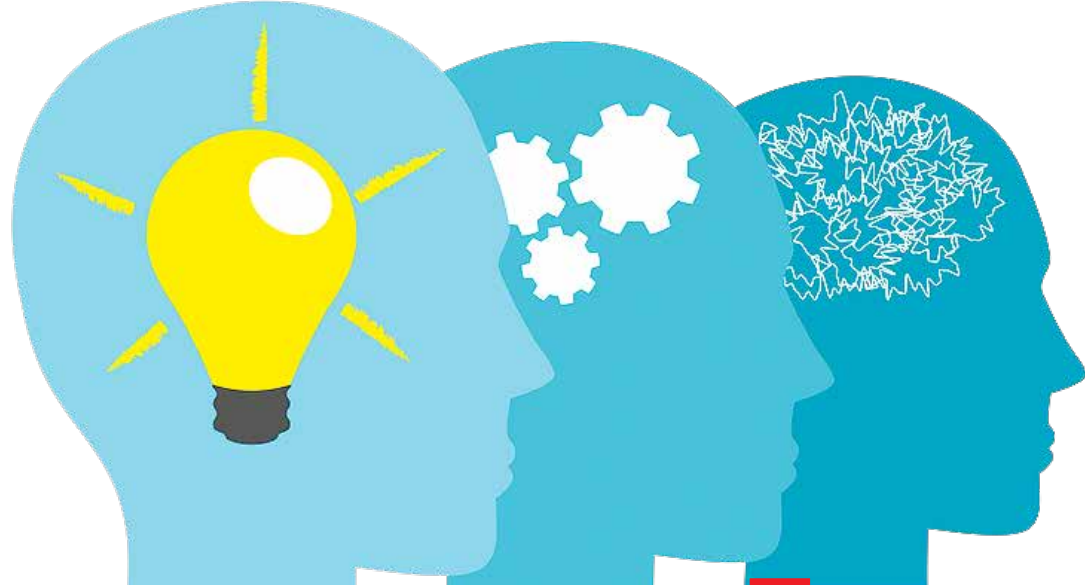
فیلسوف انگلیسی «جرمی بنتام» اولین کسی است که از شفافیت در معنای مربوط به حکومت‌داری مدرن استفاده کرده است. هر چند «هود» (۲۰۰۶) ریشه شفافیت را در دولت یونان جست‌وجو کرده و تأکید می‌کند که متفکران روشنگری (روسو، کانت و بنتام) و انقلاب فرانسه نقش مهمی در توجه روزافزون به شفافیت به‌عنوان یک وسیله برای بررسی سوءاستفاده از قدرت ایفا کرده‌اند. کشور هلند در سال ۱۷۹۸ با انتشار عمومی تصمیمات پارلمان، کشور آمریکا با قانون ۱۹۶۶ آزادی اطلاعات، که ضمانت محدودی از دسترسی شهروندان به اطلاعات دولت را فراهم می‌کند و قانون آزادی دسترسی به اسناد اداری کشور فرانسه (مصوب ۱۹۷۸) نقطه عطفی برای شفافیت فراهم کردند. با این حال ادبیات شفافیت از دهه ۱۹۷۰ به بعد رواج یافت. دریافت اطلاعات «معتبر» و «به موقع» در خصوص سازمان‌های دولتی و خصوصی دو واژه کلیدی است که در گذر زمان در تعریف شفافیت اهمیت یافتند. مطالبه‌گران شفافیت خواهان فهم چند سؤال بودند: تصمیم‌گیرندگان چه کسانی هستند؟ چگونه انتخاب می‌شوند؟ بر اساس چه اصولی تصمیم‌گیری می‌کنند؟ و منفعت تصمیم‌های اتخاذ شده نصیب چه گروه یا افرادی می‌شود؟ اگرچه نوع مواجهه نظام‌های حقوقی مختلف با موضوع شفافیت و تحقق آن در حوزه‌های گوناگون، از جمله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... در رویکرد مشخص در پی داشته است. در رویکرد اول دولت‌ها در قالب قوانین مختلف سعی در شناسایی مفهوم شفافیت در

موضوعات گوناگون کرده‌اند که از جمله آن می‌توان به قواعد شفافیت مجلس ذیل قوانین داخلی در موضوع پارلمان و قواعد شفافیت انتخابات ذیل قوانین انتخاباتی در کشورهای مختلف اشاره کرد. اما در رویکرد دوم که اقدام جدی‌تری نسبت به شفافیت به شمار می‌آید، دولت تلاش کرده است تا بستر شفافیت را به‌عنوان مفهومی مستقل مورد تقنین و مقررات‌گذاری قرار دهد. در این راستا تصویب قوانین انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات را می‌توان نقطه عطف جدی در نظام‌های حقوقی دنیا دانست؛ اما علاوه بر این تصویب قوانین خاص شفافیت نیز کامل‌کننده این رویکرد دولت‌ها به شمار می‌آید. در این زمینه می‌توان به قوانین گوناگونی از جمله قانون شفافیت در فرایند تصمیم‌گیری ۲۰۰۸ مولداوی، قانون شفافیت در زندگی عمومی ۲۰۱۳ فرانسه، قانون شفافیت مبارزه با فساد و مدرن‌سازی اقتصاد ۲۰۱۳ فرانسه، قانون دولت شفاف ۲۰۰۷ آمریکا و... اشاره کرد.

شفافیت در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران، ضرورت اقدام جدی در رابطه با شفافیت به منزله یک مفهوم ویژه و مستقل در سال‌های اخیر به تدریج مورد تأکید افراد، جریان‌های سیاسی و دولت و سایر قوای حاکمیت قرار گرفته است. لایحه‌های هم در سال ۱۳۹۶ به صورت پیش‌نویس به مجلس ارسال شده است. امروزه، دنیا به

شفافیت نگاهی عمقی از باب فلسفه سیاسی برای مردمی‌سازی، پاسخ‌گو کردن قدرت و مسئولیت‌پذیر کردن حاکمان دارد. با توسعه ابزارهای فناوریانه اطلاعاتی و ارتباطاتی، حکمرانان دنیای جدید در اتاق شیشه‌ای زیست می‌کنند و همه تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات شفاف می‌شوند. در این شرایط کنونی ایران اسلامی نیز ضرورتی حیاتی است، ضریب شفافیت اقدامات و تصمیمات دولت است که هر چقدر این ضریب بیشتر باشد قوت و مقبولیت مردمی آن بالاتر است. اما متأسفانه شفافیت در ادبیات سیاسی روز کشور ما واژه‌ای پرطمطراق، ابزاری و سیاسی شده است. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات بارقه‌امیدی را برای شفافیت اطلاعات از سمت دستگاه‌ها به سوی مردم رهنمون کرده است، اما کفایت نمی‌کند؛ چرا که موانع مهمی پیش‌روی تحقق شفافیت، آنگونه که باید و شاید، وجود دارد. به این ترتیب، لازم است شفافیت به خوبی شناخته شده، ضرورت‌ها و اثرات به کارگیری آن در حوزه‌های مختلف ارزیابی شده و سازوکارهای مناسب ترویج و توسعه آن در بدنه حاکمیت طراحی شود. در این میان، سؤال مهم چیستی شفافیت است. اطلاعات تولید شده به وسیله شهروندان یا به نمایندگی از آنها، به مثابه جریان خون و عامل حیات اقتصاد و



آفاق

نظریه نظام انقلابی - ۲۲

هم‌زیستی نظام و انقلاب

دوم فرایند تحقق «تمدن نوین اسلامی» قرار دارد، جدا نیست؛ بلکه در قالب آن به حیات خود ادامه می‌دهد.

به همین دلیل رهبر معظم انقلاب، ویژگی نظام جمهوری اسلامی را در مقایسه با سایر جمهوری‌های جهان در ارزش‌ها، انسانیت و نجات ملت‌ها از کمند قدرت‌های مداخله‌گر می‌داند که ملت‌های جهان تشنه آن هستند.

تقلیل انقلاب اسلامی به جمهوری اسلامی اسمی و هویت‌زدایی و تهی شدن جمهوری اسلامی ایران از آرمان‌های انقلاب که به تعبیر رهبر معظم انقلاب محور نامه اوپاما در سال ۱۳۹۴ به ایشان است، به معنای زوال و نابودی آن تلقی می‌شود؛ از این رو، نسبت هم‌زیستی در نظریه نظام انقلابی، به نوعی رابطه معیّت همانند رابطه روح و جسم اشاره دارد.

از نظر رهبر معظم انقلاب، نظام جمهوری اسلامی دارای یک ساخت حقوقی در حکم جسم نظام است و یک ساخت حقیقی که در حکم روح، معنا و مضمون است. در این میان آنچه مهم‌تر است، ساخت حقیقی و درونی است که همان آرمان‌های جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی است و اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، فایده و دوامی نخواهد داشت. با این نگاه، رابطه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی به مثابه رابطه روح و جسم است و تا زمانی که انقلاب اسلامی مانند روح در کالبد نظام جاری باشد، جمهوری اسلامی حیات دارد.

محسن محمدی الموتی

استادیار مجتعم آموزش عالی شهید محلاتی(ره)



ریزش‌ها

میر حسین موسوی - ۱

بازی موش و گربه!

پهلوی تبدیل شده بود در سال ۱۳۵۲ بر اثر حمله ساواک به شرکت، کلیه افراد آن به اتفاق میرحسین موسوی و بازرگان دستگیر شدند. تنها سابقه انقلابی که از میرحسین موسوی و همسرش در اذهان مانده، نمایشگاه نقاشی «موش و گربه» است که در دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳ دایر شد و از نظر مردم مفاهیم ضد سلطنتی داشته است. «در پرونده ساواک میرحسین موسوی و رهنورد اسناد مشکوکی مبنی بر همکاری این دونفر با دستگاه امنیتی رژیم پهلوی وجود دارد» به طور مثال زهرا رهنورد ارتباطات امام موسوی صدر را به مخبرین ساواک گزارش می‌کرده است. «در جریان دستگیری میرحسین موسوی به اتهام ارتباط با آلدپوش که از اعضای ارشد سازمان مجاهدین خلق و عامل اصلی ترور چند مستشار آمریکایی است، او در مقابل بازجویی بسیار ذلیلانه برخورد می‌کند و آنچه از آلدپوش می‌دانسته و نمی‌دانسته به بازجویی تحویل می‌دهد که ده روز بعد آزاد می‌شود. آزادی وی در حالی است که در این پرونده کسانی بودند که تنها نام آلدپوش را شنیده بودند و از او اطلاعاتی نداشتند و به چندین سال حبس محکوم شدند.»

۱- جلسه رسیدگی به اتهامات مدیرمسئول روزنامه «جان» پیش‌بینی شهید آیت‌الله در باره موسوی اتفاق افتاد. - فرانس نیوز؛ ۱۳۸۹/۲/۱۹
۲- کتاب «بازگشت از نیمه‌راه» علی الفت پور- چاپ سی و دوم؛ صفحه ۲۵۰
۳- ناگفته‌های پرونده ساواک موسوی و تحرکات تمحیلی او پس از انقلاب- محمدحسین روزی طلب-رجا نیوز؛ ۱۳۸۹/۱۱/۳



انحراف و بازگشت از نیمه راه گاه به واسطه هوای نفس، دنیاگرایی، شیطان و عوامل دیگر صورت می‌گیرد؛ ولی در بعضی افراد با توجه به سوابق و جملات و موضع‌گیری‌هایی که داشته‌اند با قدری تأمل می‌توان دریافت که آن افراد از اول هم در مسیر نبوده‌اند؛ بلکه به ظاهر و به ظن و گمان خود یا به واسطه اغراض خاص، خود را با جریان همراه کرده‌اند و با به وجود آمدن شرایط مناسب، حقیقت مسیری که در آن گام برداشته‌اند، ظاهر می‌شود. یکی از افرادی که می‌توان به مثابه مصداق این جریان اشاره کرد، «میرحسین موسوی» است. وی در سال ۱۳۲۰ در شهر خامنه آذربایجان شرقی به دنیا آمد. پدرش میراسماعیل موسوی، از بازرگانان چای تبریز بود. پدر میرحسین موسوی، پسر عمه پدر آیت‌الله خامنه‌ای است. در سال ۱۳۵۸ که مریض شده بودند، رهبری به دیدار وی در بوزر جمهوری تهران رفتند و از قضا، میرحسین موسوی همان زمان در خانه پدرش حضور داشت که تصاویر این دیدار در رقابت‌های انتخاباتی سال ۱۳۸۸ از سوی ستاد میرحسین موسوی مورد استفاده قرار گرفت. میرحسین موسوی در دوران تحصیل همواره با دیگر دوستان خود انجمن اسلامی دانشگاه ملی را تأسیس کرد و پس از اتمام دانشگاه با بازرگان و حسن آلدپوش که مارکسیست شده بود، شرکت سمرقند را تأسیس کرد. این شرکت که به مرور به محل مبارزه با حکومت

سیاست‌نامه

اندیشه‌سیاسی علامه نائینی - ۲۱

تحریف در روایت مشروطه

فتح‌الله پیرشان

دبیر گروه اندیشه

تحریف در روایت‌های تاریخی و ملی از اهداف و اقدامات دشمنان برای به شکست کشاندن یک ملت یا یک فرهنگ و تاریخ است تا واقعات آن وارونه شود و نتواند در جامعه‌پذیری فرهنگی و نسلی کارکرد خودش را انجام دهد. انقلاب مشروطه ملت ایران بیش از آنکه حاصل رویکرد و تمایز جریان و تفکر روشنفکری غربی به تعبیر برخی روایت‌گران دل‌داده به جریان غرب باشد، مطالبه‌ای ملی برای تحقق آزادی، رهایی از استبداد و تأسیس عدالت‌خانه از سوی مردم ایران بود. همین تحریف مجمل جریان غرب‌گراست که موجب انحراف در مشروطه می‌شود. البته کسی منکر نقش روشنفکران و اندیشه‌گران به اصطلاح نوگرای ایرانی تحصیل کرده در غرب نیست، اما سلسله‌جنبان و هدایت فکری مشروطه هیچ‌گاه در دست آنها نبود، البته در ادامه سوار بر موج مطالبه مردمی شدند. تاریخ‌نگاران مشروطه ایران عمدتاً در ذکر روایت تاریخی صداقت ندارند و به دروغ و تهمت دست زده‌اند؛ از این رو تاریخ مشروطیت را خط‌کشی کرده‌اند. مستبدان را در یک‌صف و مشروطه‌خواهان را در صف دیگر قرار داده‌اند و بدون ارزیابی این دو صف عنوان کرده‌اند که در صف مستبدان از محمدعلی شاه و درباریان گرفته تا شیخ فضل‌الله و میرزا مجتهد تبریزی قرار دارند و در سوی دیگر از آخوند خراسانی، نائینی، سیدعبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبایی گرفته تا تقی‌زاده و فروغی همگی در صف مشروطه‌خواهان جای دارند. در حالی که این خلاف واقع و انصاف است. حقیقت این است که جریان مشروطه را باید در دو جریان مذهبی و غیرمذهبی مطرح کرد که خود جریان مذهبی با تحریف و سالوسی و اختلاف‌افکنی جریان غیرمذهبی و غرب‌گرا به دو شعبه نجف و تهران منقسم می‌شود. جریان تحریف در روایت‌گری مشروطه و تزئین انحراف و دروغ به قدری موفق عمل می‌کند که حتی روی کار آمدن رضاخان را نتیجه آن می‌پندارد، در حالی که با گرفتن نظام منحوس پهلوی و برآمدن دیکتاتور دست‌نشانده انگلیس در کودتای اسفند ۱۲۹۹، حاصل انحراف در نهضت عدالت‌خواهانه مردم ایران و محقق نشدن اهداف و آرمان‌های آن بود که پیامدهای بسیار سنگینی را برای ایران داشت و پنج دهه مطالبه مردم را تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ به عقب انداخت. البته می‌توان از عوامل متفاوتی برای علت انحراف نهضت مشروطه در ایران نام برد. «ملاعبدالرسول کاشانی» با توجه به آیات قرآن و نهج البلاغه علل انحراف نهضت مشروطه را چنین برمی‌شمارد: «عقب‌نگهداشته شدن جامعه به لحاظ علمی، تراحم مشاغل، سکوت علما و امر و نهی جاهل، عدم تبعیت بعضی از اولیاء امور از قانون، تسارح ذخایر طلا و نقره و نفت و گسترش فقر در جامعه، عادت به ظلم کردن و ظلم پذیرفتن، عدم خوف در بین خطاکاران، یأس و ناامیدی مردم و در نهایت اینکه مطبوعات به دست افرادی افتاد که فهم تربیتی ندارند و راه و روش تعلیم و تربیت را بلد نیستند و به جای اینکه جامعه را به رشد و آگاهی و کمال برسانند، آن را خراب کردند و به تقلید از مطبوعات غربی پرداختند. مطبوعات به‌جای هدایت جامعه، سبب انحراف و اختلاف و دشمنی شدند. در نتیجه مشروطه از مسیر اصلی خود منحرف شد.»



محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس: شعار مرگ بر آمریکا جز کار و تلاش و پیگیری مشکلات مردم نیست. مردم از ما کار می‌خواهند؛ کار و ذهن ما لحظه‌ای از این مسیر منحرف نخواهد شد.



سیدنظام‌الدین موسوی، نماینده مجلس: رئیس‌جمهور محترم گفته است: آدرس غلط به مردم ندهید؛ ریشه مشکلات، واشنگتن دی‌سی است. لعن و نفرین خود را به محل درست بفرستیم. آقای روحانی! هفت سال پیش هم معتقد بودید ریشه حل مشکلات، بستن باک‌خدا (همین واشنگتن دی‌سی) است؛ یعنی در عالم امکان غیر از واشنگتن جای دیگری را نمی‌بینید؟



فرشاد توماج، فعال رسانه‌ای اصلاح‌طلب در واکنش به توییت صادق زیباکلام مبنی بر عدم تهدید ایران از سوی رژیم صهیونیستی: البته یک درد اینه که نه تنها دروغ می‌گوید که «اسرائیل هرگز ایران را تهدید نکرده» که چک هم نمی‌کند چند عملیات ترور (مثلاً ترور دانشمندان هسته‌ای) توسط اسرائیل انجام شده است. منتها درد بزرگ‌تر اینه که چه جوری چنین آدم کم‌اطلاع و متوهمی این همه سال استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران مانده است.



محمدامانی، فعال رسانه‌ای: می‌دانستید آقای روحانی ظرف سه سال، سه وزیر صمت جای‌جا کرده؛ شریعتمداری، رحمانی و رزم حسینی؟! مدرس خیابانی و سرقیبی را هم اضافه کنید، تا بشوند پنج نفر! با این ثبات و درایت و تدبیر، انتظار داشتید بازار تولید و صنعت و تجارت رونق بگیرد؟! مزید اطلاع، نعمت‌زاده و شریعتمداری که اولین وزیران صمت روحانی در سال ۹۲ و ۹۶ شدند، رئیس ستاد انتخاباتی او در دو انتخابات بودند! همین.



مجتبی توانگر، نماینده مجلس: مشکل اصلی ما، کمبود منابع یا نبودن راهکار نیست! درد اصلی بی‌خیالی مسئولان است. عین خیال‌شان نبود که مردم برای خریدن تخم مرغ و کره هم دودوتا چهارتا می‌کنند. نمایندگان بر اساس پیمانی که با مردم بسته‌اند، خارج از نوبت کلیات طرح حمایت معیشتی مجلس برای تأمین کالاها و اساسی را تصویب کردند.



احمد نادری، نماینده مجلس: صندوق ذخیره فرهنگیان طی ربع قرن اخیر از دو محل اعتبارات کاملاً دولتی، یعنی حقوق معلمان و خزانه دولت ارتزاق می‌کند و هینت مدیره آن را دولت تعیین می‌کند، اما ماهیتش را خصوصی عنوان کرده‌اند. این صندوق، دارایی فرهنگیان است نه محل رانت و فساد خصولتی‌ها و مدیران فاسد و ناکارآمد و سیاسی‌کار.

دست‌های آلوده

وقتی رسانه‌های ضد انقلاب برای نیل به اهداف خود عامل قتل می‌شوند!



سکوت کنید داغدار می‌شوید!

این روایت پاکستانی با قراین بسیاری هم‌خوانی دارد. رسانه‌های بیگانه اعم از وابسته به آمریکا و سعودی و منافقین در روزها و ماه‌های گذشته تلاش داشته‌اند با احساسی کردن ماجرا و ورود خانواده‌های زندانیان به پرونده از طریق مصاحبه با تلویزیون‌های ضدانقلاب استفاده سیاسی خود را از این موضوع داشته باشند. آنها برای این کار و همراهی این خانواده‌ها به هر کاری از جمله این دروغ غیرواقعی دست زده‌اند.

مادر امیرحسین مرادی نیز این روایت را تأیید می‌کند. طبق گفته مادر امیرحسین مرادی، پس از توقف حکم اعدام فرزندش، بارها تماس‌هایی از خارج از کشور با خانواده برقرار شده و آنها را دعوت به فعالیت و مصاحبه علیه نظام کرده‌اند، افراد در این تماس‌ها با تحت فشار قرار دادن پدر امیرحسین مرادی عنوان می‌کردند که اگر سکوت کنید فرزندتان قطعا اعدام خواهد شد.

بنابراین با وجود موافقت دیوان عالی کشور با بررسی مجدد پرونده امیرحسین مرادی و توجه ویژه رئیس دستگاه قضا به این پرونده، پدر امیرحسین مرادی تحت فشار روانی رسانه‌های خارجی دست به خودکشی زد و بار دیگر ننگ سیاسی کاری ضدانقلاب را ریخته شدن خون رسانه‌ای شد.

منبع: رجانیوز

می‌گوید: «ما خیلی تلاش کردیم تا خانواده را آرام کنیم و موفق هم بودیم. خانواده را ما کنترل کردیم و به آنها این امیدواری را دادیم که پرونده دارد روند مناسبی را طی می‌کند.

واقعاً هم‌منظور بود، یعنی به‌عنوان وکیل عرض می‌کنم، پرونده کاملاً یک روند مناسبی را داشت طی می‌کرد. شرایط پرونده هم الان مشخص است. دیوان دارد بررسی‌هایش را انجام می‌دهد و ان‌شاء‌الله پرونده به شعبه هم ارجاع خواهد شد.

اصلاً توقف اجرای حکم صادر شده است از شعبه یکم دیوان. ولی متأسفانه طی روزهای گذشته یک بی‌اخلاقی‌ای صورت گرفت. رسانه‌هایی که تماس می‌گرفتند و می‌گفتند مثلاً ما از فلان سایت حقوق بشری هستیم؛ از نمی‌دونم فلان ارگان هستیم. عمدتاً هم خب از خارج کشور تماس می‌گرفتند و به خانواده می‌گفتند به شما دارند اطلاعات دروغ می‌دهند. بچه شما در صف اعدام است. بیایید صحبت بکنید.

بیایید با ما مصاحبه کنید! یعنی در واقع کسانی که داعیه‌دار بودند که مثلاً ما داریم کار حقوق بشری می‌کنیم، می‌خواستند به هر قیمتی با خانواده مصاحبه بکنند؛ ولو با گفتن دروغ. الان سؤال من اینه، اینا بیایند پاسخ بدهند. اخبار شما مبتنی بر اینکه در صف اعدام قرار دارند مبتنی بر چه اصولی بوده؟»

«امیرحسین مرادی» جزء سه نفر از متهمانی بود که در آشوب‌های آبان ۱۳۹۸ که بعد از گرانی بنزین رخ داد، دستگیر شد و ابتدا خبر حکم اعدام وی منتشر شد. اما با ورود رئیس دستگاه قضا این حکم متوقف و دستور دادرسی مجدد آن صادر شد. این خبر که مربوط به چند هفته قبل بود، اگرچه برای خانواده مرادی خوشحال‌کننده بود؛ اما بیگانگان اجازه ندادند خانواده امیرحسین مرادی در آرامش باشند. خودکشی پدر خانواده که دو روز قبل رسانه‌ای شد، نشان از وخامت حال اوضاع این خانواده با وجود توقف حکم اعدام وی و رسانه‌ای شدن آن از سوی قوه قضائیه دارد، اما این شرایط چرا شکل گرفته است؟ با انتشار ابعاد جدیدی از این خودکشی مشخص شد رسانه‌های فارسی زبان بیگانه و نهادهای ضدایرانی مدعی حقوق بشر چگونه با اطلاعات جعلی و دروغ‌کار را بر این پدر سخت‌کرده و منتج به خودکشی او شدند.

متهم ردیف اول

وکیل امیرحسین مرادی واقیعی تلخ از چرایی خودکشی پدر این خانواده گفته که نشان می‌دهد، چگونه بیگانگان با یک جنگ و عملیات روانی کار را به این رخداد غم‌انگیز کشانده‌اند. پاکستانی در این زمینه که با رسانه سعودی ایران اینترنشنال ارتباط داشته،

نشان بی‌نشان!

ضعفی که در پس رونمایی از لوگوی دستگاه دیپلماسی خود را نشان داد!



مرسوم نیست وزارتخانه‌های یک کشور لوگوی مستقل داشته باشند. به خصوص وزارتخانه‌های مثل وزارت خارجه که کل مجموعه حاکمیت یک کشور را در دنیا نمایندگی می‌کنند تقریباً تمام کشورها لوگو وزارتخانه‌هاشون به خصوص وزارت خارجه همان نشان رسمی کشور است.

نکته مهم این است که متأسفانه در حوزه رسانه و تبلیغ حتی در وزارتخانه‌ای به اهمیت وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران با ضعف و بی‌دقتی مواجه هستیم که در وضعیت کنونی، در عصر رسانه و نقش بی‌بدیل دیپلماسی عمومی و مدیریت رسانه‌ای می‌تواند ماجرا را بسیار فراتر از طراحی یک لوگو ببرد و نگرانی‌های زیادی را متوجه دستگاه دیپلماسی کند.

نکته دیگری است که باید مسئولان وزارت خارجه نسبت به آن روشنگری کنند.

ابهام در روند انتخاب طرح و مسیر اجرای آن نیز از جمله اشکالات وارده از سوی کاربران و کارشناسان است. در همین زمینه یکی از کاربران در توییتر نوشته است: «نشانی با چنین اهمیتی باید از مسیر مسابقه طراحی و مشارکت‌جویی از جامعه طراحان ایرانی حاصل می‌شد، ولی الان حتی طراحی مشخص نیست.» کاربر دیگری درباره انتخاب نشان برای وزارتخانه‌های کلیدی هر کشور نوشته است: «این نشان‌های رسمی عمدتاً قدیمی بوده و طراحی کلاسیکی دارند؛ به ندرت کشورها از نشان موجود در پرچم‌شون به عنوان Coat of arms هم استفاده می‌کنند، یعنی کاری که ایران می‌کند. از طرف دیگر، اصولاً

مطرح شده است. مهم‌ترین محور این انتقادات، به همان نقاطی بازمی‌گردد که وزارت خارجه سعی دارد آن را توجیه کند: عناصر هویت و فرهنگ اسلامی-ایرانی. همچنین، ابهام در روند طراحی آن و نامشخص بودن طراحان آن از دیگر مسائل مطرح شده در انتقادات از این نشان است.

اما رونمایی از این نشان به همینجا و به همین سادگی و بی‌حاشیه‌ای به پایان نرسید؛ کاربران شبکه‌های اجتماعی توانسته‌اند با یک جست‌وجوی ساده اینترنتی، متوجه شوند که این نشان پیش از این نیز وجود داشته و مربوط به یک شرکت ساختمانی بین‌المللی بوده است. اینکه چگونه یک تیم طراحی که چنین پروژه مهمی به آنها سپرده شده از این موضوع غفلت کرده‌اند،

وزارت امور خارجه، نخستین وزارتخانه تأسیس شده در ایران است که در سال ۱۲۰۰ تأسیس شد و حالا در صدونودمین سالگرد تأسیس خود از نشان جدید این وزارتخانه رونمایی کرده است؛ وزارت خارجه نشان جدید خود را این‌گونه معرفی کرده است: با توجه به جایگاه میانه جغرافیایی و فرهنگی ایران، به عنوان کشوری به پا خاسته مستقل و مقاوم، گشوده به سمت شرق و غرب و عالم، نشان جدید وزارت خارجه طراحی شده است که بر خوردار از شخصیتی معاصر و به روز شده از فرهنگ اسلامی و ایرانی است؛ اما این توضیحات برای اثبات هماهنگی نشان جدید با ویژگی‌های دینی و تمدنی جمهوری اسلامی ایران، هیچ کس را متقاعد نکرده و انتقادات فراوانی نسبت به این نشان

خبر خوب

اسناد ناب در دسترس اقدام ویژه موزه دفاع مقدس



در دهه‌های گذشته امکان دسترسی و بهره‌مندی پژوهش‌گران و محققان به اسناد دست اول دفاع مقدس به آسانی ممکن نبود؛ اما خوشبختانه در پی گسترش باغ موزه‌های دفاع مقدس در سراسر کشور، امروزه زیرساخت ارائه خدمات به محققان و دانش‌پژوهان این عرصه فراهم شده است. سرلشکر

باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با اعلام این خبر خوب و تأکید بر غنای روزافزون موزه‌های دفاع مقدس اعلام داشت: «از این پس پژوهشگران به اسناد ناب و دست اول و تحلیل‌های واقعی و روایت‌های درست از دفاع مقدس دست پیدا خواهند کرد.»

پژواک

ارتش پوشاک! دروغ‌های هالیوود



در سینمای هالیوود همواره نظامیان آمریکایی به صورت ابر قهرمان‌هایی شکست‌ناپذیر ترسیم می‌شوند که نه تنها در مقابل دشمنان خارجی، بلکه در برابر فرامینی‌ها نیز توان ایستادگی و پیروزی دارند؛ اما واقعیت این‌گونه نیست. به گزارش «نیوزویک»، در پی شیوع ویروس کرونا و

افزایش نگرانی نظامیان آمریکایی از ابتلا به این بیماری، میزان خودکشی در میان نظامیان آمریکا افزایش یافته است. طی سال جاری میلادی و در مقایسه با سال گذشته میلادی، میزان خودکشی نظامیان آمریکایی ۲۰ درصد افزایش داشته است.

نرم افزار

وامیار رقابت تنگاتنگ میان استارت‌آپ‌ها



رقابت استارت‌آپ‌ها بیش از هر زمانی رونق و در این بازار آنچه می‌تواند موجب موفقیت شود، نوع ایده مبنایی آن کسب‌وکار است؛ هر چه ایده و نوع خدمت ارائه شده از سوی یک کسب‌وکار، به نیازمندی‌های جامعه نزدیک باشد موفق‌تر عمل خواهد کرد. اکنون تقاضای شهروندان برای دریافت

تسهیلات بانکی افزایش قابل توجهی یافته است و طبیعتاً در چنین وضعیتی، کسب‌وکاری مانند «وامیار» به منزله تسهیل‌کننده فرایند دسترسی شهروندان به تسهیلات بانکی می‌تواند تعداد قابل توجهی از کاربران را به سمت خود جلب کند.

سینمایی که مخاطب دارد، دست‌اندرکار نه!

سینمای کودک و نوجوان امروز در چه جایگاهی است؟

ندا کرمانشاهی

خبرنگار

نیک‌بار، بلکه چندین بار به سینما رفته‌ام و با خانواده به تماشای فیلمی نشستیم که نوستالژیک‌ترین خاطرات بچگی مان را رقم زده است؛ فیلمی که مقایسه آمار فروشش در گیشه نشان می‌دهد در دهه خودش، پرفروش‌ترین فیلم و در تمامی تاریخ سینمای پس از انقلاب، یکی از پرفروش‌ترین‌ها بوده است؛ فیلم سینمایی که شخصیت اصلی‌اش را نه یک ابرقهرمان و سوپرستار، بلکه یک عروسک مهربان و دوست‌داشتنی برعهده داشت. کلاه قرمزی و پسرخاله آن روزها بهترین دوستان بچه‌های دهه شصتی بودند؛ کودکان و نوجوانانی که همه سهم‌شان از برنامه‌های تلویزیونی یک یا دو ساعت بود، به یکبار با عروسکی مواجه شدند که حالا دنیای‌شان را با حرکات و رفتار و قصه‌اش و حتی آواز خواندن‌هایش عوض کرده بود؛ البته کلاه قرمزی ابتدا یک برنامه تلویزیونی بود که پس از آن با ابتکار و خلاقیت سازندگان به سالن‌های سینما راه پیدا کرد، اما استقبال بی‌نظیر خانواده‌های ایرانی در آن زمان نشان داد، سینمای کودک و نوجوان در ایران نیز مانند دیگر کشورهای جهان می‌تواند سینمایی موفق و حتی پرپوز در گیشه باشد.

شکوفایی سینمای کودک و نوجوان

البته کلاه قرمزی و پسرخاله تنها فیلم سینمایی حوزه کودک و نوجوان در سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ نبود، بلکه فیلم‌های دیگری نیز ساخته شدند که آنها نیز توانستند موفقیت زیادی از آن خود کنند؛ از جمله این فیلم‌ها «دزد عروسک‌ها» بود؛ سریالی با بازی «اکبر عبدی» و «آریتا حاجیان» که در سال‌های آخر دهه ۶۰ ساخته شد. «گلنار» نیز نام فیلم دیگری

بود که پیش از دزد عروسک‌ها و در سال ۱۳۶۷ ساخته شد و در خاطر بسیاری از کودکان دیروز به ویژه دختران آن روزها باقی ماند. «مریم و میتیل» نیز نام محصولی در دهه ۷۰ است که توانست در گیشه موفق باشد. «الو الو من جوجوم» و «گریه آوازخوان» و «خواهران غریب» از جمله فیلم‌های سینمایی در حوزه کودک و نوجوان بودند که توانستند خاطرات کودکی و نوجوانی نسل دهه شصتی را رقم بزنند.

افول یک مسیر در دهه ۸۰ و ۹۰

اما متأسفانه در دهه‌های بعد به ویژه در دهه ۸۰ و ۹۰ با وجود همه پیشرفت‌هایی که در حوزه سینما صورت گرفته، کارهایی جدی در حوزه کودک و نوجوان انجام نمی‌گیرد و اگر هم انجام می‌شود،

آفت‌زد تعداد کم است که واقعاً به چشم نمی‌آید. این در حالی است که هنوز هم نسل کودک و نوجوان با وجود تمامی امکانات اینترنتی و مجازی از رفتن و نشستن در سالن سینما در کنار خانواده‌هایشان لذت می‌برند؛ فقط کافی است تا به رقم و آمار فروش فیلم‌هایی که برای مخاطب کودک و نوجوان ساخته شده است، نگاهی کوتاه داشته باشیم، تا به موفقیت این دسته از فیلم‌ها پی ببریم. برای نمونه، در سال ۱۳۹۵ فیلم سینمایی «قهرمانان کوچک» به کارگردانی حسین قناعت ساخته شد، فیلمی در رابطه با موضوع روز، یعنی خرید کالاها داخلی. این فیلم آنچنان با استقبال مواجه شد که پس از آن تیم سازنده‌اش، سریالی با همین موضوع و با نام «شش قهرمان و نصفی» را برای شبکه ۵ سیما و ایام نوروز ۱۳۹۸ آماده کردند. «اختاپوس»



یا «آهوی پیشونی سفید» نیز فیلمی به تهیه‌کنندگی مسعود اطیابی و نویسندگی و کارگردانی سیدجواد هاشمی است. این فیلم در تاریخ ۱۹ مهر ۱۳۹۱ اکران شد و مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت، این فیلم نخستین قسمت از چهارگانه اختاپوس است. در دنباله این فیلم، قسمت دوم با نام آهوی پیشونی سفید ۲ در سال ۱۳۹۶ و قسمت سوم با نام آهوی پیشونی سفید ۳ در سال ۱۳۹۷ در سینماهای سراسر کشور اکران شد. «منطقه پرواز ممنوع» نیز فیلمی دیگری در حوزه کودک و نوجوان است که در سال گذشته اکران شد و آن نیز مورد استقبال بسیار زیاد خانواده‌ها قرار گرفت.

راهی که پایمرد می‌طلبد

نگاهی گذرا به سینمای کودک و نوجوان، نشان می‌دهد فیلم‌هایی که نه فقط درباره کودک و نوجوان بلکه برای مخاطبان این رده سنی ساخته می‌شود، نه تنها در گیشه بسیار موفق است، بلکه می‌تواند ماندگار شده و تأثیرهای تربیتی و اخلاقی زیادی را به همراه داشته باشد. نباید فراموش کرد که تولید فیلم و سریال اگر برای مخاطبان این رده سنی مهم‌تر از دیگر سنین نباشد، کمتر از آن نیز اهمیت ندارد؛ این در حالی است که متأسفانه به جز معدود سازندگان، بقیه تولیدکنندگان سریال و فیلم‌های سینمایی نگاهی ویژه به این حوزه ندارند و گاهی حتی می‌ترسند در این وادی قدم بگذارند. با این حال این وظیفه متولیان این حوزه از آموزش و پرورش گرفته تا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که تولید آثار سینمایی و سریال برای این رده سنی را جدی بگیرند تا نسل جدید را از اسطوره‌سازی‌های پوچ دنیای انیمیشن‌های غرب، دور کرده و به واقعیت‌های سبک زندگی ایرانی-اسلامی نزدیک کنند.

برداشت

هنرمندی که سلبریتی نیست



نسیم اسپور
دبیر گروه فرهنگ

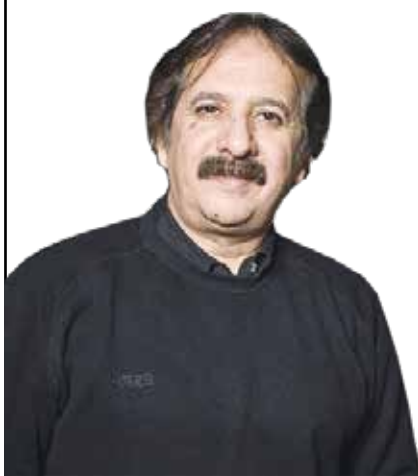
نام «مجید مجیدی» برای مان آشناست؛ کارگردانی که شاید بسیاری از ما، اولین بار نامش را بر روی درس «بچه‌های آسمان»، یکی از دروس ادبیات مقطع دبیرستان دیده‌ایم؛ اما قطعاً آشنایی بسیاری از ما تنها به همین نام و درس ختم نمی‌شود، بسیاری مان حتی اگر سینمادوست هم نبوده باشیم، بچه‌های آسمان را دیده‌ایم؛ فیلمی که بسیاری زیبا توانسته بود بخشی از زندگی دو نوجوان از طبقه محروم جامعه را مد نظر قرار دهد و به این بهانه ارزش‌های اخلاقی و ذات پاک بچه‌ها را به تصویر بکشد.

از ساخت بچه‌های آسمان حدود ۲۵ سال می‌گذرد و در همه این مدت مجید مجیدی ثابت کرده است که دغدغه اصلی‌اش، فرهنگ بومی مردم کشورش است. سال گذشته مجیدی با ساخت فیلم «خورشید» بار دیگر توانست بیش از گذشته بدرخشد و ثابت کند که هنوز نسل جوان راه‌های نرفته بسیاری دارند تا در مقابلش شاکردی کنند. مجید مجیدی در نشست خبری فیلم «خورشید» در هفتادوهمین جشنواره فیلم ونیز، در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا با نشان دادن حقایق سیاسی و بحث کودکان کار در فیلم‌تان با مشکلاتی روبه‌رو شده‌اید؟ گفته بود: «این یک مسئله جهانی است و مختص به کشور خاص نیست، اما آسیب‌هایی که برخی کشورهای خاورمیانه به سبب جنگ‌افروزی‌ها دیده‌اند بیشتر است. ما اکنون

۴۰ سال است تحت تحریم‌های آمریکا هستیم و همین الان که در حال صحبت با شما هستیم و در این شرایط کرونایی که یک درد مشترک جهانی است، یکی از مشکلات ما وارد نشدن دارو به ایران به دلیل تحریم‌های آمریکاست.»

البته این اولین بار نیست که مجیدی با صراحت از اعتقادات و ارزش‌هایش دفاع می‌کند، او پس از گرفتن جایزه جشنواره بین‌المللی فیلم برلین برای فیلم «آواز گنجشک‌ها» در سال ۱۳۸۶، با صدور بیانیه‌ای به جسارت عبدالکریم سروش به مقام پیامبر مهربانی انتقاد کرد و از تمام کسانی که در مقابل این اظهارات سکوت کرده بودند، گلایه کرد. اینها نمونه‌های کوچکی از اصالت و پابندی یک هنرمند صاحب نام است که در این روزگار سلبریتی‌بازی و سلبریتی‌سالاری،

ثابت می‌کند می‌توان در عین منتقد بودن، به اصالت خود هم پشت پانزد.



نمایش

محشر

تئاتری برای اربعین



نمایش بزرگ «محشر» چند شبی است که اجرایش را در پارکینگ پارک ارم تهران آغاز کرده و قرار است به مدت بیست شب در دو سانس اجرا داشته باشد. این نمایش طرحی از مؤسسه محرم است و مؤسسه مهنا که پیشتر نیز نمایش‌هایی چون «شب آفتابی»، «ستاره صبح» و «فصل شیدایی» را تدارک دیده بود، آن را ترتیب داده است. این نمایش به سفارش سازمان هنری رسانه‌ای «اوج» با مشارکت شرکت ارم سبز که وابسته به بنیاد مستضعفان است و تهیه‌کنندگی آن را «علیرضا کوهفر» و کارگردانی آن را «صادق فتاحی» به عهده دارند.

نماهنگ

آروم خیالم

زمزم‌های عاشقانه با امام حسین (ع)

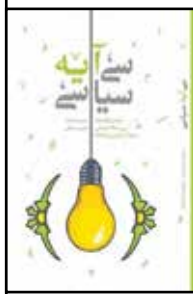


نماهنگ «آروم خیالم» گفت‌وگویی به زبان شعر و موسیقی با حضرت عشق، حسین بن علی (ع) است با صدای «حامد علیزاده» و کارگردانی «محسن کاسه‌ساز» ساخته و منتشر شده است. همچنین سیدحمیدرضا قریشی مجری طرح این پروژه بوده است. این نماهنگ به اهتمام سازمان بسیج مستضعفان سپاه محمد رسول‌الله (ص) تهران بزرگ در وزارتخانه‌ها و ادارات و با همکاری انجمن ناشنویان کشورمان تهیه و تولید شده است. گفتنی است؛ خیالم آروم هم‌زمان با هشتم مهرماه روز جهانی ناشنویان و با در نظر گرفتن مخاطبان ناشنوا منتشر شده است.

کتاب

سی‌آیه

پاسخگویی به شبهات سیاسی



«سی‌آیه سیاسی»، کتابی برای پاسخ به شبهات سیاسی روز جامعه است که انتشارات ۹ دی آن را منتشر کرد. بر اساس این گزارش، کتاب سی‌آیه سیاسی، تلاش دارد با محوریت برخی آیات قرآن و بهره‌گیری از سیره و روایات اهل بیت (ع)، به ویژه بیانات امام امیرالمؤمنین (ع) و همچنین با استناد به بیانات و سیره حضرت امام خمینی (ره) و حضرت امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، به ۳۰ سؤال و شبهه سیاسی روز جامعه پاسخ دهد. «سی‌آیه سیاسی» اولین و تنها کتاب در پاسخ به برخی سوالات و شبهات پیرامون کنش‌های سیاسی-اجتماعی رهبر معظم انقلاب اسلامی در مواجهه با جریان‌های غربگرا است.

یادداشت

جای خالی مستندسازی

«راهیان نور»

حامد حسین عسکری

خبرنگار

دیدار جمعی از رزمندگان دیروز و روایان امروز دفاع مقدس با رهبر معظم انقلاب که در قالب فیلم مستند «غیررسمی» به تازگی از رسانه ملی پخش شد، فرصتی شد تا اهل هنر و ذوق و آنهایی که نگران و دغدغه‌مند انتقال پیام دفاع مقدس به نسل امروز و نسل‌های فردا هستند، یک بار دیگر به اهمیت برنامه‌های فرهنگی اثرگذاری، همچون اردوهای «راهیان نور» فکر کرده و مسیر حرکت بیست و چند ساله راهیان نور را در ذهن‌شان مرور کنند.

جنگ تحمیلی دشمن‌بعثی و متحدان بین‌المللی‌اش که ملت ایران آن را به یک «دفاع مقدس» تبدیل کردند، صرف‌نظر از تلخی‌های ذاتی جنگ مانند تخریب‌ها و از دست رفتن عزیزان، از بُعدی دیگر به یک فرصت فرهنگی و اجتماعی برای مردم ایران تبدیل شد. در واقع از دل تهدید جنگ، فرصت‌های فرهنگی بی‌نظیری، همچون زنده شدن فرهنگ ایثار و شهادت، تقویت روحیه ذلت‌ناپذیری، هم‌پاری و تعاون برای کمک به مردم جنگ‌زده، مشارکت فعالانه و مسئولانه در مسائل و بحران‌های اجتماعی و... بیرون آمد.

حالا بیش از ۳۰ سال از اتمام جنگ تحمیلی می‌گذرد و حدود دو دهه است که اردوهای راهیان نور برای انتقال آن پیام‌های ماندگار به نسل امروز و فردا پا گرفته و در این میان، روایان حاضر در این اردوها که خودشان خاک سنگر خورده‌اند و هم‌نشین شهیدان بوده‌اند، نقش محوری و اساسی در زنده‌یاب‌ها و بانشاط نگه داشتن این حرکت بزرگ فرهنگی دارند. اما مسئله روایتگری دفاع مقدس و اردوها و برنامه‌های مرتبط با آن، یک بعد دیگر هم دارد که نباید از آن غافل شد و آن، مستندسازی اردوهای راهیان نور و دل‌مشغولی‌ها و دغدغه‌های روایان این اردوهاست.

به تعبیر واضح‌تر، اصل حرکت راهیان نور و جلوه‌های آن باید مستندسازی و تصویرگری شده و پیش چشم همه اقشار مردم قرار بگیرد تا هم اثرگذاری و اهمیت آن برای همه روشن باشد و هم خودش به یک عامل محرک و مشوق تبدیل شود. در این میان، جلوه‌های برگزاری اردوها، حال و هوای میهمانان و سؤالات و دغدغه‌هایشان، نقش و فعالیت «روایان» و نوع روایت‌ها، همگی می‌تواند اجزای این مستندنگاری‌ها و مستندسازی‌ها را تشکیل دهد و هم به نوعی این میراث فرهنگی و رسانه‌ای دو دهه اخیر را ثبت و ضبط و ماندگار کند.

«راهیان نور» یک رسانه فرهنگی فراگیر، اثرگذار و کم‌نظیر است که اگر هنرمندانه و در عین حال همراه با اخلاص و بدون اغراق دنبال و اجرا شود، بسیاری فراتر از ده‌ها سخنرانی و برنامه فرهنگی پرخرج و کم‌ثمر می‌تواند در الگوسازی برای نسل جوان و نوجوان ایفای نقش کند. ثبت و ضبط هنرمندانه و کامل و جامع این حرکت فرهنگی نیز از خود آن اهمیت کمتری ندارد و اهل فن و هنر با هدایت پیشکسوتان جهاد و شهادت باید این بار بر زمین مانده را بلند کنند؛ هرچند در این میان، کارهای موفق‌تری هم انجام شده، اما در مقایسه با عظمت راهیان نور و نقش روایتش، کم است.

یادداشت

نان برای جبهه‌ها

حسن مجیدیان

پژوهشگر

نوشتن درباره کتاب شریف «نان سال‌های جنگ»، هم آسان است و هم سخت. آسان از آن نظر که کتاب، روان و سخته دور از پیچیدگی و تفصیل اضافی است و فهمش برای هر دل منصف و آزاده‌ای، ساده و قابل هضم است. داستان این کتاب خطر روشن با نتیجه‌ای معلوم دارد. موضوعش هم آن چنان عجیب و دور از نظر نیست. برای ما که در سپهر انقلاب، معنای حقیقی زن را فهمیدیم و درک کردیم و با دم مسیحیایی امام خمینی بزرگ، تفسیری دیگرگونه از زن بودن و مادر بودن یافتیم، کتاب مبین همان معرفت و شناخت ماست!

سخت از آن رو که چطور و با چه واژگانی قدر و قرب کتاب و عظمت زنان روستای «صدخرو» سبزواری بتوان توصیف و تبیین کرد؟ چگونه باید گفت و نوشت تا قدر این کتاب و منزلت این دست از بانوان این سرزمین و حسن سلیقه‌ای که ناشر در انتخاب سوژه داشته است، دانسته شود؟

کتاب «نان سال‌های جنگ» که نشان‌دهنده گوشه‌ای از مجاهدت‌ها و از جان گذشتگی‌های زنان فهیم و شریف ما و بیان‌کننده شور و شیدایی مردمان ما در مواجهه با جنگی سخت و جگر خراش است، با شیرینی و اختصار پیش روی مخاطبان مشتاق قرار گرفته است.

در صفحات کتاب حتی خاطرات سه خطی یا چهار و پنج خطی هم پیدا می‌شود. همین اختصار، همین موجزگویی، همین سرعت خوانش صفحات، همین پرهیز از فلسفه‌بافی و شعارگرایی، همین از زبان شیرین و ساده زنان روستایی روایت کردن و... از محسنت و امتیازات کتاب است. کتاب به زور چیزی را به ما نقبولانده است؛ بلکه آینه‌وار آن روزهای ناب و آن صفا و مجاهدت‌ها را در گوشه‌ای دور از این آب و خاک روایت کرده است.

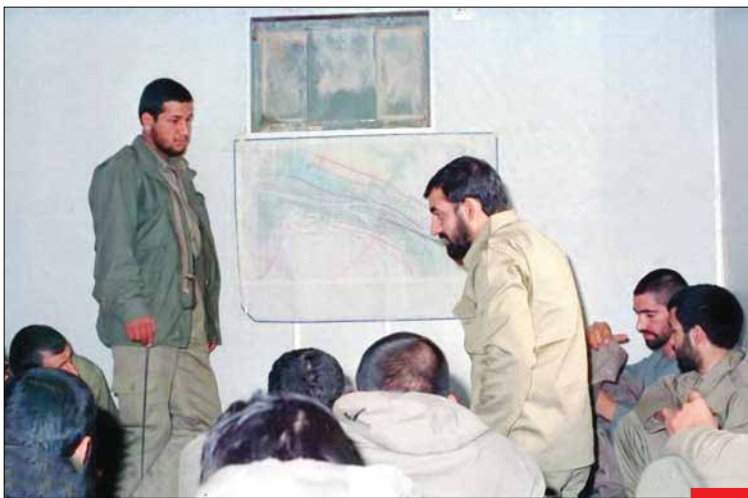
«هیچ وقت به نان‌های جبهه دست نمی‌زدیم، می‌گفتیم اگر برای خودمان برداریم حلال نیست. دو تا نان هم غنیمت است بفرستیم جبهه‌ها». «روز نان پختن همه دستی می‌رساندند. نشد

به کسی رو بیندازم و رویم را زمین بزنند. حتی آنها که با انقلاب میانه‌ای نداشتند می‌آمدند پای کار...». اینها گوشه‌هایی از خاطرات زنان روستای صدخرو سبزواری است. شیرین و خواندنی. پر از تصاویر خوشایند و خواستنی. شرافت، نجابت، بی‌توقعی، سختکوشی، زمان‌شناسی زن‌های روستایی تابلو و نموداری است از علو و عظمت زن مسلمان و انقلابی. البته نقش شوهران شریف این زن‌های مجاهد را هم در لایه زیرین این خاطرات به خوبی می‌توان ملاحظه کرد.

کتاب خنده دارد و گریه. عبرت دارد و سرمشق و یکی از بهترین کتاب‌ها برای معرفی مادران این سرزمین است. در دنیای عجیب و پیچیده و پر از قیل و قال امروزی، که تمدن رو به زوال غربی، زن را به حضیض ابتذال و عفونت کشانده و با هیمنه رسانه‌ای خود به آن ضریب می‌دهد و چشم و دل‌ها را پُر از مرض و سیاهی می‌کند، ما چرا امثال این کتاب را سر دست نگیریم و به دنیا نشان ندهیم؟ چرا ما به این کتاب کم حجم اما پراعتبار و فخر و مباهات نکنیم؟

چند خط درباره به اصطلاح مستند کودتای خزنده بی‌بی‌سی

ظلم به بچه‌های اصیل جنگ



محسن رضایی در کنار شهید حسین اسکندرو از فرماندهان گردان‌های لشکر ۱۰ سیدالشهدا، و از منتقدان روند نظامی جنگ



درباره این جلسه صحبت کنند، اما چنین نشد. «محمدعلی صمدی» پژوهشگر و نویسنده دفاع مقدس، از اولین کسانی بود که در این باره موضوع گرفت و توضیحاتی را ارائه داد.

آنچه در ادامه می‌خوانید، موضعی است که او در برابر این به اصطلاح مستند گرفته است:

«این مستند، محرمانه بودنش یک «قصه» و «فکاهی» است چون من هم این فایل را سال‌هاست دارم و برای کسانی که در کار پژوهش جنگ بوده‌اند موضوعیت داشته است؛ در روند پژوهش جنگ بارها نشستیم و این فایل را گوش داده‌ایم و همفکری کرده‌ایم که صداها برای چه افرادی است؟ و این حرف‌ها برای کدام طیف‌هاست؟

من این فایل را از یکی از بچه‌های رزمنده گرفتم و می‌دانم خودش هم از یک نفر دیگر گرفته است. همان موقع در جایی خواندم که آقای گنجی هم در جایی گفته بود این کاست صوتی به وفور منتشر شده است. اتفاقاً چون کاست بود، خیلی از بچه‌های قدیمی حال نداشتند آن را به فایل تبدیل کنند. یا اینکه اساساً این موضوع

بغداد نصب کنیم. بحث‌شان فنی است اگر چه به نظر من نتوانسته‌اند بحث فنی‌شان را به خوبی مطرح کنند. البته امروز که نگاه می‌کنم نظرم این است.

در وجه سیاسی این نشست، امثال آقای گنجی مباحثی را در جلسه مطرح می‌کنند که بعدها عملکرد این آقا و دوستانش، خط و ربط‌شان را نشان داد. همان موقع هم اینها که بحث‌های سیاسی را قاطی اصل ماجرا کردند، به بچه‌های عملیاتی ظلم کردند. ایراداتی که بچه‌های نظامی به بحث‌های نظامی داشتند و هنوز هم قابل بحث است، زیر سایه بحث‌های سیاسی قرار گرفت.

هنوز هم می‌شود درباره مسائل فنی جنگ بحث کرد. هر کسی حرفی دارد می‌تواند بیاید و بحث کند. در بین قدیمی‌ها و اداره‌کنندگان جنگ هم هر کسی می‌تواند بیاید و جواب بدهد. مثل اینکه بگویم در این مقطع از جنگ باید کار دیگری می‌شد یا در فلان جا، نباید آن کار می‌شد.

البته در این موارد صحبت‌های زیادی قبل از این انجام شده و همچنان هم می‌توان این حرف‌ها را زد و مسائل جنگ را بررسی کرد؛ اما بخش سیاسی که مسائل غیر عملیاتی در آن مطرح می‌شود، به اصل موضوع ضربه زده است. یادمان باشد این جلسه در زمانی تشکیل شده که چهل روز به عملیات بدر مانده است؛ یعنی آقای محسن رضایی بعد از این جلسه، مستقیم به منطقه می‌رود تا مقدمات بزرگ‌ترین عملیات سالانه‌مان را در سال ۱۳۶۳ آماده اجرا کند.

آوردن مسائل سیاسی، همان موقع هم ظلم به بچه‌های رزمنده و ظلم به افرادی بود که انتقادات عملکردی و نظامی داشتند. کاری که بی‌بی‌سی امروز انجام داده است، در همان مسیر است. همان موقع از بستر اعتراضات نظامی تعدادی از بچه‌های استخوان‌خرد کرده جنگ، سوءاستفاده کردند و حرف‌هایی را زدند که مطالب نظامی به سختی شنیده شد. بی‌بی‌سی هم امروز در همان خط حرکت می‌کند.

از اسم این مستند بی‌بی‌سی هم مشخص است. این همه بحث نظامی در این جلسه مطرح شده است؛ ربطش به «کودتای خزنده» چیست؟ یکی هم آمده و این حرف را زده است. از نوع رفتار بی‌بی‌سی هم معلوم است که به بچه‌هایی که حرف‌شان اصلاح مسیر جنگ بوده، ظلم کرده است.

همین که با عینک و نگاه امروز، مسئله ۳۶ سال قبل را به میان آورده تا سوء استفاده کند، ظلم است. همان ظلمی که آن موقع شد، امروز هم می‌شود و کسانی که مظلومند، همان‌هایی هستند که نیت‌شان اصلاح بوده و می‌خواستند روند جنگ را به مسیر بهتری هدایت کنند.»

قاب

عکس پدرتان را بالاتر بگیرید

صفت‌تان را مرتب کنید. عکس پدرتان را بالاتر بگیرید. همه دارند نگاه‌مان می‌کنند. باید نمونه باشیم. روزگار مثل برق می‌گذرد و باید جای پدرهای مان را پر کنیم. چیزی نمانده به روزهایی که سلاح پدران مان را برداریم و بزنیم به دل دشمن... صفت‌تان را مرتب کنید... گل‌ها را بالا بگیرید...



خاطره

هر دو چشمم فدای حسین (ع)

در عرض دو سال داغ دو جوان دیدم. علیرضا متولد ۱۳۳۹ بود و چهار سال از حمیدرضا بزرگ‌تر بود. علیرضا آدم عجیبی بود. یکبار دارویی را اشتباه خورد و حالش بد شد. به دکتر رفتم، و حالش خیلی بد بود، طوری که انگار نفس‌های آخر را می‌کشید. علیرضا به من گفت: دلم نمی‌خواهد اینطوری از دنیا بروم، دوست دارم شهید بشوم! من متقلب شدم و دستمان را بالا بردم و گفتم: خدا! بچه‌ام را شفا بده و شهید راه خودت کن! به بیمارستان نرسیده حالش خوب شد. حمیدرضا چشمانش خیلی ضعیف بود و همیشه باید عینک می‌زد. به همین دلیل نگرانش بودم. یکبار اصرار زیادی کردم که از جبهه رفتن منصرف شود. عینک را برداشت و دستش را مشت کرد و روی چشمانش گذاشت و گفت: «هر دو چشمم فدای حسین»؛ انگار همانجا نذرش قبول شد و به گونه‌ای به شهادت رسید که از چشمانش چیزی باقی نماند. راوی: زهرا جمالی، مادر شهیدان حمیدرضا و علیرضا ابراندوست



تازه‌ها

برسد به دست امام

در دهه ۶۰، عشق به امام خمینی (ره) گاهی آنقدر شور جوانان و نوجوانان را برمی‌انگیخت که دست به قلم و کاغذ می‌شدند تا برای رهبرشان نامه بنویسند. حالا تعدادی از این نامه‌ها که در مرکز اسناد انقلاب اسلامی بوده، به همت «محسن دریالعل» گردآوری و تنظیم شده و انتشارات روایت فتح آن را در قالب کتاب «برسد به دست امام» منتشر کرده است. این کتاب همین چند روز پیش در هفته دفاع مقدس به همراه شش کتاب دیگر از این انتشارات رونمایی شد. درج تصویر اصل نامه‌ها در کنار متن‌هایی که اصلاح شده و همه تغییرات در داخل کروشه گذاشته شده، این کتاب را چشم‌نواز و خواندنی کرده است.



در آیین تجلیل از جانبازان نمایندگی ولی فقیه در سپاه عنوان شد

عقب راندن دشمن با قدرت درونی

همزمان با هفته دفاع مقدس، آیین تجلیل از برخی جانبازان درصد بالای نمایندگی ولی فقیه در سپاه با حضور حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجی صادقی در فضای باز و با رعایت پروتکل های بهداشتی برگزار شد.



به گزارش خبرنگار صبح صادق، حجت الاسلام والمسلمین حاجی صادقی، نماینده ولی فقیه در سپاه در این مراسم با بیان اینکه انقلاب اسلامی طی چهار دهه گذشته فراز و نشیب داشته، اما هیچ گاه متوقف نشده است، گفت: «گویا در این چهل سال اراده خداوند متعال بر این قرار گرفته که صحنه های مختلفی شکل بگیرد تا انقلاب اسلامی غریب شود. تقابل انقلاب اسلامی با استکبار پایان ندارد؛ ماهیت نزاع حق و باطل پایان ناپذیر است.» نماینده ولی فقیه در سپاه بهره گیری از گفتمان انقلاب و ولایت را عامل عزت و سربلندی ملت و شکست سناریوهای خصمانه دشمنان توصیف و تصریح کرد: «بر اساس مبانی و آموزه های

قرآنی اگر قوی باشیم دشمن عقب می رود؛ امروز دوست و دشمن بر اینکه جبهه استکبار در جنگ عقلانیت از رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) شکست خورده است، اذعان دارند.» همچنین در این مراسم سردار دکتر یدالله جوانی، معاون سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه با بیان اینکه اتصال به مکتب عاشورا ملت ایران را ملتی آزاده و شکست ناپذیر کرده است، گفت: «امروز دشمنان پس از به کارگیری تمامی ابزار و روش ها به خصوص تحریف سعی در تغییر باورها، اعتقادات و ایجاد یأس و ناامیدی در جامعه به ویژه میان جوانان دارند که با شناخت اهداف راهبردی دشمن از جریان تحریف، می توان با آن مقابله کرد.»

گزارش صبح صادق از برگزاری دومین مراسم یادها و نامها در چهل سالگی دفاع مقدس

امام معمار قلب های مستحکم و نفوذناپذیر بود

زهرا جودکی

خبرنگار

هفتم مهرماه همزمان با چهلین سالگرد گرامیداشت دفاع مقدس، دومین مراسم «یادها و نامها» با حضور جمعی از فرماندهان ارشد سپاه و نیروهای مسلح و مسئولان کشوری و لشکری و خانواده معظم شهدا در موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس تهران برگزار شد. در این مراسم از ۱۶۰ اثر تولید شده در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس رونمایی شد که چهل اثر تحقیقاتی و ۱۲۰ اثر اسنادی بود.



♦ نام ایران را با نام رهبرش می شناسند

فرمانده کل سپاه در این مراسم گفت: «امروز اندیشه های رهبر معظم انقلاب اسلامی باعث شکست طرح های دشمنان شده و نگذاشته دشمن اهداف سیاسی خود را در جهان اسلام دنبال کند.» سردار حسین سلامی، فرمانده کل سپاه با بیان اینکه سینه های فرماندهان دفاع مقدس گنجینه های تمام نشدنی از تاریخ بشر و تاریخ اسلام بعد از عاشورا است، گفت: «فرماندهان ما در دفاع مقدس مانند رزمندگان بودند و تفاوتی بین خود و دیگران قائل نبودند؛ آنها رمز حیات و جاودانگی انقلاب اسلامی ایران شدند.» وی با اشاره به مجاهدت های رزمندگان در دفاع مقدس، اظهار داشت: «جنگ دقیق ترین معادله بشر است که همه چیز را در آن در نظر می گیرند، زیرا جنگ با حیات ملت ها سروکار دارد، کسی در جنگ غلبه می کند که قوی تر است؛ اما شگفتی جنگ ما این است که وقتی جنگی گسترده و جهانی بر ما تحمیل شد، ملت ما به صورت شگفت انگیز در این جنگ پیروز شدند، رمز پیروزی ملت ما در دفاع مقدس امامت است. او عقبه جنگ و دشمن را می شناخت و می دانست؛ این جنگ در جبهه مقابل پشتیبانی جهانی دارد؛ چرا که همه امپراتورهای بی نظیر جهان در مقابل ما دست در دست هم داده بودند.» سرلشکر سلامی، جنگ تحمیلی را بعد از عاشورا نابرابرترین جنگ

جهان دانست و گفت: «امام (ره) معادلات جنگ را تغییر داد و شهادت را راهی مردانه برای همه ملت کرد و جنگ را از سطح نیروهای مسلح به تمامی جامعه گسترش داد.» وی با بیان اینکه امام (ره) به ملت ما آموخت که ترسیم، اظهار داشت: «او معمار قلب های مستحکم و نفوذناپذیر بود، او آیات الهی را تفسیر می کرد و راز پیروزی را به ما آموخت در حالی که بنا بر معادلات رایج باید ما شکست می خوردیم، اما استقامت امام (ره) و تدبیر او ملت ما را یک دل کرد و ما را از جنگ پیروز بیرون آورد.» سردار سلامی با بیان اینکه جنگ تمام شد، اما دشمنی ها تمام نشد، گفت: «بعد از امام خمینی (ره) رهبر معظم انقلاب بود که با اندیشه و تدبیر ایشان دشمن را تعقیب کردیم و نگذاشتیم دشمن اهداف سیاسی خود را در جهان اسلام دنبال کند.» فرمانده کل سپاه گفت: «دفاع مقدس گسترش یافت و جوانان جهان اسلام مقاومت را از دفاع مقدس ما فراگرفتند و راه ایستادگی و مقاومت را در پیش گرفتند که این مقاومت معادلات دشمن را در منطقه و جهان برهم زد.» سرلشکر سلامی با اشاره به تحریم های همه جانبه علیه کشورمان گفت: «نام ایران را به نام رهبرش می شناسند، رهبری که راز پیروزی در مقابل بالاترین اقدامات متخاصمانه را می داند.» وی در پایان تصریح کرد: «در دنیای

امروز یا باید ذلیل و ضعیف و تابع بود و یا مقتدر و مستقل، جز این دو مسیر راهی نیست، استقلال و کرامت هزینه ها دارد و دست یافتن به آن بدون ایستادگی میسر نیست.»

♦ خالقان مانع تحریف

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حاجی صادقی دیگر سخنران این همایش بود. وی گفت: «جنگی که آمده بود تا انقلاب را نابود کند، عامل بقای آن شد. الهی بودن دفاع مقدس عامل بقای آن شد. فرهنگ دفاع مقدس جهت دهنده آن است. جنگ ما با استکبار پایان ندارد، پس دفاع ما نیز پایان ندارد.» نماینده ولی فقیه در سپاه افزود: «ما وارثان دفاع مقدس نباید اجازه دهیم فرهنگ و اصول حاکم آن دستخوش تحریف و فراموشی یا تغییر شود.» وی افزود: «با اصول ولایت مداری، ایثار و فداکاری است که می توانیم آن را حفظ کنیم؛ با جهاد اکبر می توانیم ارزش های آن را حفظ کنیم. خاطر ا دفاع مقدس مانند قصص قرآن عبرت آموز است و غلبه حق علیه باطل، ایستادگی و جهاد در راه خداست.» نماینده ولی فقیه در سپاه خطاب به فرماندهان با بیان اینکه رسالت و مأموریت شما که دفاع مقدس را خلق کرده اید حفظ آن است، خاطر نشان کرد: «اصول و مبانی عقیده های فکری که دفاع مقدس را خلق کرد نباید گرفتار انحراف

شود. امروز هم لازم است که رسالت خود را در روایتگری صحیح انجام بدهید و مانع تحریف شده و عامل بقای این فرهنگ شوید تا نسل امروز در میدان جدید سنگر نشینان شایسته ای باشند.»

♦ هر هفته یک رونمایی

سردار علی محمد نائینی نیز در ابتدای این برنامه با بیان اینکه این مراسم در ادامه برنامه سال گذشته با عنوان «نامها و یادها» و در چهل سالگی دفاع مقدس برگزار شده است، اظهار داشت: «هدف اصلی نشست امروز این است که به بهانه هفته دفاع مقدس جمعی از فرماندهان، پیشکسوتان و حماسه آفرینان دفاع مقدس گرد هم آیند و یاد آن دوران پرافتخار را زنده سازند؛ از فرماندهان شهید عزیزی که به تعبیر مقام معظم رهبری «قهرمانان ملی» بودند، یادی به میان آید؛ از خانواده های محترم سرداران شهید، این قهرمانان صبر و مقاومت، تکریم و تعظیمی به عمل آید و سرانجام، از فرماندهان عزیزی تقدیر گردد که با اهتمام به اجرای تاریخ شفاهی در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، به ارتقای سرمایه تاریخ جنگ یاری نموده اند.» رئیس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس افزود: «در مراسم حاضر ۴۰ تن از فرماندهان دوران دفاع مقدس که در یک سال اخیر تاریخ شفاهی آنها آغاز شده و یا به پایان رسیده، تجلیل خواهند شد.» وی در ادامه توضیحات خود درباره کتاب های تازه منتشر شده اظهار داشت: «برای معرفی هر یک از آثار جدید مرکز، بنا بر این است که از هفته آینده «هر هفته یک اثر» رونمایی شود.» وی در خاتمه از تولید و انتشار مجدد فصلنامه «نگین» خبر داد و گفت: «فصلنامه نگین با رویکردی جدید در شکل و محتوای پژوهشی مجدداً منتشر خواهد شد.»

♦ سردار اسدی چهره سال شد

در دومین مراسم یادها و نامها از «سردار محمد جعفر اسدی» تقدیر ویژه شد. در این مراسم سردار سلامی با ارائه لوحی از مجاهدت های سردار «محمد جعفر اسدی» فرمانده اسبق نیروی زمینی سپاه تجلیل کرد. تقدیر شده ویژه اولین مراسم یادها و نامها در هفته دفاع مقدس سال گذشته نیز «سردار علی فضل» بود.

۱۵

پاسدار

شماره ۱۹۷۰ | دوشنبه ۱۴ مهر ۱۳۹۹

صداقت

روی خط

پیگیر پرداخت حقوق قانونی پاسداران و نیروهای مسلح باشید

۰۹۱۴۰۰۰۱۰۳۰ / ایران عزیز ما پس از چند دهه با کمبود نیروی جوان مواجه می شود، مسئولان به فکر هزینه های سنگین نابرووری باشند. «صدقی» از آذربایجان

۰۹۱۸۰۰۰۲۸۷۲ / با توجه به شرایط اقتصاد فعلی چرا شارژ حکمت کارت افزایش نمی یابد و قیمت لوازم خانگی و خوراکی بیشتر از فروشگاه های دیگر است؟

۰۹۳۰۰۰۰۷۲۲۷ / از اهالی سوسنگرد استان خوزستان هستم، می توانم برای تان مطالبی بفرستم؟

صبح صادق: شما می توانید مطالب خود را از طریق کانال های مندرج در صفحه آخر ارسال کنید.

۰۹۱۳۰۰۰۸۳۰۷ / چرا مدرک کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور کارکنانی که در حین خدمت ادامه تحصیل داده اند اعمال نمی شود؟

۰۹۱۱۰۰۰۳۲۹۵ / چرا پروژه مسکن دورتر از محل کار و زندگی طراحی می شود و باعث مشکلات زیادی می شود. ۰۹۱۴۰۰۰۱۹۵۷ / پیگیری فرمایید چرا در اعمال ارشدیت های تحصیلی اما و اگر می آورند؟ چندین سال است که این قانون اجرا می شود و ما مدارک هم داده ایم، اما اعمال نمی شود.

۰۹۹۰۰۰۰۷۳۳۸ / چرا طرح امام حسن (ع) مربوط به منطقه نازعات (نیروی دریایی سپاه) اجرا نمی شود؟ از طرح فوق فقط ۳۰ ماه ارشدیت می دهند؛ در حالی که این طرح بندهای زیادی دارد که هیچ خبری از آنها نیست.

۰۹۳۵۰۰۰۵۹۵۱ / چرا حقوق نیروهای مسلح به ویژه سپاه حدود ۳۰ درصد از میزان قانونی آن کمتر است؟! برخلاف قانون که نیروهای مسلح را ۲۴ ساعته در اختیار سازمان تلقی کرده و پرداخت حقوقش را ۲۰ درصد بالاتر از حقوق کارکنان کشوری می داند.

۰۹۱۸۰۰۰۴۶۳۳ / چرا کسی که چند سال بیمه تأمین اجتماعی دارد، برای نیروهای مسلح حساب نمی کنند؟

صبح صادق: پاسخ این پرسش از سوی سنا تا اخذ شده و در شماره بعد درج خواهد شد.

۰۹۳۸۰۰۰۳۹۹۱ / ناحیه گنبد یک ساختمان قدیمی و کوچک است. از آن جایی که خود ناحیه درآمد دارد، تعجب می کنم که چرا هنوز نسبت به بازسازی یا انتقال محل ناحیه اقدام نمی شود؟! ۰۹۱۸۰۰۰۲۳۳۸ / ابلاغیه ستاد کل برای امتیازات و تشویقات فرزندان سوم به بالا کی اجرایی می شود؟

۰۹۱۵۰۰۰۲۷۷۱ / چرا بیسن افرادی که فرزندشان سال ۱۳۹۸ به دنیا آمده با سال ۱۳۹۹ تفاوت وجود دارد؟ مگر تولد فرزند هم به دلار است؟! ۰۹۱۶۰۰۰۶۲۱۰ / چرا نیروی زمینی ابلاغیه بازنشستگی ۲۵ سال را ابلاغ نمی کند؟

۰۹۹۱۰۰۰۷۷۱۹ / چرا ایثارگری تا سال ۱۳۹۰ اعمال شده از آن به بعد اعمال نشده است؟ ۰۹۱۳۰۰۰۸۹۴۰ / فکری به حال کسانی بکنید که به خاطر کرونا دوره عالی رسته ای برگزار نمی شود و موعد ترخیصشان گذشته و حق شان دارد ضایع می شود.

۰۹۱۹۰۰۰۵۹۴۰ / اگر پاداش بازنشستگی قانونی است، چرا پاداش بازنشستگی که باید چند سال پیش پرداخت می شد هنوز ندادند؟

۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳ استان را از طریق سامانه یا کتبی منتقل کنید. ارسال مطالب در میان نگذارید.

داستان

نذر

نقیسه محمدی

دبیر گروه جوان

خستگی هایش را پشت در گذاشت و وارد خانه شد.

نمی دانست خوشحال باشد یا ناراحت! بالاخره بعد از چهار روز دزد را گرفته بودند و دلش قرص شده بود؛ بخشی از طلاها امانت مادرش بودند و مانده بود به مادر چه بگوید؛ نمی دانست با احساس گناه فرزانه که خودش را مقصر می دانست برای اینکه در را قفل نکرده بود چه کند.

دزد، دو انگوی کوچک نازنین، دخترش را هم برده بود و از همه بیشتر ترس و دلهره در دل دختر شش ساله اش جاخوش کرده بود تا آن لحظه که مغازه را بست و خودش را دوان دوان به کلاتری رساند، انگار باری از روی دوشش برداشته بودند. اما حالا که تا کلاتری رفته بود، چیزهایی می دانست که بیشتر آزرده اش می کردند. دزد اگر چه در دستان قانون بود؛ اما امیر بیشتر از خوشحال شدن غصه دار شده بود.

مرد ضعیف و لاغری که انگار مدت ها بود لب به غذا نزده، سرش را پایین انداخته بود و با دزد های بین سر امیک بازی می کرد. امیر می خواست به جبران این چهارشب که نازنین کابوس می دید، دلی از عزا در بیاورد و دزد را زیر مشت و لگد بگیرد، اما...

روی صندلی، روبه روی رئیس کلاتری نشست. سربازی آمد و دزد بیچاره را به بازداشتگاه برگرداند.

آقای نوروزی، این بنده خدا که دیدی دزد خونه شما بود، ما نگر فتمش، خودش اوید آدرس داد، طلاها رو هم غیر از یه انگشتر برگردوند، سابقه دار نیست، سه تا بچه داره، مستأجره، آدم...

لاغر اندام مرد که هم اسم خودش بود و حالا دیگر دلش نمی خواست دزد صدایش کند، از جلوی چشمش کنار نمی رفت.

دلش به درد آمده بود از اینکه مردی را شرمند و سربیز می دید. رضایت داد و بعد از صورت جلسه طلاها را تحویل گرفت؛ اما چیزی ته قلبش فرو ریخته بود.

احساس امنیت و آرامش نداشت. خودش هم این روزها را تجربه کرده بود. روزهای نداری و سختی! همان روزها که با فرزانه نذر کرده بودند اگر وضعیتشان بهتر شد و کارشان رونق گرفت، دستی زیر بال و پر دیگران بگیرند، ولی...

طلاها را تحویل فرزانده داد. ذوق و شوق نازنین، دوباره خانه را گرم کرد.

داستان عجیب و غریب دزدی ذهن زن و شوهر را به خود مشغول کرده بود. برای فردا کارشان زیاد بود. آدرس امیر را که با نداری و فقر هنوز وجدانی بیدار داشت، از پاسگاه گرفته بودند، قرار بود با فرزانه بروند و نذرشان را ادا کنند.

صبحانه

آینده روشن است

باید ترک کنی هر آنچه مقابل آرامش روحی و روانی تو ایستاده و دست و پای رهایی ات را بسته؛ باید از آنچه تو را به تشویش می اندازد فاصله بگیری، زیرا در نتیجه ای که برای تو به ارمغان می آورد، کسی جز خودت را نباید سرزنش کنی. خودت را از دغدغه های بدون سودرها کن، قلبت را با توکل و توسل پیوند بزن و تا آینده ای دور و روشن استوار قدم بردار.

تلخند

کارتونیست: نیل نورالدین از لبنان



ترامپ و کرونا /

صادقانه

به سوی خدا

قال الصادق (ع): أَلْمَمَوْضُ أَمْرَةَ إِلَى اللَّهِ، فِي رَاةِ الْأَيْدِ وَالْعَيْشِ الدَّائِمِ الرَّغْدِ وَالْمَمَوْضُ حَقًّا هُوَ الْعَالِي عَن كُلِّ هَمَّةٍ دُونَ اللَّهِ تَعَالَى؛ امام صادق (ع) می فرمایند: کسی که کارهای خود را به خدا بسپارد، همواره از آسایش و خیر و برکت در زندگی برخوردار است و آگذراننده حقیقی کارها به خدا، کسی است که تمام همتش تنها به سوی خدا باشد.

قبیله عشق

آرامش دل



در سالروز میلاد پربکت امام حسن عسکری (ع)، در جوار شهدا بود که خطبه محرمیت مان خوانده شد. حال و هوای بهشتی بهشت شهدا، حال و هوای مان را عوض کرده بود. هر چه بود آرامش بود و آرامش. با هم عهد بستیم همراه و کمک حال هم باشیم برای رسیدن به خدا و رضایت او! این روز مصادف بود با سالروز تولد قمری شهید مدافع حرم، رسول خلیلی! ارادت هر دوی ما به این شهید بزرگوار، شیرینی این روز را برای مان دوچندان و به یادماندنی تر کرد. روز قبل از محرمیت آمده بود بهشت شهدا و شهدا را برای مراسم دعوت کرده بود. می گفت حتی شهدای شهرستانی را هم دعوت کرده ام. به قول خودش آن لحظات بین زمین و آسمان ترافیک شده است. نوید سر سفره عقد، نیت کرد و قرآن را باز کرد تا هر صفحه ای که آمد باهم بخوانیم؛ آیه اول صفحه را که دید، لبخند زد و با آرامش نگاه کرد، چشمانش از شوق برق می زد، آیه ۲۳ سوره احزاب دلش را آرام کرده بود. به نقل از همسر شهید نوید صفری

نوید صفری در تاریخ ۱۶ تیر ۱۳۶۵ در استان تهران دیده به جهان گشود. برای دفاع از حرم حضرت زینب (س) راهی سفر سوریه شد و به مقام شهادت نائل آمد. نوید متأهل و تازه داماد بود. او که برای انجام مأموریت سه ماهه به سوریه اعزام شده بود، پس از پایان مأموریت به درخواست خودش و با اجازه فرماندهان به دیرالزور البوکمال اعزام شد و در نبرد با تروریست های دانش در شهر البوکمال زخمی شد و به اسارت تروریست ها درآمد. مدت ها خبری از وی نبود تا اینکه با آزادی کامل شهر البوکمال از لوث تروریست های تکفیری پیکر مطهرش شناسایی شد. نوید همچون سالار و سرور شهیدان، مظلومانه به شهادت رسیده و سر از پیکرش جدا شده بود.

فاطمه سادات طلائی

راه نرفته

هم صحبتی

مدیقه سادات شجاعی

مشاور خانواده



پرسش: هشت سال است که ازدواج کرده ام، در جمع آدم گرمی هستم و اهل معاشرت ام، اما همسر در جمع حتی خانه پدر و مادرش هم خیلی آرام و کم صحبت است. هر موقع هم از او می خواهند صحبت کنند، حرفی برای گفتن ندارد. البته در موقع تدریس رفت و آمد با دوستان، خیلی خوش سرو زبان است، اما در بین خانواده و فامیل منزوی است. نمی دانم چه کاری انجام بدهم که وجهه او به عنوان یک شخص گوشه گیر تغییر نکند!؟

پاسخ: پرسشگر عزیز! همه انسان ها ویژگی های شخصیتی گوناگونی دارند که در موقعیت های یکسان رفتار های متفاوتی از خود بروز می دهند؛ مانند درونگری و برونگری ای. با توجه به توضیحات شما همسرتان فرد درون گرا و شما برونگرا هستید. می توانید به او کمک کنید تا این بخش خود را فعال تر کند. لازم است زوجین به تفاوت های احساسی و شخصیتی یکدیگر واقف باشند و در بروز هیجانات و احساسات به یکدیگر بیش از حد خرده نگیرند. به همسرتان کمی فرصت دهید. درباره موضوعاتی که احتمال می دهید در خانواده مطرح شود، با همسرتان صحبت کنید و نظر وی را جویا شوید. در زمینه مدت زمان حضور در جمع با همسرتان به توافق برسید؛ به گونه ای که هیچ یک احساس خستگی نکنید. انتظار تغییرات اساسی از همسرتان نداشته باشید؛ چون در هر صورت او درونگر است. بفهمید همسرتان چه علایقی دارد و در آن مورد بحثی را در خانواده مطرح کنید. انتخاب زمان مناسب برای صحبت با همسرتان را جویا بگیرید. بهتر است به حالت ذهنی توجه کنیم که افراد درونگرا با فکر کردن مسائل را تحلیل و سپس بیان می کنند. برای دیدار و حضور در جمع خانواده بر نامه ریزی داشته باشید. شرایط و بستر مناسب برای حضور در جمع را فراهم کنید. از او در جمع نظر خواهی کنید. متفاوت بودن مشکل ندارد و درک نکردن مقابل مشکل است. هیچ گاه یکدیگر را سرزنش نکنید و هرگز از «خودتان بودن» دست برندارید.

جوان

زبان مخفی جوانان

محبوبه ابراهیمی

فعال اجتماعی

این روزها، اصطلاحات و واژه های جدید و ناآشنایی در میان جوانان رایج شده که با زبان رسمی و گویش عامه مردم تفاوت های زیادی دارد؛ گویی نسل جدید، زبانی متفاوت از نسل های گذشته را انتخاب کرده اند و سعی دارند ادبیات گفتاری خود را به این سو تغییر دهند؛ گویشی که به زبان مخفی جوانان شهرت دارد و به منظور مخفی کردن و قابل درک نبودن گفت و گوها برای دیگران ابداع و استفاده می شود. افزون بر این پوشیده سخن گفتن، مخفف کردن بعضی کلمات، به کارگیری افراطی واژه های انگلیسی در میان گفت و گوها و محاوره ها، ساخت کلمات و الفاظ جدید، جایگزینی واژه ها و اصطلاحات ارزشمند عمومی با اصطلاحات غربی و به کارگیری اصطلاحات بی معنی و نامفهوم، از جمله مواردی هستند که در بین جوانان و نوجوانان رواج یافته اند و آهسته آهسته به کل جامعه سرایت کرده اند. در این میان، دامن زدن رسانه ملی به این مسئله و به کارگیری این اصطلاحات و الفاظ غریب در تولیدات رسانه ملی نیز به شیوع این مسئله در سطح جامعه دامن زده است؛ البته فضای مجازی و ارتباطات پیامکی نیز گسترش این واژه ها را آسان تر کرده است. این پدیده شایع، زبان شناسان و جامعه شناسان را با نگرانی مواجه کرده و این پدیده را تهدیدی علیه فرهنگ ملی می دانند؛ چرا که زبان در هر کشور و جامعه ای، جزء میراث های گرانبهایی است که از پیشینیان به ارث رسیده و بخشی از فرهنگ هر جامعه را تشکیل می دهد. هر چند برخی زبان شناسان و متخصصان علوم ارتباطات، معتقدند این اصطلاحات مانند رودخانه ای در حرکت هستند و ماندگاری ندارند؛ به هر تقدیر، این پدیده مهم در حال گسترش است و هر گونه بی توجهی به آن می تواند آسیب های جبران ناپذیر فرهنگی و اخلاقی را در پی داشته باشد. توجه مسئولان فرهنگی، صاحب نظران و پژوهشگران عرصه فرهنگ و بیش از همه دقت جوانان می تواند مانع رواج این پدیده شده و به احیای فرهنگ و تراکم فرهنگی بیشتر کمک کند.

سلامت

خدا حافظی با موی بی جان!

زهرا وحیدی نیا

کارشناس علوم تغذیه

موها برای سالم و زیبا بودن باید مواد مغذی مورد نیاز خود را دریافت کنند. که «بیوتین» یا B۷ از مهم ترین آنهاست. موها از پروتئینی به نام کراتین ساخته شده اند؛ پس برای زیبایی مو باید واحدهای سازنده کراتین به اندازه کافی در بدن وجود داشته باشند. بیوتین واحد سازنده کراتین است، پس برای داشتن موهایی پر پشت با تارهای ضخیم، زرده تخم مرغ، آجیل به ویژه بادام، بادام زمینی و گردو، سوسویا، حبوبات، موز، قارچ، گل کلم و غلات کامل بخورید. یکی از دلایل شایع موهای بی جان کمبود اسیدهای چرب امگا ۳ است. امگا ۳ تغذیه کننده فولیکول های مو و کاهش دهنده التهاب پوست سر است. ماهی های چرب، گردو، دانه کتان، دانه چیا، بادام و روغن زیتون از منابع خوب امگا ۳ است. از دیگر ویتامین های زیبایی می توان به ویتامین C اشاره کرد. این ویتامین به مثابه یکی از قوی ترین آنتی اکسیدان های بدن با رادیکال های آزاد مبارزه کرده و اثرات سوء این مولکول های مخرب بر فولیکول های مو را خنثی می کند؛ همچنین از طرق افزایش ساخت کلاژن که جزء مهمی از ساختار پوست است، به تقویت مو کمک می کند. مرکبات، فلفل دلمه ای، کیوی، توت فرنگی و کلم بروکلی از منابع غنی ویتامین C به شمار می روند.

کتابه سبز

امیر قافله عشق

اگر چه شعر برایت به سینه ام دارم
برای تا تو رسیدن چقدر کم دارم
تو از وجود پری... بی نهایتی... محضی
منی که آمده ام رنگی از عدم دارم
گدا شدم به در خانه تو آمده ام
چقدر خوب که ارباب با کرم دارم
نفس به سینه ام افتاده باز دلتنگم
چقدر حسرت یک لحظه با زدم دارم
«رواق منظر چشم من آشنیانه دوست»
عجیب نیست که ایمان به پا قدم دارم
دو دسته اشک گرفته است هیبتی در من
میان شور غزلخوانی ام دو دم دارم
امیر قافله عشق گفته است که من
درون سینه عشاق هم حرم دارم
حامد حجتی



حسن ختام

در زمان رسیدیم به اربعین، در مکان نه

آقا جان، از اینجا که من ایستادم چیزی از آن گنبد فیروزه ای جگرمان پیدا نیست. شرمند ام؛ شرمند آن کبوتران که دلم را از اینجا سپرده بودم به او. گفته بودم دور این آسمان فیروزه ای مسجدتان آقدر طواف کند که در تمام دلم اسلیمی های خوش نگار گنبدتان نقش ببندد. او هم چرخیده بود؛ نقشش را در دلم می دیدم. مولای من، من دلم را سپرده بودم به کبوتر مسجدتان. قول هم داده بودم. عهدی که امروز شرمند ام کرده است. قول داده بودم در اربعین حسین (ع) به نیابت از عشق مان حاج قاسم مان قدم بردارم؛ سلامش را هم برسانم. گندم و ارزن تبرکی هم بیاورم. گذشت و من در زمان رسیده ام به اربعین حسین (ع)، اما در مکانی هستم دور از کربلا با کوله باری از دلتنگی و بقچه ای از خاطرات؛ خاطراتی که هر ورقش قطره ای است به تعداد عمودهای حرم عشق.